

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۹۸

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹

همرزیم انقلابی!

ضمن تبریک سال نوبه تو و توده های انقلابی ایران
آرزو میکنیم سال جدید سال پیروزی های هرچه
درخشان تر برای کارگران و زحمتکشان ما و سال شکست
برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.
به امید پیروزی راه سرخمان!

پیام سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر به کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران به مناسبت آغاز نوروزی دیگر

به مناسبت آغاز سال جدید، از طرف تمامی
رفقای سازمان، درودهای آتش خود را اشتهار
شما میکنیم و بدین مناسبت و با رد بکریمان
خونین سرخمان را با کارگران و زحمتکشان
تحکیم میبخشیم. امیدواریم سال جدید، سال
هرچه فسرده تر شدن معوق توده ها، سال هرچه
آگاه تر شدن زحمتکشان، سال بسوزند آگاهی
طبقه ای ما جنبش توده ای، سال پیروزیهای
درخشان برای توده ها، و سال رسوایی، انفراد،
رسوایی و شکستهای بی دردی برای ارتجاع
و امپریالیسم باشد.

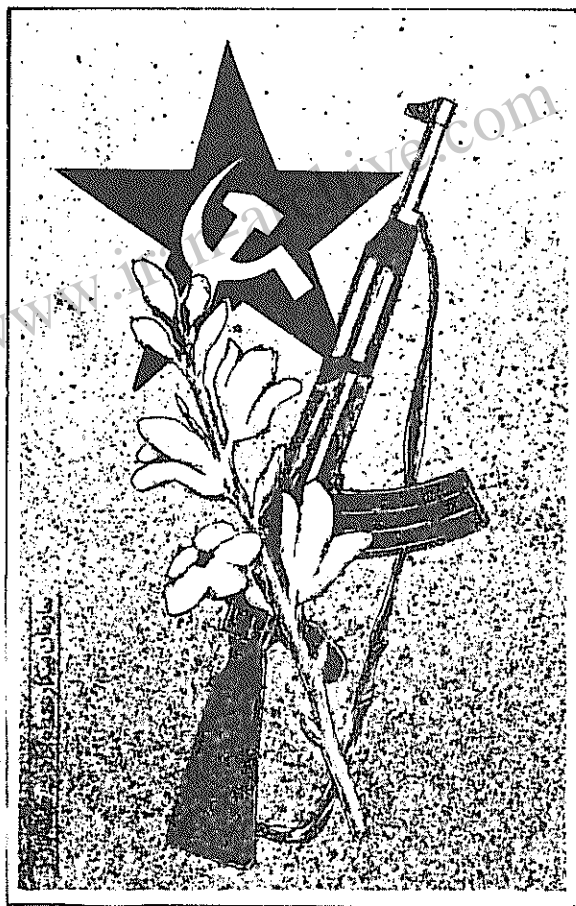
نقشه در صفحه ۱۸

سیر مقاله

سال ۵۹ سال برآمد انقلاب و شکستهای ضد انقلاب

استک آخرین روزهای سال ۵۹
راحت سرمیگدا ریم سالی که رژیم
جمهوری اسلامی آرا سال امنیت
نام پیدا دورای ما من اس امنیت
یعنی امنیت سرما با از هجکوبه
کوشنی بر علیه زحمتکشان و توده -
های تحت ستم فروگدا رنگرد. اما
قانون انکارنا پذیرمبارزه طبقه ای
شما می او هام رژیم حاکم را در ایجاد این
امنیت از همان روز اول نفس بر آب
کرد و توده های زحمتکش و قهرمان ما
علیرغم تمامی نوهامات خویش، خم
طبقه ای خود را علیه صاحبان سرمایه
رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم
جهانی به اشکال مختلف به نمایش
گذاشتند و سرابای ایران از شمال تا
جنوب و از شرق تا غرب، غریمه
مبارزات خونین کارگران و زحمتکشان
و خلقهای تحت ستم ما علیه رژیم
جمهوری اسلامی و امپریالیسم کردید.

نقشه در صفحه ۲



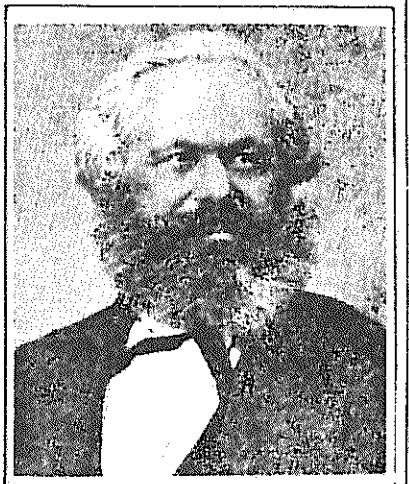
لوح افتخار کمونیستهای بیکارگر

۲۸ صفحه

لاهیجان: توده ها در صحنه بیکار

۹ صفحه

بیاد آموزگار کبیر پرولتاریا کارل مارکس



۱۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



کارگران زندانی شرکت واحد آزاد باید گردند!

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

در جریان اعتصاب حق طلبانه شرکت واحد در روز ۲/۱۲/۵۹ عده‌ای از دانشندگان و کمک‌رانشندگان مبارز دستگیر و به زندانهای رژیم جمهوری اسلامی برده شده‌اند زندانهای که شکنجه‌ان دیگر معروف خاص و عام شده است!

اینک حداقل ۱۸ تن از دانشندگان و کمک‌رانشندگان مبارز تهرانی در بندهای رژیم اسیرند. صدای اعتراض خود را به این عمل ارتجاعی بلند کنید و اجازه ندهید زحمتکشان را به جرم حق طلبی به بند بکشند.

راندگان، کمک راندگان و کارگران مبارز شرکت واحد!

شما نیز باید برای آزادی همکاران شریف خود مبارزه کنید! در مسیرهایی که مسافری را حمل و نقل می‌کنید حتماً خواهشها و دردهای خود را با مردم در میان بگذارید و بدینوسیله ضمن جلب حمایت آنان از خواهشهای برحق خود، تبلیغات عوامفریبانه شهردار و روسای مربوط و دولت را که علیه شما موضع می‌گیرند، بی اثر سازید.

برای پیروزی در این مبارزه باید "شورای نمایندگان واقعی مناطق ۴ گانه" را تشکیل داده و بدینوسیله مبارزات خود را متحد و هماهنگ سازید. بدون متشکل شدن پیروزی امکان ندارد. پیش بسوی تشکیل "شورای نمایندگان واقعی ۴ گانه" شرکت واحد! پیش بسوی جلب پشتیبانی توده‌های زحمتکش از خواسته‌های برحقمان از طریق افشای عوامفریبی‌های رژیم! زندانی سیاسی مبارز، کارگر زندانی مبارز از دباییدگردد! گسترده تریاد مبارزات حق طلبانه کارگران بر علیه سرمایه‌داران برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات تهران) ۵۹/۱۲/۱۳

انحراف گشاده میشوند.

بعد از جنگ و برافراختن امواج تبلیغات شوینستی از جانب رژیم، شورای فدکا رگسری کارخانه موفق میشود حدود ۸۰ نفر از کارگران را به کلاسهای آموزشی نظامی بفرستد. ولی در اثر فروریختن توهم کارگران در رابطه با جنگ ارتجاعی سرمایه‌داران، نفرت این کلاس به ۳۰ نفر تنزل می‌یابد. بطور کلی کارگران این

اعتصاب کارخانه سایپا: زبونی کارفرما و عدم تشکل کارگران

پشت می‌گرفتن رفته و به وراجی بر علیه مبارزات کارگران می‌پردازد. این سخنان وی با اعتراض کارگران مواجه میشود. بخصوص زمانیکه ایسین مزدور انکل اعمال خود را به کارگران نسبت داده و آنها را به چاقو زنی متهم میکند. خشم کارگران به نهایت رسیده و چیزی نمانده بود که سزایش را کف دستش بگذارند. اما این مزدور که خشم انقلابی کارگران را می‌بینند تغییر چهره داده و به کوشش و جابجایی در مقابل کارگران می‌افتد. مجمع عمومی به نتیجه نرسیده و در پایان آن یکی از اعضای شورای فدکا رگسری از کارگران ناچار شنبه ۱۳/۱۲/۵۹ مهلت می‌خواهد بعد از آن کارگران بعلت عدم تشکل و رهبری خرد خورده بسوگامی و تدوین ترتیب اعتصاب موافقت با این میباید. آنچه که در این حرکت مانع از نظر پیش درسا بر کارخانجات، برجسته است، ضعف تشکل کارگران میباید که علیرغم آن تشکل تعرض کارگران کارفرما را به عجز و ناتوانی میکشاند. حرکت کارگران از هم پاشیده و نتیجه ای نمیدهد. باید اطمینان داشته باشیم تا زمانیکه دشواریهای واقعی خود متشکل شده و آگاهی طبقاتی کسب نکنیم نتیجه مبارزاتمان چیزی جز این نخواهد بود.

کارگران کارخانه سایپا همانند اغلب کارگران با ناباوری نسبت به طرح فدکا رگسری دولت در مورد پرداخت ۲ ماه عیدی و پاداش به جای چهار ماه سود ویژه، مینگریستند. اما زمانی که روز ۶/۱۲/۵۹ اکثر کارگران مبلغی کمتر از هزار تومان بعنوان مابقی سود ویژه دریافت کردند (چرا که در تابستان ۳ هزار تومان بعنوان علی الحساب گرفته بودند). ناباوریشان تبدیل به خشم انقلابی شد. زمزمه اعتراض با شروع اعتصاب در سالن شماره ۳ در روز ۹/۱۲/۵۹ به اعتصاب عمومی در روز ۱۰/۱۲/۵۹ منجر گردید. علیرغم تهدید به اخراج کردن، "فدایان انقلاب" خواندن کارگران و تمامی فشارهای دیگری که از جانب انجمن اسلامی، شورا و مدیریت، این عمل سرمایه‌داران، به کارگران وارد آمد بجز عده قلیلی تا آگاه، کارگران بصورت متحد به اعتصاب خود ادامه دادند. مجمع عمومی کارخانه نیز تشکل میشود و طی آن کارگران مبارزه افشای عملکردهای دولت و عوام‌پسند کارخانه میپردازند که چگونه به بهانه جنگ حقوق کارگران را با اعمال میکنند. مدیر کارخانه نیز

از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۴)

شورای زرد و فدکا رگسری است و به همراه مدیر عامل سرکوب و استثمای هر چه بیشتر کارگران می‌پردازد. در این کارخانه، بعد از زقیام خواهشهای اقتصادی کارگران (از دبا حقوق، گرفتن حقوق پایداری شده و...)، در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تیلور میباید. روز ۳۱/۶/۵۹ در پی تهدید کارگران مبنی بر انجام اعتصاب، مدیر کارخانه به کارگران قول میدهد که تا چهار ماه دیگر طرح را پایداری کند و تا آن موقع همکاران میتوانند به جهای پنجشنبه بعنوان اضافه کاری کار کنند و علاوه بر آن مقرر میدارد که تا به کلیسه کارکنانی که بیش از ۴ ساعت غیبت غیرموجه نداشته باشند ماهانه ۱۵۰ تومان تعلق گیرد. بدین ترتیب کارگران از خواسته اصلی شان به

الف - رشته انومیلی سازی

۴ - کارخانه لیلاند مونور:

این کارخانه نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر و کارمند دارد و تولید آن اتوبوس دو طبقه، کامیون کمپرسی آتش نشانی، زیباله کشی و لجن کشی میباشود. بتازگی قرار است که بجای "دو طبقه" اتوبوس یک طبقه تولید کند. کارخانه قبلاً توسط هیئت مدیره ای اداره میشد ولی در حال حاضر بدینوسیله مدیر عامل قبلی کارخانه که از عوامل حزب جمهوری است با تاخیر و زیر صناع و مساعدان، اداره میشود. شورای کارخانه وابسته به کارکنان شوراهای اسلامی (بلی تکنیک) میباید که یک

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارخانه نسبت به بنی صدور ارتش توهم‌ها روند. این امر بخصوص در صدمیتان با دارودسته "حزب" میباید.

کارگران در اوایل آذربایجان کسر مالیات از حق اولاد، حق مسکن، حق خواروبار و..... خواهان تشکیل مجمع عمومی میشوند. اما مدیریت به بیانه جنگ و اینکه کارهای مقدما طرح طبقه‌بندی انجام گرفته، بررسی مسئله را به بعد موکول میکنند. مجدداً روز ۲/۱۰/۵۹ بدنبال

کارگران و طرفداران سرمایه‌داران، گواه این واقعیت است. بنا بر این خواست انحلال شورای قلابی و ایجاد شورای واقعی میباید. یکی از خواسته‌های محوری کارگران باشد.

کارگران آگاه و کمونیست کارخانه میباید ضمن بردن شعار مذکور بدرون کارگران، میباید در ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی همکاران خود کوشیده و بخصوص کارگران را از افتادن به دام عوامفریبیهای لیبرال‌ها و بنی صدر، برحذر دارند. باید تلاش نمود تا خواسته‌های صنفی کارگران را با خواسته‌های سیاسی طبقه کارگر پیوند زده و به ارتقاء مبارزات خودبخودی آنها پرداخت.

دادن اضافه کاری به قسمتهای "پرس" و "آتش" نشانی، کارگران سایر قسمتها عصر همین روز دست از کار رکنشیده و خواستار اضافه کاری میشوند. کمبود حقوق کارگران که کفاف تا مس حد اقل مخارج شان را نمیکند، به علاوه گرانی سرمایه و علت این نیا زشان به اضافه کاری است. این خواست کارگران با تهدید "شورا" و مدیریت به تعطیل کارخانه و اینکه این کارخانه هیچ سودی برای دولت ندارد (!) به جاشی نمیرسد. به نتیجه نرسیدن خواسته‌های کارگران بعثت عدم وجود یک شورای واقعی کارگری میباید. پراکنندگی کارگران در طرح خواسته‌هایشان و مشورت شدن عوامفریبیهای ارگانهای ضد

اداره کار بر علیه کارگران

و بفتح امپریالیستهای ژاپنی "رای" میدهد!

شرکت "فوروکا و الکتریک" یک شرکت معظم ژاپنی است که چه قبل از قیام و چه بعد از آن قراردادهایی در رابطه با انتقال نیروی برق با دولتهای ایران بسته و طبقاً سودهای کلانی نیز به جیب امپریالیستهای ژاپنی ریخته است. این شرکت اکنون در شهرهای تهران، کرج، آبیک، ساری، دفترا شرکت کرده است. با این تفصیل کارگسران شرکت از حقوق اولیه خود محروم و خیرا از پرداخت دوماه عیدی و پاداش مصوبه رژیم

نیز به آنها خودداری شده است. این عمل موجب اعتراض شدید کارگران گردید تا اینکه تصمیم به اخراج کارفرمای ژاپنی خود میگیرند اما نماینده کارفرما به کارگسران میگویی: ما نمی‌خواهیم عیدی شما را ندهیم فقط منتظر بخشش ما قانونی وزارت کار هستیم. بالاخره کارگران، به اداره کار رتزوین مراجعه کرده و خواهان پرداخت عیدی

میشوند. اداره کار هم بعد از یک هفته رای زیر را بفتح کارفرما صادر میکند. لازم به تذکر است که یکی از دلائل عدم پرداخت توسط کارفرما "تولیدی و صنعتی نبودن" شرکت بود. اما اداره کار علیرغم رد این ادعای کارفرما، بفتح رای میدهد!

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی
اداره کل کار و امور اجتماعی تروین

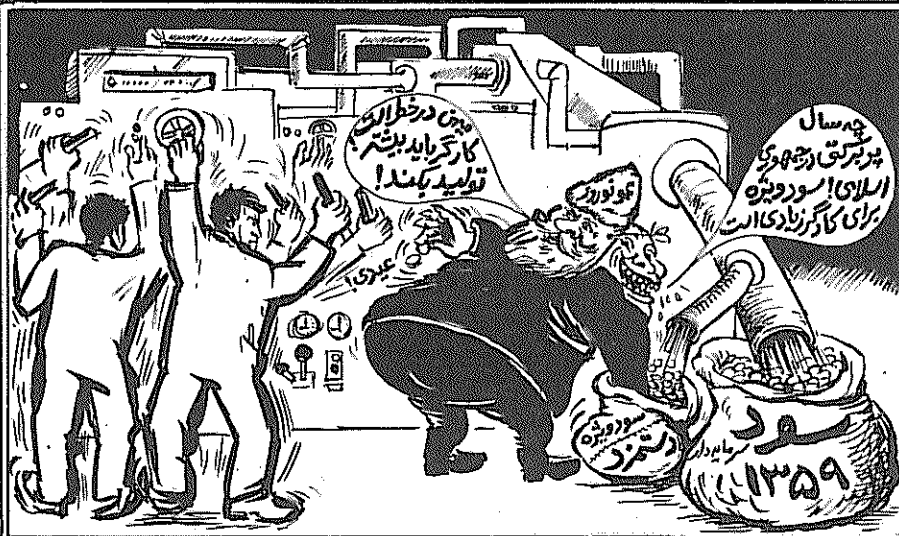
شماره پرونده	۴۸ و ۴۹ خواروباری	محل کار یا محل اقامت
تاریخ اظهارش		
پست		
نام کارگر	آقای ناصر صالحی و سایرین	
کارگاه	شرکت فوروکا الکتریک	

رای: به استحضار اظهارات کارگران شاکی و همچنین اظهارات آقای مکتوب و نماینده شرکت فوروکا الکتریک، در خصوص محتویات پرونده، بطوریکه چون کارگاه مذکور تا سیاسی بوده و کارکنان و کارکنان این شرکت، کارگاه تولیدی نیستند لذا همیشه شکایت کارگران را در مورد پرداخت دوماه حق السهم و پاداش و سایر مطالبات سال برابری با سایر کارکنان در مورد پرداخت دوماه عیدی، که شرکت می‌باید کارگران را برابری با سایر کارکنان داشته پرداخت نماید.

نماینده کارگاه
نماینده کارکنان
نماینده کارکنان

نشانی کارگری
تاریخ رای
کلاس مشاوران

توجه: برای ارسال رای



منتشر شد

روزنامه مبارزات کارگری
روزنامه مبارزات کارگری
شماره ۱۰۰

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

روزنامه مبارزات کارگری
روزنامه مبارزات کارگری
کتابخانه

روزنامه مبارزات کارگری
روزنامه مبارزات کارگری
کتابخانه

فان، مسکن، آزادی

خلق ها و مسئله ملی



خمپاره باران مداوم روستاهای میاندوآب همچنان ادامه دارند

۵۹/۱۱/۲۹ - بدنال خمپاره باران بی وقفه روستاهای اطراف میاندوآب توسط پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در این روز روستای زینالکندی نیز که دهی گردنشین است آماج خمپاره های مزدوران قرار گرفت که در اثر آن یک نفر شهید و سه نفر زخمی گردیدند.

۵۹/۱۲/۳ - عصر این روز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی تعداد ۱۳ خمپاره با مسلسل روستای قباغکندی (واقع در چهار کیلومتری میاندوآب) برتاب نمودند که چون مردم قبلا آنجا را تخلیه کرده بودند تلفات جانی نداشت. دشمن بعد از آن یک قایق چوبی خالی را که وسیله ارتباط ساکنان روستا بود با آربی جی منهدم کرد!

جالب توجه است که خبر انهدام این "قایق" چوبی روستایان را رادیو جمهوری اسلامی در چند بخش خبری خود با آب و تاب نقل کرد و گفت که پاسداران با عملیات چریکی قایق ضد انقلاب را منهدم کرده اند.

مردم این منطقه در نقاط مختلف رودخانه با تکه های از چوب و تخته جنین قایق های سی درست کرده اند که با بول یک گلوله آربی جی دهها عدد از آنها را میتوان ساخت. اینهم از شاهکارهای پاسداران جهل و سرمایه.

در همین روز روستای کوخان و خویری آوا نیز خمپاره باران شد. لازم به تذکر است که اکثر روستاهای گردنشین و ترک نشین اطراف میاندوآب خالی از سکنه شده و ساکنان نشان در دهات اطراف آواره شده اند.

(خبرنامه ۱۱۵ کومه)

باز هم تزیینت مزدور!

طبق گزارشات رسیده از دکان "ایودر" در سربل ذهاب، رژیم عشایری را که حاضر به همکاری و پشتیبانی از وی شده اند، با حقوق ۳۰۰۰ تومان در ماه و عشا "قیاده موقت" خاشن را با حقوق ۴۰۰۰ تومان در ماه، آموزش میدهد. رژیم ضد خلقی، در حالیکه گردستان قهرمان را در محاصره اقتصادی قرار داده و مبارزات برحق آنها را شدیداً سرکوب میکند، با حمایت از نیروهای خاشنی چون "قیاده موقت" و بکارگیری آنان، به نمونه دیگری از خیانت خلقهای ایران دست میازد.

هشدار در مورد حمله نظامی و سیخ رژیم به ۴۰ روستای سقز

با خاک یکسان خواهند کرد. در این عملیات جنایتکارانه نیروهای زیر شرکت خواهند کرد.

۱ - گروهان کلاه قرمز

۲ - سیخ

۳ - جوانمردان ژاندارمری

۴ - ارتش بیرا نشهر

۵ - گروهان تانک ایودر مشهد

۶ - نیروهای هوایی جمهوری اسلامی

۷ - توپخانه سقز

این شواهد، هشدار می دهد که تمام کمونیست ها، نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران تا با حمایت همه جانبه نظامی - سیاسی از خلق کردتولنگه های کشتار و سرکوب خلق قهرمان کرد توسط جمهوری اسلامی را خنثی کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که در هر قدم از اقدامات سرکوبگرانه خود با گسترش و تعمیق هر چه بیشتر جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد و مقاومت علیه نظامی پیشمرگان انقلابی مواجه شده است اکنون پس از آزمون کلبه شیوه های جنایت و سرکوب، بار دیگر خود را برای کشتار و حشیانه بخش وسیعی از زحمتکشان کردستان آماده کرده است.

طبق اطلاعات موشق رسیده، نیروهای سرکوبگر رژیم، جهت خلق سلاح اهالی ۴۰ روستای اطراف سقز به طرف کردستان حرکت کرده اند. قرار است که بر نماندگشتار روستایان زحمتکش سقز از ۱۸ تا ۲۵ اسفند ۵۹ انجام گیرد و اهالی دهات اطراف سقز مقاومت نکنند، نیروی هوایی جمهوری اسلامی و توپخانه سقز، آنجا را

پیرامون "اندرزها" و "هشدارهای" حزب دمکرات به کمونیستها در کردستان!

اعلامیه، تشکیلات بوکان حزب دمکرات اعلامیه دیگری صادر میکنند که در آن به "پندواندرز" و "خط نشان کشیدن" برای کمونیستهای فعال در کردستان می پردازد. و مصرا ادعا میکنند که حزب دمکرات محبوب خلق کرد است! و خلق کرد اجازه نخواهد داد دگرگوهای خط حزب در کردستان به حزب دمکرات اهانته نموده و خلق کرد حزب دمکرات را برای مقابله با این اعمال تحت فشار قرار داده است! و بلاخره یورش وحشیانه ای که به مقر سازمان ما در بوکان صورت گرفت، گویا نشانه علاقمندی خلق کرد به حزب دمکرات است! سپس حزب حقایق واقعه "اسفای بوکان را بر میسرود از جمله تهدید میکنند که همانطور که این واقعه نشان داد، ضمن آنکه حزب دمکرات، خواهان "دمکراسی" است، لیکن اهانته و مخالفت و تهمت های ناروا از جانب دیگران را تحمل نخواهد کرد! (ودر صورت لزوم همچون واقعه بوکان آنان را به خاک و خون بقیه در صفحه ۱۲

حزب دمکرات کردستان - تشکیلات بوکان پس از حمله وحشیانه ای که به مقر سازمان ما در بوکان نمود و طی آن سه تن از زنفای ما را به شهادت رسانید، اعلامیه هایی به تاریخ ۸ و ۹ اسفند منتشر نمود که در آن درباره "واقعه اسفایر" بوکان (منظور جنایت حزب دمکرات است) توضیحاتی داده است و ضمن ابراز همبستگی با سازمان مجاهدین خلق که گامهای مثبت و شمر بخشی در جهت نزدیکی با آن برداشته است! "تحریکات" ما را (منظور افشاگریهای ما درباره حزب دمکرات است) در جهت انتقاد به مجاهدین در حمایت از حزب دمکرات، مورد نکوش قرار داده و مدعی شده که چنین "تحریکات" باعث چنین درگیریهای ناخواسته "اسفایر" گشته است و باز هم خواسته است که نیروهای کمونیست در کردستان از طرفی بنیادیه "نفاق افکنی" دست زنده و از طرف دیگر بنیاد را مورد جرائسی کردستان در خالت نمایند. بلافاصله بعد از این

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



میتینگ آشنای حزب دمکرات بدعوت پیشمرگان سازمان

کامیاران، آبادی «ط» ۵۹/۱۲/۱۱ - در این روز در رابطه با حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر سازمان ما در بیوکان میتینگ افشاگرانه ای بدعوت پیشمرگان سازمان در منطقه کامیاران و با شرکت صدها تن از زحمتمکشان آبادی و پیشمرگان انقلابی کومله و رزمندگان برگزرا شد. استقبال پر شور مردم محل از میتینگ حساسیت فوق العاده توده های زحمتکش در برابر وقایع سیاسی و همچنین همبستگی آنها با سازمان نهایی انقلابی را نشان میداد. در ابتدای مراسم، سرود "ای شهیدان" توسط جمعیت حاضر اجرا شد و بعد یکی از پیشمرگان انقلابی سازمان واقعه حمله افراد مسلح حزب به مقر سازمان و شهادت و زخمی شدن چندین تن از پیشمرگان سازمان را بطور مشروح توضیح داد. رفیق پیشمرگه طی سخنان خود حمله وحشیانه حزب را امری غیرمنتظره ندانسته و نشان داد که این اقدام حزب از مجموعه عملکردهای ضد انقلابی آن در طول جنبش مقاومت جدانیت، افشاگری رفیق پیشمرگه با تائید همگانی روبرو گردید.

سپس یکی دیگر از پیشمرگان سازمان ضمن شرح اوضاع سیاسی ایران و مشخص کردن سیاست حزب توضیح داد که چگونه حزب در برابر منافع زحمتکشان کردستان ایستاده و چشم میدخورد را بسوی قدرتمندان ضد خلقی جمهوری اسلامی بویژه جناح بنی صدر خائن دوخته است. رفیق پیشمرگه طی سخنان خود گرفتار انواع مالیات های اربابی، دفاع از زمینداران و سرمایه داران، جلوگیری از تقسیم زمینهای فئودالها و خلق سلاح نیروهای انقلابی توسط حزب دمکرات را با ارائه شواهد افشاگرانه مورد تائید کاملاً زحمتکشان آبادی "ط" قرار گرفت. رفیق پیشمرگه در خاتمه سخنان خود، سیاست سازمان در برابر هرگونه تها و ضد انقلابی یعنی ایستادگی تا آخرین نفس در سنگرزحمتکشان رایگان پاسخ اصولی و انقلابی به اینگونه حملات اعلام نمود. در این میتینگ نمایندگان پیشمرگان انقلابی کومله و رزمندگان نیز ضمن محکوم نمودن شدیداً این اقدام ضد مردمی حزب، ایستادگی خود در صف انقلاب و دفاع از سازمان های انقلابی و منافع زحمتکشان کردستان را اعلام کرده و حمله وحشیانه حزب را در رابطه با سیاستهای کلی آن، خیانت به زحمتکشان کردستان و منافع خلق کردها دانسته و محکوم داد.

یادی از یاران بخون خفته در بیوکان

خاطره رفقای شهید باقی خیاطی و طاهر ابراهیمیان و محمود (رضاسا) -
ابلاغیان درد لهای زحمتکشان کرد جاودان خواهد ماند .
شهادت رفقا با گلوله های مزدوران "حزب دمکرات" سند دیگری از خیانتهای این حزب ضد انقلابی به آرمان خلق قهرمان کرد است.

● کاک باقی خیاطی از اهالی مهاجرت و دانشجوی دانشگاه تبریز بود. رفیق شهید از روز های بیروت و قیام زاهدان سازمان مسابشما ربیرفت. با یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در سال ۵۸ به کردستان کاک باقیی فعالان در فعالیتهای تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان بیکا شرکت میکرد. در تابستان ۵۹ رفیق باقی با عشق به آرمان طبقه کارگر و برای خدمت انقلابی به زحمتکشان کردستان عازم مهاجرت شد و در بهار ۵۹ در مرفوف رزمندگان پیشمرگان قهرمان سازمان قرار گرفت و پس از مدتی در مقر سازمان در بیوکان عهده دار وظایف انقلابی و تشکیلاتی گردید و تمام نیروی توانش را در خدمت رهایی خلق کرد و مبارزه به خاطر انقلاب و سوسیالیسم قرار داد. رفیق باقیی در ۷ اسفند ۵۹ در جریان یورش وحشیانه و جنایتکارانه حزب دمکرات به کاروان شهیدان جنبش مقاومت خلق کرد پیوست. با تائید بیکا رزگرمیست را گرامی داشته و راهش را پیر شور و پیر توان هشیال خواهیم کرد.

● کاک طاهر ابراهیمیان در سال ۱۳۳۶ در بیوکان بدنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان شهر، در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه تبریز شد. او از همان آغاز دوران دانشجویی در مبارزات انقلابی جوانان شرکت فعالانه داشت و در جریان مبارزات و تظاهرات دانشجویی در سال ۱۳۵۶، دستگیر و دو ماه در زندان شاه بسربرد و سپس برای مدتی از دانشگاه اخراج شد. رفیق طاهر در همان زمان برای آشنائی به دردورنج طبقه کارگر، به کارگزاری یزدانخت و در زمان قیام با ایمانی استوار به آرمان رهاشی بخش و دوران ساض طبقه کارگر به کردستان بازگشت. رفیق فعالان در جهت ایجاد "جمعیت دفاع از حقوق زحمتکشان کرد" در بیوکان به تلاش انقلابی پرداخت و در بخش روستائی جمعیت به مبارزه انقلابی اش ادامه داد و لحظه ای از کار آگاهانه در میان زحمتکشان روستا بازنایستاد. کاک طاهر در دوش بدوش دهقانان زحمتکش بر علیه کمیته های ارتجاعی عشائری و زمینداران بزرگ بیکا رزگرمیست اول ارتجاع به کردستان در کنار پیشمرگان "جمعیت" در جنگ سقز با دلاوری و شجاعت شرکت کرد.

تقیه در صفحه ۸



هشیاری خود را حفظ نمایند و بدین سبب سال آن پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی با دادن شعارهای کوبنده در افشای این اقدام خائسانه و جنایتکارانه حزب، بطرف مقر سازمان حرکت کردند.

آبادی خود را برای مقابله با این گونه تها و زات ضد انقلابی اعلام نمودند. در پایان مراسم شورای آبادی "ط" ضمن محکوم نمودن عمل جنایتکارانه حزب دمکرات از مردم محل خواست تا در برابر اینگونه اقدامات

گوشه‌ای از مبارزات دانشجویان کمونئیست و انقلابی در اروپا:

وین (اتریش): تظاهرات سلطنت طلبان ارتجاعی در هم کوبیده شد

سلطنت طلبان فراری و مزدوران رژیم شاه صبح روز ۲۲ بهمن برای "دفاع از حقوق بشر" تظاهراتی در مقابل ایستگاه راه آهن وین ترتیب داده بودند. شورای هماهنگی دانشجویان انقلابی و مبارزان رفقای سازمان دیگری نیروهای کمونیست و انقلابی با اینکه فقط یک روز قبل از تلاش مذکور سلطنت طلبان مزدور اطلاع یافته بود با سازماندهی بیش از ۳۰۰ نفر از دانشجویان و ایرانیان مبارز مقیم وین بمقابله با تظاهرات ارتجاعی مزدوران رژیم شاه جلاد که اینک قطعاً مغربیه و ادعای دروغین پشتیبانی از "حقوق بشر" (همان بشرهایی که در زندانهای ساواک شکنجه میشدند و شهید میگشتند!) داشتند پرداخته. سلطنت طلبان که در حدود ۴ نفر بودند و در سوگ ارتجاع محمد رضا شاه، سیاه پوش شده بودند، بشدت از طرف پلیس وین محافظت میشدند. این مزدوران نتوانستند مسیر تعیین شده خود را طی کنند و در پی راهپس امیریا لیستی اطریش از کوهپس کوچک بطرف دفتر "حقوق بشر" راه افتادند. پلیس وین به دانشجویان انقلابی حمله کرد و عنقریب دستگیر کرد (که غروب همان روز آزاد شدند). در این مقابله افشاگران، چندتن از فالانژهای سفارت با در دست داشتن عکس آیت الله خمینی آمده بودند ولی محیط به آنها اجازه "خودنمایی" نداد و عکسها را جمع کردند.

"باهتر" مرتجع در وین افشا شد

بدنبال درهم شکستن تظاهرات سلطنت طلبان، برای افشای سفر با هنر به اطریش و ما هیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، بهنگام سخنرانی با هنر مرتجع، دانشجویان انقلابی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی گرد آمدند ولی با درهای بسته رو برو شدند بطوری که حتی فالانژها نیز نتوانستند داخل شوند. مزدوران رژیم از پلیس اطریش کمک خواستند ولی پلیس وین تجربه تظاهرات سلطنت طلبان و مقاومت دلاورانه دانشجویان مبارز ایرانی را بیاد داشت و لذا موفق به پراکنده شدن رفقها نگردید و نتیجه رفقها و دانشجویان انقلابی تا پاسی از شب گذشته، با شعارهای انقلابی به فضای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند و جلسه با هنر تا ناکامی مواجه شد.

روز ۲۷ بهمن دانشجویان انقلابی با اطلاع از ممانعت مطبوعاتی با هنر در مقابل سفارت



تجمع کردند تنها سه نفر خبرنگار به سفارت مراجعه کرد که هنگام ترک آنجا با دانشجویان مبارز نیز مصاحبه کردند در این فعالیت افشاگران چند نفر هواداران جریان انقلابی رنجبرها شعار "نه آمریکا، نه روسیه، ایران مال ایرانیه" سه مقابل سفارت آمده بودند و قصد خرابکاری در مبارزه دانشجویان رزمندگانه داشتند که زوزه شان در فریادهای رسای دانشجویان انقلابی خفه شد.



پلیس وین به مقابله دانشجویان
کمونئیست آمده است

نیس (فرانسه): رفقای هوادار خیمه شب بازی سلطنت طلبان مرتجع را برهم زدند!

چندی پیش عناصر مزدور سلطنت طلب بویژه طرفداران اشرف پهلوی فاسدبمناسبت "سال - روز ۱۷ دی" (روز با ملاح "آزادی" زن بدست رضا خان قلندر) مراسمی با شرکت دختر اشرف (آزاده شفیق) در هتل "مریدین" نیس ترتیب دادند. رفقای سازمان دانشجویان ایرانی در نیس (عضو اتحادیه جهانی هواداران) پس اطلاع از برگزاری از جنین برنامه‌ای با همکاری عناصر دمکرات و مترقی شهر با تشکیل یک کمیته هماهنگی فکلیتیهای افشاگرانهای برای برهم زدن تجمع آنان سازماندهی میکنند. با وجود اینکه سالن برگزاری مراسم از طرف پلیس فرانسه و مزدوران سلطنت طلبان بشدت محافظت میشد رفقای موفق شدند در سالن نفوذ کنند اما

برخی از آنان توسط مرتجعین شناخته شده و با همکاری پلیس از ورودشان جلوگیری بعمل آمد هنگام مشروع برنامه که توسط عزت الله متوجه مزدور (ازگردانندگان تلویزیون ثابت - با سال) اداره میشد، رفقها با پاره کردن عکسها و با نین کشیدن با ندرولها و در هم ریختن تزئینات و دادن شعارها، مراسم را بهم میزنند. در اثر مدخله پلیس و جاقوگشان اشرف پهلوی یکی از رفقای هوادار مجروح و به بیمارستان منتقل میگردد. پلیس نیس اقدام به دستگیری و ضبط کارت اقامت یکی دیگر از دانشجویان انقلابی مینماید اما در مقابل اعتراضها و فریادهای افشاگران رفقای را راه میگذارد.

رفقای هواداران فریاد برهم زدن خیمه شب بازی مرتجعین فراری، در یکی از ستورانهای دانشگاه فاشگری خود را ادامه میدهند و مزدوران سلطنت طلب را به محاکمه میکنند که منجر به درگیری با آنان میشود.

دانشجویان انقلابی و کمونیست با مبارزه خود در مرکز تفریح و عیاشی پولداران مفتخور جهان در ساحل مدیترانه نیز، خواب راحت را بر مزدوران فراری حرام میکنند و مانع از برگزاری خیمه شب بازیهای مفتضحانه‌ای که با غارت دسترنج زحمتکشان ایران میسر گشته میگردد.

حمله پاسداران مزدور به خوابگاه دانشجویان خدمات اجتماعی

بدنبال حملات مکرر او با شان و پاسداران مسلح رژیم به خوابگاههای دانشجویان، در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ بهمن، خوابگاه دانشجویان "خدمات اجتماعی و آموزشی" واقع در خیابان استاد نجف‌اللهی مورد حمله قرار میگیرد. ابتدا چاقوهای مزدور را با قوه دانشجویان حمله ور میشوند. یکی از فالانژها با نوشتن "مرگ بر پیکاری و منافق" بر روی یکی از شیشه‌ها، دانشجویان را تهدید به کشتار میکند. فالانژ دیگری برای ارساب دانشجویان نارنجکی آموزشی را بسوی آنها پرتاب میکند. عده زیادی از مردم در محل جمع شده بودند و زدا دانشجویان حمایت میکردند. فالانژهای رژیم در پیش چشم مردم کوکتل مولوتف درست کرده و به میان خوابگاه می انداختند اما دانشجویان همچنان مقاومت میکردند. پاسداران ارتجاع که دیدند دانشجویان همچنان مقاومت میکنند، با رگبار مسلسل به همراه فالانژها به ساختمان حمله ور میشوند. دو نفر از دانشجویان مورد آماج گلوله قرار گرفته و بقیه بشدت مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. - مزدوران بقیه از صفحه ۲۶

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



بقیه از صفحه ۶ یاد می...

کرد رفیق طاهری مدتی پس از درجاده تیکان تیسه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی اسیر شد ولی پس از یکماه آزاد شد و بعد از تصرف شهرها بدستان پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومست همراه رفقای همرزمش به صف هواداران سازمان ما پیوست. رفیق کمونیست دلاوری بود که بخاطر خصلت های ممتازش در دل زحمتکشان بوکان جای گرفته بود. او با صبور و حوصله انقلابی پای صحبت توده های زحمتکش شهری نشست و برایشان به زبانی ساده، مقاله های پیکار را نقل میکرد و کینه و عشق طبقاتی را در دل آنها میکاشت. رفیق طاهر که در ۷ اسفند با گلوله های مزدوران حزب دمکرات در خون سرخ خود غلطید، اما بذری که او و دیگر برادرانش کاشته اند نهال انقلاب و سوسیالیسم را در زمین ما با رورخ هداخت.

● کمونیست ها همیشه به توده های زحمتکش فکر میکنند و هر قدمی که بر میدارند در جهت آزادی زحمتکشان از قید استعمار است. آنها حتی در نامه های خانوادگی تیز از توده ها و زحمتکشان صحبت میکنند و به راهی که میروند که راه انقلاب و سوسیالیسم است می بالند.

دور زیر بخشی از نامه رفیق طاهر که در تاریخ ۲۵ آذر ۵۹ به خانواده اش نوشته است نقل می - کنیم رفیق طاهر روز ۷ اسفند بدست جنایتکاران حزب دمکرات در بوکان شهید شد

"... اکنون که جنگ بین دور ژیمارنجا عسی شروع شده و توده های بیگناه و زحمتکش شهرهای خوزستان گوشت دم توب شده اند و در حال حاضر وضعیت برای تمام زحمتکشان ایران روز بروز سخت تر میگردد، این بدتر شدن اوضاع همچنان ادامه خواهد داشت تا اینکه بالاخره مردم به آن آگای لازم دست یافته و در صددرصد ریشه کن ساختن عامل بدبختیشان برآیند. اما تا آن موقع فاصله ای گرچه کوتاه ولی کوشش بسیار مطالبید و هر که در این راه گام تنها خدمتی بزرگ و حتما اجرایی گرانبها در پیشگاه توده ها و تاریخ خواهد داشت. با این تفصیل من همانطور که قبلا بار - ها گفته ام پیکار خودم علاقمند، معتقد و راستی و خوشحال هستم و بشما نیز این حق را میدهم که از بابت من خوشحال باشید و نه نگران".

رضا ۵۹/۹/۲۵

چگونه حزب دمکرات از سرمایه داران و مالکین دفاع میکنند؟

بوکان در تاریخ ۲۴ بهمن ماه عده ای از پیشمرگان کومه له بقصد جلب فردی بنام "مصطفی قاضی" به خانه وی میروند تا به شکایت عده ای از کارگران شیکه شخص مذکور حقوق چند ماهشان را پرداخت نکرده بود رسیدگی نمایند. شخص مذکور ضمن امتناع از رفتن با پیشمرگان

سوی آنها آتش مگنا بدو ما شین پیشمرگان را از کار می اندازد. پیشمرگان کومه له این فرد را خلع سلاح میکنند ولی در حین بردن وی افراد مسلح حزب دمکرات که از قبل به کمین پیشمرگان کومه له نشسته بودند آنها را به رگبار و گلوله میبندند. در نتیجه درگیری یکی از پیشمرگان کومه له و یک کودک خردسال زخمی میشوند. این عمل حزب دمکرات باعث خشم و نا راحتی مردم شهر میگردد و عده کثیری از مردم برای پشتیبانی از حرکت انقلابی کومه له و در مخالفت با عمل حزب با تظاهرات به جلومقرابین سازمان میآیند و به سخنرانی یکی از مسئولین کومه له گوش میدهند. بعد از مدتی حدود ۱۵ نفر از هواداران حزب دمکرات به خیابان ریخته و به هواداران نیرو - های انقلابی و مردم کناریا بان حمله کرده و عده ای را مضر و چندین نفر را دستگیر و با خود به زندان حزب میبرند که در آنجا مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. بعد از آن هواداران حزب در خیابانها بر راه افتاده و هر جا علامه و پوستر و نوشته از نیروهای انقلابی بردیوارهای شهر بود با ره میکنند.

حزب دمکرات با این حرکت خود یکبار دیگر نشان داد که مدافع مالکین و سرمایه داران است. حزب دمکرات نشان داد که حاضر است برای حفظ منافع یک سرمایه دار پیشمرگان جنبش مقاومت را بگلوله بیند و به سرکوب هواداران نیروهای انقلابی و توده ها دست بزند. اما اقدامات حزب دمکرات علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی را بشدت محکوم میکنیم.

(پیکار کردستان شماره ۶)

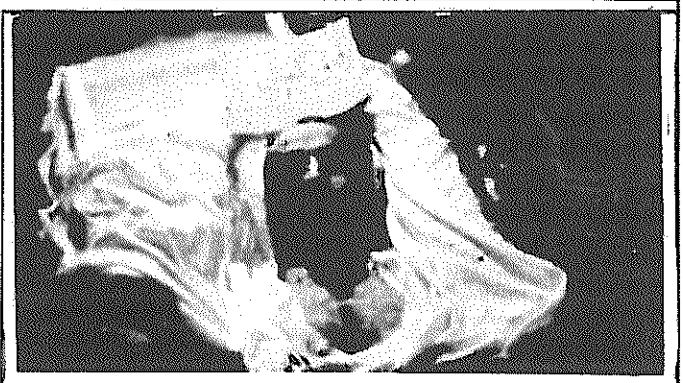


رفیق طاهر ابراهیمیان

سه کمونیست دلاور سه پیکارگری که در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران می جنگیدند توسط عوامل جنایتکار حزب دمکرات به خون کشیده شدند. آنان به شهادت رسیدند و اطراف ناتمام آنان توسط همه کمونیستهای صدیق پیموده خواهد شد. ما نیز سوگواری می کنیم به آرمان آنان که همان سوسیالیسم و کمونیسم است همچنان وفادار ایمانیم و با تمام قدرت به مبارزه طبقاتی علیه دشمن طبقاتی ادامه دهیم!



رفیق باقی خیاطی



رفیق محمود ابلاغیان

اخبار مبارزات توده‌ها



در لاهیجان چه میگذرد؟

حمله مژه بران رژیم به نیروهای انقلابی
و مردم شهرمان لاهیجان

اکنون لاهیجان یکبارچه در آتش مبارزه و مقاومت خلشق و کمونیستها، از خبا نتهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میسوزد. رژیم که از لحظه روی کار آمدنش یک لحظه از سرکوب مبارزات توده‌ها و ترور و دستگیری انقلابیون غفلت نکرده است، اینبار هم در لاهیجان یک بار دیگر چهره فاشیستی خود را بنمایش گذاشت.

از حدود یک ماه پیش با شدت بی‌سابقه فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست (پیکار، رزمندگان و...) و فروش علنی نشریات انقلابی، رژیم از وحشت گسترش آگاهی و ایده‌های انقلابی در بین توده‌ها، حملات خود را به پیک‌های انقلابی افزایش میدهد که هر بار با مقاومت انقلابیون و مردم روبرو میگردد. و با اواخره در روز ۱۲ اسفند با حمله متمرکز خود علیه خشم انقلابی توده‌ها را فروزان ترمینند. رژیم در این روز به انقلابیون حمله ور شده و کمونیست رزمنده‌ای را بنشاندت مجروح و دستگیر میسازد. مردمی که شاهدا بین بیورش بودند تحمل نکرده و در حالیکه شعار "مرک - برپا ساد" میدادند به ماشین مزدوران هجوم برده و انقلابی اسیر را آزاد میکنند، و با کتک مطلق که به پاسداران میزنند، آنان را فراری میدهند. بدنبال فرار آنها، چماق‌داران رژیم که مسلح به چماق و قداره و کلت بودند، وارد صحنه شده که با مقاومت یکبارچه مردم و انقلابیون و کمونیستها، آنها هم مجبور به فرار میشوند. سپس مردم مغازه‌ای را که در حقیقت دفتر پاسداران مزدور بوده‌اش آتش میکشند. مزدوران رژیم سه تلافی مقاومت انقلابی توده‌ها، شبانه با نشتند ساواکیهای، به مغازه‌های شهر حمله کرده و ۴۰ مغازه را ویران میکنند.

در روز بعد، مغازه‌داران با تعطیل دکانها بطرف فرمانداری راهیما می‌شوند. فرماندار مرتجع با عوامفریبی از آنان میخواهد که برای تامین امنیت! فروشندگان نشریات انقلابی را دستگیر! و تحویل سپاه پاسداران بدهند. اما تظاهرات کنندگان با گفتن اینکه "فرزندان خود را تحویل نمیدهیم" مشت محکمی بدهان فرماندار رژیم زده و با افشاکاری حول سیاستهای ارتجاعی رژیم، قطعنامه خود را شرح زیر میخوانند:

- ۱ - عوامل چماق‌دار با بدبختی و محاکمه گردند.
- ۲ - خسارات وارده تا مین باید گردد.
- ۳ - شورای شهر منحل گشته و شورای واقعی ایجاد باید گردد.

در پایان تظاهرات کنندگان اعلام میکنند که

لاهیجان: توده‌ها در صحنه پیکار

است که هیچکس نمیتواند آنرا بحساب نیاورد، هیچ قدرتی (حتی بزور اسلحه و شهید و عوامفریبی و...) نمیتواند آنرا مهار نماید. در هفته گذشته لاهیجان یکی از نمونه‌های تعرض انقلاب علیه فدا انقلاب بود. نیروهای انقلابی و کمونیست علیه رژیم دستگیریه و شکنجه‌های آبی از پخش و فروش علنی و افشاکاری دست بر نه میدارند. توده‌ها که از گرانویسکاری، از قحطی، از جنگ! ارتجاعی، سرکوب و کشتار به تنگ آمده - اند چون مردمک چشم از نیروهای انقلابی و کمونیست این پیام‌آوران و پیکهای واقعی انقلاب حفاظت میکنند.

زمانیکه یکی از فروشندگان نشریات انقلابی توسط سپاه دستگیر و مورد ضرب و شتم و حشیا نه‌ترار میگردد، توده‌ها سپاه را محاصره نموده و با حمله و شکنج ماشین سپاه فرزند انقلابی خود را آزاد میکنند. سپاه زورورسما به فراری میشود و چماق‌داران و قداره‌بندان حزب چماق (حزب جمهوری) وارد میشوند ولی توده‌های خشمگین آنچنان درسی به این ارادل و اوباش میدهند که آنان نیز با بجای گسارند زخمیهایی زیا دفرا را برقرار ترجیح میدهند و بقیه در صفحه ۱۰.

- ۱ - ارتجاع از شدت خشم و یاس به خود می‌پیچد و دندان قروچه میکند.
- ۲ - پاسداران زورورسما به همراه قداره‌بندان جمهوری "عدل و داد" چون گاردیهایی مزدور آریا مهری و چماق‌داران رژیم شاه حدود ۴۰ مغازه شهر را نیمه شب تخریب میکنند.
- ۳ - مردم بخاطر این اعمال وحشیانه شهر را به حالت تعطیل درآورده و تحصن و راهیما می‌شوند.
- ۴ - مردم قداره‌بندان و پاسداران را آداب میکنند.
- ۵ - در اثر هجوم مسلحانه پاسداران به صفوف دلاوران مردم، در حدود چندین شهید و زخمی بجای گذارد.
- ۶ - مقاومت و تعرض توده‌ای همچنان ادامه دارد.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز و انقلابی!

مقاومت و تعرض توده‌ای در شرایط کنونی بر علیه گرانویسکاری، پیکاری، این جنگ ارتجاعی، فلاکت عمومی، سرکوب و کشتار، و بیک کلام بر علیه جمهوری اسلامی که عدل و دادگذاشی اش سرکوب و کشتار توده‌ها است، آنچنان شتابی بخود گرفته

عزای هیئت حاکمه در بند عباس!

روز ۲۹ بهمن از طرف نیروهای انقلابی و کمونیست برای افشای سیاستهای هیئت حاکمه نمایندگانها شای بر گزار شده بود. عوامل رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با برنامه‌های از قبیل تعیین شده جلوی نمایندگانها را در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جمع شده و به لجن - پراکنی میپردازند. نیروهای انقلابی جهت افشای رژیم با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" دست به راهیما می‌زنند. پاسداران و فاندانهای چماق بدست صفا تعقیب کرده و بعد از پایان راهیما شای به شرکت کنندگان و حشیانه حمله کرده و هر کس را در خیابان و کوچه میدیدند، با کتک و زخمی کردن دستگیر و به سپاه پاسداران

سرمایه میبرند. هم‌اکنون تعداد زیادی از فرزندان خلق در زندان بسر میبرند. صبح روز بعد پاسداران به خانه‌گردی و حمله به خانه‌های بعضی از فرزندان انقلابی خلشق میبردند و زندان را دیوی ارتجاعی خود تعطیل عمومی (در حقیقت عزای هیئت حاکمه) را در بند عباس اعلام میکنند. با حمایت از فرزندان انقلابی خود و افشای سیاستهای و حشیانه رژیم، مشت محکمی بردهان این بقدرت خریدگان بزنیم به نقل از اعلامیه هوا داران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - هرگز ما با اندکی تغییر و تلخیص

به استقبال جنبش او جگیزنده توده‌ها بش تلمیم

رژیم: بازهم سرکوب زحمتکشان خاک سفید: بازهم مبارزه و مقاومت

در قسمتی از "خاک سفید" چندین خانه ویلایی وجود دارد. مقامات مرتجع که میدهند در صورت قطع برق زحمتکشان منطقه، ویلانتینها هم برق نخواهند داشت، ابتدا برای ویلاها کابل های زمینی کشیده و بعد برای چند مین با رسیمهای هوایی را بکلی قطع میکنند. بازهم زحمتکشان به مقابله برخاسته و این بار با خرید سیم و کابل بیشتر آنها را به پست های ترانسفورما تورومل میسازند. اما بعلمت نا وارد بودن و عدم داشتن امکانات اولیه، سیم کشی بصورت غیرقانونی بوده و مرتب سرفها برای اتصال قطع و یا ضعیف میشوند. زحمتکشان "خاک سفید" برای مقابله با توطئه های رژیم، دست به تشکیل شورا های محلی زده و تصمیم میگیرند برای هر دو یا سه خان با یک اطاق جهت پست ترانسفورما توروسازند. رژیم که مقابله و متا این زحمتکشان را میبیند و برای اینکه از این جا هم مالنی به جیب بزند، ما مورین خود را برای نصب کنتور ها میفرستد. البته هر خانوار را بستی در ازای این کار ۱۴۰۰ تومان بپردازند که ۴۰۰ تومان آن بابت "جریمه استفاده غیرقانونی" از برق و ما بقی مخارج "واقعی" برق کشی میباشد.

رژیم همراه با هرقیش با نکی که به هر خانه بقیه در صفحه ۱۸

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که با زور اسلحه نتوانست زحمتکشان "خاک سفید" را از ساختن خانه بازدارد، اینک به طرق مختلف آنها را از داشتن اولیه ترین حقوق از جمله برق محروم میدارد. جندی پیش زحمتکشان "خاک سفید" با مراجعات مکرر به اداره برق، تعاضای بسرق کردند. جواب روشن بود: شما زمین مردم را غصب کرده اید و حالا آب و برق هم میخواهید؟ کارتان غیرقانونی است و هیچگونه حقوقی ندارید! مردم زحمتکش که طبق معمول از دولت ارتجاعی جواب رد شنیدند، خود با روبه هم گذاشتن مقدار ی بول، سیم و کابل خریده و آنها را به تیرهای برق وصل کرده و توانستند به بخشی از منطقه برق برسانند. مقامات مرتجع اداره برق و شهرداری از این ابتکار انقلابی زحمتکشان به خشم آمده و با گسیل پاسداران مزدور سیمها را قطع میکنند. چندین پاسدار زحمتکشان عمل انقلابی خود را تکرار میکنند و مزدوران سرما به نیز عمل ارتجاعی خود را اداره برق حتی با گذاشتن ما مورما موقت بر سر پست های ترانسفورما تور منطقه کوشیدند زحمتکشان را و اداره عقب نشینی نماید، اما این ما مورین هم کتک خانا تهی از زحمتکشان "خاک سفید" نوش جان کردند.

تاریسیدگی به وضع آنان، تعطیلی مغازه ها همچنان ادامه دارد. در حال حاضر به خاطر حوا مبارزاتی در شهر، رژیم ارتجاعی عقب نشینی کرده و کمونیست ها به کار آکا هکرانه خود فروشی نثریات انقلابی مشغولند و مغازه های شهر همچنان بسته است.

مجا هدین و راه کارگرا بر خوردی سازش کارانه فروش نثریه را تعطیل کرده اند و فقط نیروهای کمونیست (بیکار، رزمندگان، اقلیت نبرد) به فعالیت خود ادامه میدهند. رویزونیستهای خاشن توده ای و اکثریت نبریا آمریکا ئی خواندن کمونیست ها، بیکار دیگر به پایوسی بورژوازی شناخته و ما هیت ضد خلقی خود را بنمایش گذاردند. (۵۹/۱۲/۱۴)

بقیه از صفحه ۹ لاهیجان

از فرمان شهادت حزب جماعتی روی بر میتابند نیمه شب پاسداران و جماعت داران به مغازه های شهر هجوم برده و با تخریب و شکستن اموال آنها به غارت میبرند. آیا فرقی بین حرکات ضد انقلابی گاردیهای مزدور و جماعت داران رژیم شاه با سپاه و قداره پندان رژیم جمهوری اسلامی هست؟ نه و صد بار نه!

مردم شهید لیل اعتراض به این حرکت و حثیا نه دست از کار کشیده و با بستن مغازه ها به طرف فرمانداری راهیما ئی کرده و خواستار انطال شورای فرما بشی شهر، ایجاد شورای واقعی، دستگیری محاکمه و اخراج مسیبن واقع میشوند.

روز جمعه ۵۹/۱۲/۱۶ جناستکاران رژیم جمهوری اسلامی با ردیگرا یورش مسلحانه و وحشیانه خود در استان آتش افروز خود را بخون زحمتکشان و انقلابیون آلوده ساختند. این جنایت هولناک ۴ کشته و چندین زخمی بجای میگذازد.

توده های مبارز و انقلابی لاهیجان، نیروهای انقلابی و کمونیست!

وقایع اخیر لاهیجان با ردیگرا ما هیت ضد مردمی و ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش میگذازد. نشان میدهد که در میان دستهبندیهای لیبرال و حزب خوب و بد وجود ندارد.

نشان میدهد که آنان همگی شان خواهان سرکوب جنبش و انقلاب توده ها هستند. پس باید هر چه آگاهانه تر و قشره تر مبارزات انقلابی خود را بی وقفه به پیش بریم.

باید خود را برای سرگزاری هر چه باشکوه تر مراسم سومین و هفتمین روز شهادت انقلابی شهدای اخیر که اسنادنا بیت رژیم هستند، آماده نمائیم. با راهیما ئی ها، تحمنها و اعتبارات خواستار اخراج سبها ن زور و سرمایه، دستگیری و محاکمه مسیبن و قانع اخیرا زکرمی مرتجع گرفته تا... بشویم، با بسیج و هوشیاری خود به



دفاع از فرزندان انقلابی و کمونیست خود بر خیزید. با تشکیل کمیته های حفاظت در محلات و با زار آ ماده مقابله با هجوم احتمالی پاسداران و قداره پندان رژیم شویم.

در اتحاد عمل، نیروهای انقلابی و کمونیست و دانش آموزان مبارز و انقلابی باید با ادامه فعالیت های انقلابی کمونیستی خود پیش از پیش به ادامه افشاگریها، بیخ و فروش علنی، بحث و سخنرانیهای افشاگرانه خود افزوده و به سازماندهی مقاومت و تعرض توده ای دست زنند. خیانتهای اکثریتی ها و توده ایهای خاشن و سازشکاری های نیروهای متزلزل را در نرسزد توده های زحمتکش شهری افشا سازند. فراموش نکنیم که تنها در اتحاد و همبستگی با مبارزات

سراسری کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران بر علیه رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میتوانیم پیکار دمکراتیک و ضدا امپریالیستی خود را به پیروزی رسانیم.

علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها! دستهای آتش افروز سبها زور و سرما به از سر زحمتکشان لاهیجان کوتاه! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد! سرقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات گیلان (با کمی اختصار) ★★



نها وند از طرف اهالی زحمتکش روستا، نامه ای
برایمان ارسال کرده و در آن از بیگاری بگوشگی
و ظلم و ستم مزدوران رژیم سخن گفته اند آنچه که
میخوانید نامه مردم روستای "گیان" نهانند میباشد:
"درود بر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم امپریالیسم
ضمن درود بی پایان بر شما رفیقان متحد
ضد ارتجاع و امپریالیسم
ما مردم روستای گیان نهانند که جمعا ۱۲
هزار نفر جمعیت این روستا را تشکیل میدهیم و
با دادن چند شهید در راه انقلاب و آزادی دلیمان
را به انقلاب خوش گردیم و به خودمان امیدمی -
دادیم که وضع زندگی ما رو برآورد میشود ما
دزدهای فاسد خلق، ما را بدبخت تر از زمان
شاه خائن و توسری خورتر کردند، در راه انقلاب
انقلاب به ما وعده دادند که زمین ما لگین را بین
روستا تقسیم و زندگی شمارا تامین خواهد کرد
حالا که زمین ما لگین خونخوار گرفته اند،
زمینها را به یک نفر مانده خودشان که در زمان
شاه غلام شاه خائن بود و حالا غلام... و در
اش میباید شده اند، در صورتی که نصف بیشتر
جمعیت این روستا در اثر شربتی گاری نمی توانند
خرج زندگی روزانه خودشان را تامین کنند
آخر هم بی کارند، نه زمین دارند نه کار، هر وقت
که حرف میزنیم و چیزی که حقمان میباشد از آنها
میخواهیم ما میگویند ضد انقلاب، راستی این
است رسم انقلاب!؟
مرگ بر ارتجاع، درود بر خلقهای زحمتکش و
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
به امید پیروزی خلقها
از طرف عده ای از جوانان پیکار گیان نهانند"

اقدام کنند. هیئت به اصطلاح واگذاری پس از
مراحمه روستا و سایر زرسی زمینها هیچ اقدامی
بنتفع روستا نماند و احوال اهالی بوشیکان
پس از مراجعات مکرر به ما هیئت فریادها و
ارتجاعی هیئت مذکور پی برده و خود به تقسیم زمینها
اقدام نمودند. بدنبال این اقدام انقلابی
اهالی روستای بوشیکان، هیئت واگذاری که
وزوشب در بوق و کرنا های رژیم سنگ حمایت
ز "محرمان" و "مستضعفین" را به سینه میزنند،
حرکت انقلابی روستایان را "غیرقانونی"
اعلام کرده و چند نفر از دهقانان مبارزان را دستگیر
و به زندان انداخت. بدنبال این واقعه
علیرغم چندین بار حمله عملی ارباب ده
خانه های روستایان، مبارزه دهقانان
روستای بوشیکان بر علیه مالکین ادامه دارد.

تقسیم زمینهای اربابی توسط دهقانان و دستگیری چند نفر از دهقانان مبارز

روستای "بوشیکان" (بوشکون) در نزدیکی
جنوب کازرون قرار دارد. شغل اکثر اهالی این
روستا کشت و زرع است. روستایان این محل
نیز مانند دهقانان سایر ایران به این امید
بودند که با سقوط رژیم خونخوار و فاسد خلی شاه
اوضاع تغییر کرده و زمینهای اربابان به
دهقانان واگذار میشود. اما طولی نکشید که
دهقانان بوشیکان به تجربه دریا فتند که رژیم
ارتجاعی جدید نه تنها زمینهای مالکین را به
آنها واگذار نمی کند بلکه در سرکوب مبارزان
دهقانان بر علیه مالکین و اربابان از هیچ
جنایتی فروگذار نیست. دهقانان بوشکون
چندین بار به "دادگاه" کازرون شکایت کرده اند
شاید از طریق هیئت به اصطلاح واگذاری زمین

نامه اهالی روستای گیان نهانند به پیکار

عده ای از جوانان پیکار روستای گیان

خاطره ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، روز ملی شدن صنعت نفت گرامی باد!

تا ریخی بورژوازی ملیونان توانی طبقاتی اش
در تداوم و پیگیری مبارزات ضد امپریالیستی
ناشی میشد. ضد انقلاب مسلح با کودتای ۲۸
مرداد ۳۲، تمام دستاوردهای نهضت ملی و
مبارزات مردم را لگدمال کرد. ضروری است که
به سیاستهای سازشکارانه و خائنه رهبری حزب
توده که با طرح ملی شدن صنایع نفت "جنوب"
و برخورد های بظاهر "چپ" به جنبش مردم و دکتسر
مصدق ضربات جدی بر جنبش مردم وارد کرد، اشاره
نمود.
رهبری حزب توده با اقدامات خائنه و
خود ضربات جدی به نهضت دمکراتیک - ضد
امپریالیستی خلق وارد آورده و در زمان کودتای
امپریالیستی ۲۸ مرداد با فرار خائنه خود
خیانت بزرگی را مرتکب گردید.

سی سال از ملی شدن صنعت نفت و کودتاه
کردن دست امپریالیسم انگلیس از منابع نفتی
میهن ما میگذرد. در روز ۲۹ اسفند ۲۹ بدنبال
مبارزات پر شور مردم ایران برای کوتاه کردن
دست غارتگران انگلیسی از منابع ملی
زحمتکشان ایران و تلاشهای دکتسر محمد مصدق
صنایع نفت ایران ملی اعلام شد. به یقین ملی
شدن نفت ایران یکی از دستاوردهای گرانبهای
مبارزات ضد امپریالیستی مردم زحمتکش ایران
بود اما از آنجا شیکه رهبری این مبارزات پر شور
نه در دست سرنوشت ساز طبقه کارگر بلکه
رهبری بورژوازی ملی بود. این مبارزات به
سبب حاکمیت مشی فرمیستی نتوانست تعمیق
پیدا کرده و به پیروزی برگشتنا پذیر زحمتکشان
خائنه یا بدو بخاطر ضعف های جنبش که از ضعف

بقیه از صفحه ۲۳ راه کارگر...
چگونه برای توجیه انحرافات خویش و ترویج آنها
دست بردمان تحریف، وارونه سازی و تعمیق
ما رکیسم میشود. اما همچون به گزدا ب افتاده ای
که هر چه بیشتر تقلام کند، بیشتر فرو میرود "راه -
کارگر" نیز هر چه بیشتر بر مواضع انحرافی خویش
پای میگذرد، بیشتر در گرداب انحرافات
رویزیونیستی فرو میرود. حال هر چه "راه کارگر"
خوش خیالانه بیندازد که با "راست" مرزبندی
دارد و ارتجاعی دانستن رژیم را شاه آورد،
نمیتواند تا شیر شدیدی رویونیسم را بر خویش
بپوشاند. با توجه به حدت مبارزه طبقاتی در
جامعه که موجب قطعی شدن سریع نیروها می-
گردد، اگر "راه کارگر" مبارزه ای ریشه ای با
رویونیسم (بخصوص رویونیسم خروشچی) را
آغاز نکند، دیر نخواهد بود آن زمان که شاه
تغییر موضع "راه کارگر" در قبال رژیم نیز باشیم!

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



بقیه از صفحه ۱۱ پیرومون . . .

خواهد کشید! و پیروان از گروه های خط ۳ (کومله بیگار، رزمندگان) میخواستند که دست از عساکر و دشمنی با حزب برداشته و در مملکت خود تجدید نظر کنند. و به حزب دمکرات، خائن، ضد انقلابی و سازشکار رنگوبیند. و با لایحه حزب دمکرات "رسماً اعلام می نماید که هرگونه رویداد، سوء و تلخی که برای مردم زناحیه این گروهها روی دهد، باید مسئولیت عواقب وخیم آن را نیز بعهده گیرند" (بنقل از اعلامیه اندرز تاریخی - انقلابی ما به رهروان خط ۳ - تشکیلات بوکان حزب دمکرات) آنچه در دو اعلامیه حزب دمکرات به چشم میخورد، از یکسو ترس و وحشت حزب دمکرات از رسوائی اش در نزد توده ها و از سوی دیگر مصمم گشتن حزب دمکرات برای ادامه این حرکات ضد انقلابی است. ببینیم این واقعیت چگونه است؟

حزب دمکرات مذبحخانه تلاش میکند خود را نماینده محبوب ۹۰ درصد خلق کرد جا بزنند! باید از حزب پرسید اگر ۹۰ درصد خلق کردبشتیان و باورشما هستند، پس چگونه است که از افشاکری اعمال ضد خلقی تان توسط نیروهای کمونیستی میپرا سید و جواب آنرا با آری، بی، بی، ۷، و مسلسل میدهد؟ کسی که نماینده ۹۰ درصد خلق کسرد باشد، چه فراسی از افشاشدنش میتوان انداخته باشد؟ یا جز این است که حزب دمکرات برانسر رشد نیروهای انقلابی و کمونیست و افشاکریهای آنان، بسرعت در نزد توده های خلق کرد رسوا شده و برای نجات خود از این وضع به مقابله با سلاح و کشتار می پردازد؟ حزب دمکرات چگونه میتواند "محبوب خلق کرد و حامی آنها" باشد، درحالیکه به سرکوب دهقانان و حمایت از فئودالها می پردازد، شوراهای مردمی را سرکوب میکند، در خیابانها بروی مردم مسلح میکند و به کتک کاری افراد بی دفاع می پردازد و به باج گیری عیسی و اخاذی از زحمتکشان و کسبه دست میزند؟ این حزب چگونه میتواند "انقلابی و حامی منافع خلق زحمتکشان" باشد درحالیکه بجای طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگی خلق کرد (علیرغم تمام انتقادات و ایراداتی که بدان وارد است) طرح ۶ ماده ای را ارائه میدهد که هدفش سازش با رژیم جمهوری اسلامی و بویژه جناح بنی صدر و لیبرالهاست، درحالیکه ستونهای ضد خلقی ارتش را در طول مدت آتش بس اسکورت نموده و بداخل کردستان هدایت نموده است، درحالیکه از سپاه زرگاری عامل مزدور بیعت عراق حمایت میکند، درحالیکه به میتینگ نیروهای کمونیست نظیر کومله حمله میکند، درحالیکه در کمین پیشرگان کومله می نشیند و به قصد کشتن آنها تیراندازی میکند، درحالیکه به خلع سلاح پیشرگان راهکارگر، کومله و سازمانها اقدام میکند و با لایحه جنایت و خبیانه بوکان

را مرتکب میشود؟ خرابین حزب چگونه "دمکراتی" است که همان استدلال احقانه تمام حکومتیهای ضد انقلابی را تکرار میکند که هرکس بر علیه او چیزی بنویسد، نفاق افکنی میکند؟ که دیگران حق ندارند در افشای اعمال ضد انقلابی او چیزی بنویسند؟ که نماینده او اها نت شود؟ مگر ایسن همان استدلالهای رژیم مرتجع جمهوری اسلامی نیست که در سرکوب مخالفان خود از آن استفاده میکند؟ آیا این سخنان بدان معنی نیست که حزب خیال دارد دیکتاتوری ضد انقلابی خود را در کردستان اعمال کند؟ واقعیت این است که حزب "دمکرات" ضد دمکرات است، ضد خلق کرد است، سازشکار و خیانت پیشه است، دشمن زحمتکشان خلق کرد و همدست فئودالها است. حزب دمکرات در همان حالی که به دشمنی با نیروهای کمونیست می پردازد، با نیروهای ضد انقلابی دیگر در مساز می دارد، بیکروز با سوسال امیربالیسم شوروی و دارو دست غنی بلوریان (ستون پنجم سابق حزب خائن توده در حزب دمکرات) همکاری میکند، روز دیگر با رژیم بیعت عراق و ستون پنجم آن، سپاه زرگاری همکاری می نماید و با لایحه روز دیگر در کراش و همکاری با بنی صدر و ارتش می افتد. تمامی این واقعیتها نشان میدهد که حزب دمکرات، یک نیروی ضد انقلابی و سازشکار است و بتدریج در نزد توده ها رسوا میشود. مخالفتهای روز افزون توده های خلق کرد با سیاستهای حزب دمکرات که با راهبردگری نیز تاجا میدهد است، شعار انقلابی "در جنبش خلق کرد، سازشکاری محکوم است" که از طرف خلق کرد مطرح میگردد. رشد روز افزون و چشمگیر نیروهای کمونیست در کردستان . . . همه و همه حکایت از رسوائی حزب دمکرات و انزوای نسبی آن در جنبش خلق کرد دارد. از اینروست که حزب دمکرات میکوشد با سرکوب کمونیستها در کردستان و بیرق براری دیکتاتوری ضد انقلابی، از رشد آنها جلوگیری نموده و از انزوا و رسوائی خود جلوگیری کند. اما امروزه حزب در شرایطی نیست که بتواند با خیال آسوده دست به چنین اعمالی بزند، چرا که خلق قهرمان کرد، در مقابل او در دفاع از کمونیستها مقاومت خواهد نمود. از اینرو حزب

اقدام انقلابی پیشرگان پیکار

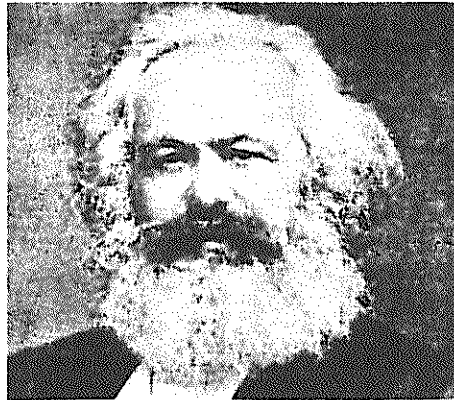
مربوان - در تاریخ ۲۹/۱۱/۵۹ پیشرگان انقلابی پیکار برای انجام ما موریتی وارد آبادی "دانکش" شدند. در این آبادی مبارزانی که فردی مستکرو ظالم میباشند، با توسل به زور و اسلحه مردم زحمتکش را بشدت تحت فشار قرار داد. بهمین خاطر پیشرگان انقلابی این فرد را خلع سلاح کرده و یک قبضه تفنگ امیک با ۸۰ تیر فشنگ او را ممانده نمودند. همچنین بنا به درخواست اهالی زحمتکش آبادی، پیشرگان قهرمان کردوهای ارباب که حامل دسترنج زحمتکشان محل بود، ممانده کرده و تحویل مسلح شورای آبادی دادند تا ترتیب تقسیم آنها داده شود

دمکرات با جنس یورشهای وحشانه ای که پس از آن "اطهارتاسف" میکنند و با انتصاب دروغبانی نظیر اینکته نیروهای خط ۳ (کومله، بیگار، رزمندگان) با دارو دست ضد انقلابی که خود را "انحاده کمونیستها" میخوانند، مخفانه جلسه تشکیل داده! و تدارک حمله به حزب دمکرات را تهیه میدینند! و دروغبانی دیگری نظیر اینکته بر اثر تحریک و تیراندازی پیشرگان بیگار، در کبری رخ داد! و با لایحه ها و "اندرزها" و تهدیدهای که طی آن نیروهای کمونیست را دعوت میکند که در مملکت و رویش خود تجدید نظر کنند و به تبعیت از حزب بپردازند و گرنه به عواقب وخیمی دچار خواهند شد . . . میگویند بتدریج زمستانهای سرکوب کمونیستها در کردستان را مهیا نمائید اما حزب دمکرات با بدیدانده اگر رژیم شاه خائن و رژیم جمهوری اسلامی و کلیه مرتجعین توانستند کمونیستها را سرکوب کنند و آنان را وادار به تجدید نظر در مملکت خود و تبعیت از خود بنمایند، حزب دمکرات نیز خواهد توانست. حزب دمکرات و کلیه مرتجعین با بدیدان خود را به گور ببرند. کمونیستها جانباژان راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده اند و هیچ نیروی نخواهد توانست آنان را از راهی که رفته اند، بازدارد. این حکم تاریخ است. خون شهدای کمونیست که زهر قطره آن هزاران دلاور کمونیست روئیده است گواه ما است. ما از آنجا که با خلق خود عهد بسته ایم که دمی از آرمسان انقلابیمان با زنا بستیم، هرگز تسلیم خواسته های ضد انقلابی حزب دمکرات نخواهیم شد. ممانده و قاطعانه بدفاع از خلق کرد و آرمان والای طبقه کارگر خواهیم پرداخت و در هر حرکتی که حزب دمکرات صورت دهد، هدف ضد انقلابی آنرا افشا خواهیم نمود. و به توده ها نشان خواهیم داد که نمایندگان واقعی خلق کرد تنها کمونیستها و انقلابیون هستند و نه نیروهای نظیر حزب دمکرات که همواره از فئودالها، سرمایه داران و ضد انقلاب حمایت میکنند. بگذارد را بسن راه رفقایمان توسط عمال جنایتکار حزب دمکرات به شهادت برسند. مگر رژیم جمهوری اسلامی نیز برای خفه نمودن ما، جنایاتی گسترده تر از آنچه حزب دمکرات انجام داده است، نکرده است. مگر رفقای ما را در سرا سیران دستگیر، شکنجه و اعدام نمیکند؟ ما ما هرگز دست از مبارزه نخواهیم کشید. خلق کرد نمایندگان واقعی خود را می شناسد و از همین روست که حزب همه روزه در نزد توده ها افشا میشود. ما به خلق کرد و به تمام نیرو - های انقلابی هتدای میدیم که حزب دمکرات برای حفظ منافع ضد انقلابی خود، روز بروز به درگیری بیشتری با کمونیستها خواهد پرداخت. ما از تمام نیروهای انقلابی و کمونیست می خواهم که به افشای توطئه های حزب دمکرات پرداختند و با اتحاد و همکاری با یکدیگر در محکمی راه مقابل حزب دمکرات بوجود آورند. تنها با افشای سازشکاران و خیانتکاران میتوان مبارزهای پیکار علیه رژیم جمهوری اسلامی و امیربالیسم جهانی را به پیش برد

روز درگذشت

کارل مارکس

بنیانگذار سوسیالیسم علمی و پرچمدار علم رهایی طبقه کارگر



۹۸ سال اردرگذشت کارل مارکس آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان ورهگنای زندگی نوین بروی بشریت میگذرد. اودرس ۶۷ سالگی با برجای گذاشتن انبوهی ازآثار ارزشمندکه هرکدام مدرسی بزرگ برای طبقه کارگروبرای نجات بشریت اریستم و استقامت رطبیعی و دست یابی به زندگی نوین و سرشار از آسایش و رفاه بود درلندن درگذشت و درگورستان "های کیت" خاک سپرده شد. مارکس درشهر "تربیر" آلمان متولدشد و پس از ورود به دانشگاه آموزش حقوق، تاریخ و بویژه فلسفه را پیشه کرد و جزو جوانان "هکل کرای" چپ درآمد. او بسیار زود بسوی ماتریالیسم فویر - باخ جهت گیری کرد و در همان زمان (۱۸۴۲) در "روزنامه رایین" بکار پرداخت و در جهت انقلابی کردن مواضع آن کوشید. پس از تعطیلی این نشریه مارکس همچنان به نوشتن مقاله های انقلابی در روزنامه های مختلف پرداخت و درسال ۱۸۴۳ بیباریس رفت و در همانجا با انگلس آشنا شد. مارکس درباریس با تدوین سوسیالیسم علمی بر علیه بورژوازی و تمام کمرایشها و مگاتاب خرده - بورژواژی که به تبلیغ سوسیالیسم از او به غیر علمی و ضدتکاملی می پرداختند به قیام برخاست. اودر ۱۸۴۷ دریاخ کتاب "فلسفه فقر" پروردن، سوسیالیست خرده بورژوازی فرانسوی و نقدها بر تریالیستی آن، رساله "فقر فلسفه" را منتشر نمود و تئوری و تاکتیک مارکسیسم را تدوین ساخت. در سال ۱۸۴۵ بخاطر فعالیت های انقلابی از باریس تبعید شد و به بروکسل رفت. دو سال بعد او همراه با همرزمو همفکرش فردریش - انگلس به "اتحادیه کمونیست ها" پیوست و گهرا اندیشه خود را در دومین کنگره این اتحادیه در لندن بربرنامه آن زد (نوامبر ۱۸۴۷). مارکس وانگلس مشترکا از طرف اتحادیه ما موریتت یافتند که برنامۀ آنرا تدوین کنند و نتیجه تلاش - های آنرا در "شرفنا نا بیدر" مانیفست حزب کمونیست "منبلور شد. لنین در مورد این کتاب مینویسد:

"در این اثر جهان بینی، یعنی ماتریالیسم پیگیری که زندگی اجتماعی را نیز فرا میگیرد، دنیا لکتیک بمنابر همه جانبه ترین و عمیقترین آموزش در باره تکامل، تئوری مبارزه طبقاتی و نقش انقلابی تاریخی - جهانی پرولتاریا، آفریننده جامعه نوین کمونیستی، با روشنی و درخشندگی دایمانهای ترسیم شده است."

در جریان انقلاب آلمان (۱۸۴۹ - ۱۸۴۸) مارکس سردبیر روزنامه "راین جدید" بود و به همراه انگلس با مقالات انقلابی علیه "امپراطوری" بیابان انقلاب پیش میرفتند. در سال ۱۸۴۹ اودر

روزهای گرم نبرد، اداره روزنامه به دژی مبدل شده بود که علیه سربازان امپراطوری با قلم و اسلحه بیکار میگرد. "سیر و پیداهای انقلابی ۱۸۴۹ - ۱۸۴۸ درستی تئوری نوین را بیطرب درخشان ثابت کرد، همچنانکه از آن پس نیز همه جنبشهای پرولتری و دمکراتیک در همه کشور - های جهان آن را ثابت کرده اند. خدا، انقلاب که بیروز شد، نخست مارکس را به محاکمه کشید (در ۹ فوریه ۱۸۴۹ تیر شد) و سپس از آلمان تبعید نمود (۱۶ مه ۱۸۴۹). مارکس به باریس رفت و پس از نظاهرات ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹ از آنجا نیز تبعید شد و به لندن رفت و تا پایان عمر خویش در همانجا زیست."

مارکس علیرغم شرایط بسیار بد زندگی در لندن با مبارزه ای بیامان علیه جریان نهب و مکتب های سوسیالیسم خرده بورژواژی، به تدوین و تکامل مارکسیسم و فلسفه علمی پرداخت. اودر حالیکه با آثار فلسفی - تاریخی خود ماتریالیسم را شرح و بسط میداد اما مطالعه اقتصاد به نوشتن آثار پرارزش خود "نقد اقتصاد سیاسی" (۱۸۵۹) و سرمایه (کاپیتال) (از سال ۱۸۶۷) پرداخت.

در سال ۱۸۶۴ مارکس وانگلس "جمعیت دوستی بین المللی کارگران" را در لندن بنیاد کردند. گذاردند که به "انترناسیونال اول" معروف گشت بقول لنین "مارکس روح و جان این سازمان بود".

در چارچوب "انترناسیونال اول" مارکس با اسلحه ماتریالیسم دنیا لکتیک که خود تدوین کننده آن بود به جنگ بینش های غیر پرولتری و خرده بورژواژی "با کونیست ها"، "لاالی ها"، اتحادیه گرایان (تدوینستها) انگلیسی و... رفته و به متحد کردن سازمانهای کارگسری در اروپا و آمریکا پرداخت.

طبقه کارگر تدوین میکرد. اودر آنرا رخسود "مبارزات طبقاتی در فرانسه"، "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان"، "مجدد هم پروملونی بنابارت" به تجزیه و تحلیل انقلابات بورژواژی در فرانسه و آلمان پرداخته و نقش هرکدام از طبقات اجتماعی و بویژه نقش طبقه کارگر را در این حوادث بزرگ تاریخی بقلم آورد. و نکرش تا ریخی ماتریالیسم را به بهترین وجهی عرضه کرد. مارکس قبل از ضایع کارگران باریس (کمون باریس) در ۱۸ مارس ۱۸۷۱، شرایط را آماده انقلاب پرولتاریا نشد. اما بمحض شروع قیام ما تمام قوا بدفاع از کمون باریس و دلاوریهای کارگران قهرمان باریس برخاست. پس از شکست کمون، مارکس در کتاب "جنگ داخلی در فرانسه" به ارزیابی از درسهای کمون پرداخت و آنرا بعنوان یک واقعه بزرگ و تاریخی برای طبقه کارگر و آموزش در جهت کسب قدرت پرولتاریا و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

آموزه های مارکس، به جریان مهم فکسری قرن نوزدهم را مورد تفحص قرار داده و آنرا را به سرانجام رسانید. مارکس با تکامل بخشیدن به فلسفه کلاسیک آلمان و اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلستان و سوسیالیسم فرانسوی سوسیالیسم علمی را تدوین ساخت و راه ورسم مبارزه و پیروزی طبقه کارگر همه کشورها را بر علیه سرمایه داران تئوریزه کرده و آنچه را که بعد از او مارکسیسم نامیده شد بنیان گذاشت.

در زمینه فلسفه، مارکس با نفی ایده آلیسم هگل و در سگیری از "ماتریالیسم فویرباخ" و تکامل بخشیدن آن، ماتریالیسم دنیا لکتیک را تئوریزه کرد ("خانواده مقدس"، "ایدئولوژی آلمان" و...). مارکس نه تنها ایده آلیسم را که همواره بنحوی از آنجا با مذهب پیوند دارد، رد میکرد بلکه نظریه هیوم و کانت و صورت گوناگون اندام گرائی (آگنوستیسیسم)، سنش گرائی (کریتیسیسم) و اومنیست گرائی (بوزیتویسم) را که بویژه در زمان ما رواج یافته اند، نیز رد میکرد و چنین فلسفهای را گذشت "ارتجاعی" به ایده آلیسم میسرود و آنرا در بهترین حالت "طرد ماتریالیسم در ملا عام و بیدریش شرمسارانه اش از درخلوت" تلقی میکرد. "لنین" مارکس فرمول بنیادی تمام مومکالی از احکام بنیادی ماتریالیسم را که جامعه بشری و تاریخ آنرا نیز فرا میگیرد در مقدمه کتاب "نقد اقتصاد سیاسی" توضیح میدهد.

مارکسیسم، قانوم بندی مبارزه طبقاتی را کشف کرده و توضیح میدهد که پس از جامعه اولیه اشتراکی "تاریخ همه جوامع، تاریخ مبارزه طبقاتی است". مارکس میگوید "مرد آزاد و برده، پارتیزین و پیلین، مالک و سرف، استادکار و شاگرد - خلاصه مستمر و مستمکش با یکدیگر در تضاد دائمی بوده و به مبارزه ای بیلا نقطه عطف نگاه نهان و گاه آشکار، مبارزه ای که هر بار به حصول انقلابی سازمان سراسر جامعه و بیا به فنی مشترک طبقات متخاصم ختم میگردد، دست زده اند"



اما نیفتت) اما ما رکنسم به مبارزه طبقاتی فقط محدود نمی شود، ما رکنسم مبارزه طبقاتی را تا قدرت گیری طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا برای یک دوره طولانی تاریخی تداوم می بخشد. ما رکنسم دیکتاتوری پرولتاریا را دوران گذار میان سرمایه داری و کمونیسم (جامعه بدون طبقات) ارزیابی می نماید.

لنین میگوید "زرفترین، همه جا شبه ترین و موشکافانه ترین کاربرد تئوری مارکس و لنین درستی آن آموزش اقتصادی اوست." "خسود ما رکن در آغاز کتاب بر ارزش خود کانتینال (سرمایه) می نویسد. هدف نیاشی اسن اثر عبارت است از کشف قانون اقتصادی حرکت جامعه معاصر" (یعنی جامعه سرمایه داری) ما رکن با توضیح روابط جامعه سرمایه داری و سط. و توضیح مکانیسم اقتصاد سرمایه داری، بررسی بیدایش، تکامل و زوال آن، راهی زرف پیش پای پرولتاریای سراسر جهان قرار میدهد.

ما رکن در آثار رگرا نیهای خود ناگزیری زوال و نابودی سرمایه داری و برقراری کمونیسم را با ثبات می راند. یکی از آموزشهای تاریخی ما رکن ناگزیری گذار به جامعه سوسیالیستی برای رسیدن از سرمایه داری به کمونیسم میباشد. ما رکن با کشیدن خط بلان بر سوسیالیسم تخیلی که فقط به "انتقاد" از جامعه سرمایه داری میبیرد اکت و با توضیح آموزشهای مربوط به مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر را بعنوان تنها نیروی اجتماعی که میتواند سوسیالیسم واقعی را بنیاد گذاردم معرفی کرد و روشن می سازد که پرولتاریا در رهگذر مبارزه طبقاتی خویش تربیت یافته و با فشرده تر کردن صفوف خود، خود را از بندهای بورژوازی جامعه سرمایه داری رها نموده و بنیاد بودی جامعه سرمایه داری برمیخیزد.

در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ (۲۳ اسفند) زندگی پسر - افتخار رهبر جاد و دانه طبقه کارگر جهان خا موشی گرفت. اما آنگر تا بنیاد آموزشهای تاریخی از اینک ستاره ای است بر فراز سراسر جهان، که راه سوسیالیسم، راه رها ئی و سعادت زحمتکشان را نشان میدهد. براساسی در تاریخ جهان هیچکس را چون کارل مارکس نمیتوان یافت که نظام کهنه و بیوسیده طبقاتی را با آموزشهای دوران - سازش، این چنین بسوی مرگی محتوم پیش برده باشد، او به همه کارگران جهان آموخت که چگونه سرمایه داری را درهم کوبند و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار سازند و جهان را بسوی سوسیالیسم و کمونیسم به پیش رانند.

انگلس همزیم بزرگ ما رکن بر مزار رفیق کبیرش چنین گفت: "اومرد، در حالیکه میلیونها کارگر انقلابی از معادن سیریه تا کالیفرنیا، سراسر اروپا و آمریکا (وما می افزایم مدرسرا سرجهان - بیکار) دوستش میدادند و به او احترام میگذا رنند و

بفصل دوم از صفحه ۲ سوره مقاله

بستی خود ادا مدهد و در برابر خود شرایط عینی مبارزه طبقاتی تا شریلا واسطه خود را بر سر روی نهاسدگان سیاسی آن باقی خواهد گذاشت و آنها را بنا گزیر به این یا آن اردوگاه (انقلاب و ضد انقلاب) خواهد راند.

تحو لات در مورد رفتاری رزمندگان نیز با شدت کمتری بمذاق پیدا کرد و هما نظور کسه شا هدهودیم، مواضع سانسرتیستی رقتا در طول یک دوره و در عرصه های مختلف ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلات، سراسر آنها با تندبیج جنگ و برخورد تاکتیکی با آن، سراسر مواضع ایویونیستی در آورد و سنجیده تجزیه و حدائی دوبخش انقلابی و ایویونیستی از یکدیگر گردید.

در یکسال اخیر، رویونیسم، همچون گذشته بعنوان خطر عمده جنبش کمونیستی نه تنها موفق گردید نیروهای وسیعی از جنبش کمونیستی را از آن جدا نموده و بسوی خود جذب کند، بلکه همچنان تا شیرات خود را بصورت انحراف در موضع گیری نسبت به سوسیال امبریا لیسم شوروی، در بر خورد به تئوری اکت جامعه به مرحله انقلاب، بر بنا مه حداقل و استراتژی، برخوردیه قدرت سیاسی و مبنائی تاکتیکی و شعارها و وظایف عطلی و با لافره سله تشکیلات و ایجاد حزب طبقه کارگر در میان نیروهای جنبش کمونیستی و مشخصا بخش نا پیگیر آن با قستی گذاشت که این خود بر خورد فعال و همه جانبه این نیروها و بخصوص بخش پیگیر آن و از جمله سا زمان ما را در مبارزه با این انحرافات و تقویت هر چه بیشتر مواضع انقلابی بخش پیگیر جنبش کمونیستی ایجاد مینماید.

سال ۵۹، در عین حال و علیرغم تمامی ضعفها و نارسائی ها، سال رشد نیروهای کمونیستی و بویژه بخش پیگیر آن و از جمله سا زمان ما بود. این رشد محصول وجود شرایط عینی مبارزه، رشد و افزایش آگاهی توده ها و بطور خاص پرولتاریا کارآگاهها که کمونیستها و افشای هیئت حاکمه و آلترنا تیوارتجاعی و سازماندهی مبارزات توده ای بود. جنبش کمونیستی، "کمون دیگرته بعنوان یک جریان روشنفکری، بلکه بعنوان یک جریان اجتماعی در سطح جامعه مطرح است. با در نظر داشت دو آلترنا تیوارتجاعی حزب جمهوری (و در کنگر آن رویونیستیهای خروشچفی)

برایش میگیرند... نامش در همه اعصار زنده خواهد همد... زیرا ما رکن در درجه اول یک انقلابی بود.

ما موریت تاریخی اودر زندگی بنحسوی از انحاء کمک به سرتگون سازی جامعه سرمایه داری و موسسات دولتی ناشی از آن، کمک به رها ئی طبقه کارگر ماصربود خودوی نخستین اندیشمندی بود که این طبقه را از موضع و نیا زها نیز آگاهانید و شرایط آزادی خویش آشنا کرد. " ما رکن آموزش کارور هم بزرگ کارگران جهان

ولبرالها و با در نظر داشت مٹی لبرالیسمی مجاهدین و دنیا له روی وسیع آنها از لبرالها و عدم امکان عرض وجود آنها بعنوان یک آلترنا تیو مستقل جنبش کمونیستی تنها آلترنا تیو انقلابی بالقوه و بالفعل در برابر آلترنا تیوهای ارتجاعی نامبرده است. رشد مبارزه طبقاتی و تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه و ناتوانی هر دو جناح از پاسخگویی به اساسی ترین خواست توده ها، در کنگر کارآگاهها هگرا نه نیروهای کمونیستی و سازماندهی مبارزات توده ها و مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات درون این جنبش و بویژه با رویونیسم و سومات حاصله از آن، چشم انداز مبارزه درخشانی را برای کمونیستها جهان نظر وحدت آنها و چه از نظر تقویت پایه توده ای آنها و مطرح شدنشان بصورت یک آلترنا تیو نسبتا قدرتمند ترسیم می نماید.

خلاصه کنیم: سال ۵۹، سال تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، سال تشدید فقر و فلاکت توده ها سال تشدید مبارزه طبقاتی و رشد گسترش جنبش توده ای، سال تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه سال تشدید سرکوب مبارزات توده ها و نیروهای انقلابی از سوی رژیم حاکم و در عین حال سال تشدید ناتوانی و عجز رژیم از تثبیت قدرت سیاسی خود و در برابر پاسخگویی به اساسی ترین خواست توده ها، سال افزایش آگاهی توده ها و فروریختن توم آنها نسبت به هیات حاکمه، سال رشد نیروهای کمونیستی و مطرح شدن هر چه بیشتر آنان برای توده ها، سال تشدید مبارزه ایدئولوژیک و مرز بندیهای روشنفکر و طعتر میان نیروهای کمونیستی و برداشته شدن گام های اولیه تئوریک و عملی جهت وحدت جنبش کمونیستی بنود. شرایط بحرانی جامعه، اعتلا جنبش توده ای و بویژه جنبش کارگری و چشم انداز رشد هر چه بیشتر آن، کوشش بسیار زیاده را در ابعاد گسترده و عظیم تر از آنچه در سال ۵۹ از سوی کمونیستها صورت گرفت می طلبد. بکوشیم تا با درس گیری از تجربیات سال ۵۹ و در عرصه های مختلف آن، با آما دگی هر چه بیشتر به استقبال سال جدید یعنی به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها در روزها و ماههای آینسده برویم و پرولتاریا را نماینده کانی راستین و بلشویک واریاشیم (به امید تحقق عید و اقمی زحمتکشان یعنی نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم!)

تا آخرین لحظات عمرش پیگیر و قاطع به مبارزه ادا مدهد. سال روز مرگ او، روز تجدید عهد همه کارگران جهان از جمله طبقه کارگر قهرمان ایران با رهبر و معلم کبیرشان در ادامه مبارزه طبقاتی برای پیروزی انقلاب، برقراری سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و تلاش در جهت ایجاد کمونیسم میباشد.

آموزشهای تاریخی ما رکن، ایدئولوژی رها ئی بخش طبقه کارگر همیشه جا و دانه خواهد ماند!

رهنمودی درباره عید نوروز به کلیه رفقا

رفقا! باد روزه های کمونیستی و تبریک سال نیا

۱- از آنجا که اکثر رفقا در هنگام عید به شهرها و روستا های مختلف ایران سفر میکنند، لازم است گزارش فشرده ای از آنجا درباره وضعیت رژیم و میزان توهم توده ها نسبت به آن، وضعیت جنبش توده ای، وضعیت نیروهای سیاسی، موقعیست سا زمان و ضعفها و نواقصی که در کار انقلابی آنجا مشاهده میکنند، تهیه و آنرا برای سا زمان ارسال دارند. رفقاتی که در مناطق جنگی و آوارگان هستند، باید درباره وضعیت آوارگان و برغورود آنها با رژیم نیز گزارش تهیه کرده و ارسال دارند. ۲- بمناسبت آغاز سال نو هدایای شایسته در نظر گرفته شده است کلیه رفقا موظف به ارسال این هدایا بر اساس رهنمود زیر هستند:

الف - کارت تبریک عید: این کارت که از سوی سا زمان تهیه شده و در اختیار همه رفقا قرار میگیرد، می بایست برای کارگران کمونیست و دمکرات و مبارز و همچنین برای توده های انقلابی و هوادار جنبش کمونیستی و دمکراتیک ارسال شود. ارسال کارت برای آنها، نشانه احترام سا زمان به توده های انقلابی و موجب تحکیم پیوند میان سا زمان و آنها می باشد.

ب - ضروری است که رفقا در ایام عید با برنامه ریزی معین به خانواده شهدا سرزده و ضمن تحکیم پیوند سا زمان با راه سرخ شهیدان و تجلیل از شهدا و خانواده آنها، هدایای زیربا به خانواده شهدا تقدیم دارند:

۱- پیام سا زمان به خانواده شهدا بمناسبت آغاز سال نو (مندرج در پیکار ۹۸)

۲- یک شاخه گل سرخ

۳- کارت تبریک سال نو سا زمان

۴- پوستر شهدای امسال سا زمان

۵- نوار سرود سا زمان منتشره در ۲۲ بهمن این هدایا بایستی برای تمام شهدای سا زمان پیکار، بخش منشعب، رزمندگان، کومله، وحدت، انقلابی، فدائیان خلق (اقلیتی)، فدائیان خلق (قبل از انشعاب)، راه کارگر، و کلیه شهیدان دلاور کمونیست ارسال شود:

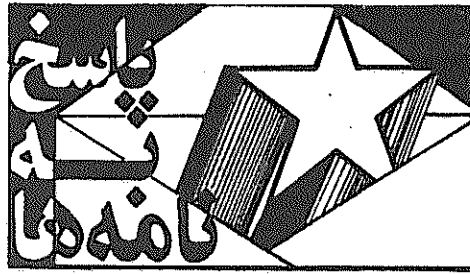
ج - لازم است رفقا با خانواده زندانیان سیاسی دیدار کرده و نیز از طریق آنان و یا بهر طریق دیگر درودها و هدایای سا زمان را برای باران دربند ارسال داشته. هدایای زیربایستی برای خودرقای زندانی و نیز خانواده های این پیکارگران دربند ارسال شود:

۱- پیام سا زمان به زندانیان سیاسی بمناسبت آغاز سال نو (مندرج در پیکار ۹۸)

۲- یک شاخه گل سرخ

۳- کارت تبریک سال نو سا زمان

۴- نوار سرود سا زمان منتشره در ۲۲ بهمن



د - باز دیده از مناطقی که آوارگان جنگی در آن سکنی دارند، گفتگوی صمیمانه با آنها و گوش دادن به حرفها و نظراتشان و تقدیم کارت تبریک سال نو سا زمان به آنها. پیروز باشید!

رفیق مادرب - بطی نامه ای شرح زندگی خود را که نمونه ای از زحماتشان جامعه ما است برای ما ارسال داشته است که خلاصه آنرا در زیر میخوانیم:

"از بچگی در زیر زمین کار میکردم، همیشه دلم میخواست بمردم کمک کنم قندیا پول جمع میکردم و کمک میکردم. در ۱۲ سالگی شوهرم دادند او شا هپرست بود و هر شب با ما درس کتکم میزدند ع تا برادر داشتیم که ۵ تای آنها کمونیست هستند خود من هم سواد نداندا شتم ولی تجربه دارم و طرفدار کمونیست هستم. هر وقت برادرم به خانه ما میآمد خون راه میآورد. اعلامیه ها و کتابهای او را قایم میکردم ولی شوهرم متوجه میشد و کتکم میزد. میگفت بخاطر کمونیست بودن خودت و برادرت تورا طلاق میدهم و همین کار را هم کرد. با دو بچه ۵ ساله و ۱۴ روزه از اون به بعد خیلی ظلم کشیدم جایی ندا شتم و پدرم هم مرده بود. کار هم کم بود من با پنجاق دوزی بیچاره پول در میآوردم. منساینکه برای خرف مردم شوهر کردم. او تریاکی بود. حالا ۱۵ پسر داشتم و یک دختر برای بچه ها هم پدر بودم و هم ما در برای نون بچه ها مجبور بودم شب تا صبح خیاطی کنیم بچه ها را گذا شتم مدرسه حالا همه کمونیست و بیگساری هستند ولی شوهرم دخترم از ته دل کمونیست نیست و خیلی دخترم را اذیت میکند. در زندگی خیلی ناراحتی کشیدم طوری که از نا راحتی توی خوابان دوبار ایضا دف کردم. الان هم یکطرف بدتم فلج است. بخودم میگم عیبی ندا ره چطور بچه ها موا انقلابیون دیگه تونستند ان شکنجه کشیدند و حالا هم میکشند! الان بجز بچه کوچکم هیچکدام پیش من نیستند. او هم با وجودیکه طرفدار کمونیست هاست اذیتم میکند و پول می خواهد. اگر یکی از بچه ها میبود! بیخوشی میگرد و بهش چیزیا دمیدم. یکی از بچه ها ما هزار رقت و قوله زمینی خرید و ساخت و بعد از زانو فروخت و پولش را داد دیکار. من هم با مردم خیلی صحبت میکنم و از کمونیست حرف میزنم رفقا بیم هم پنجشنبه ها ما میآیند صحبت میکنم ولی ما سخا نه غرغر میکنند من یکجوری او را ساکت میکنم.

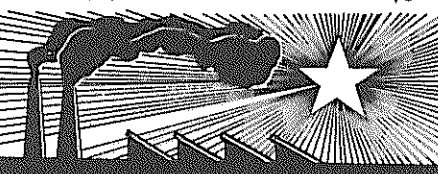
خودم سواد ندا شتم که در دل کنم برای همین گفتم تا رفیقم نوشت تا بده به سا زمان. الان معده

درد سردرد دارم و یکطرف بدتم فلج است سه دکتر احتیاج دارم ولی پول ندا رم شا جفکری میکنند علاج من باشد؟ من جونم را به کمونیسم دادم و وقتی سرما به دارم بیخیم خیلی ناراحت میشوم هرچی کشیدم و بچه ها کشیدند بخاطر سرما به دارم بود. اگر سرما به دارم نبود و دنیا کمونیستی بود چرا من و بچه ها مویران بشوینم سرما به دارم را پیدا زمین نبود. من برای پیروزی انقلاب خیلی عجله میکنم.

بها مید پیروزی انقلاب موفق باشد رفیق مادرب - پ: ضمن پوزش بخاطر تاخیر در پاسخ به نامه تان با بد بگوئیم که برای ما کمونیستها افتخار بزرگی است که در دامان ما دران زحمتکش و مبارزی چون پیروش یافتیم. این امر بیا نگران واقعیت است که کمونیسم بیا نگرمنافع کارگران و زحمتکشان جهان بوده و علیرغم همه عوامفریبی های سرما به داران، بالاخره راه خود را در توده های استعمار شونده با خوا هدمود. ما در عزیز توها نگونه که خودت هم گفته ای یکی از قربانیان جامعه سرما به داری میباشی اما تو دینت را نسبت به جامعه و کارگران و زحمتکشان با پیروش فرزندان کمونیست خودا دا نموده ای و این وظیفه ما کمونیستهاست که بمناسبت شما بندگان طبقه کارگر، برای جبران گوشه ای از زحمتت هم که شده تلاش کنیم تا سلامتت را به دست آوری. از اینور رفقای که در رابطه با تو میباشند میبایست با کمک سا زمان در درمانت بکوشند. این مسئله را بنیاید جدا از امر مبارزه طبقاتی بحساب آورد.

سلامت و پیروز باشی!

سایر رفقاتی که برای ما نامه نوشته اند: فواد - بروجرد، میرزا ب - قزاق مشهد، هواداران مدرسه پیشا هنگ، منوچهر ل - ازم آباد، مرغ ک، مروج دانش آموزی شرق، انجمن پ - "ح" از لاهجان چاپ پ - ا - م. ه. دل سوز از سقز هسته آرام سقز، ر - ض. ا، ذاکر - اهواز، ع از تهران، ما بر، ارتباطات زا هدان، م. ر. زا هدان، دانش آموزان "ولی الله نصر"، نینا - انزلی، ع - ۲۴ (۶ نامه)، ناصر - تهران (۲ نامه)، ح - ۱۲۳ تهران، بهروز، الف - با یونکن دوستمان ف - ج از شیراز، مجید، هسته دانش آموزی از آغا جری ف - ش تبریز، مازافهان، ج، بیکار رگر، تشکیلات کرمان هسته A داروئی، ک حقوقی، هسته شهید (داروئی)، علی - کمیته کارمندی، م - فرناز (سه نامه) حسین از افهان، خ از کمیته کارمندی، علی - ۳ - ج، آذر، A - F از شهر با نی، سعیده از دانش آموزی شرق، ف - م خرم آباد، خسرو از افهان، ی - ۳ - قم، م از ملایر.



شیوع امراض در پادگانها از "خیرات" جنگ ارتجاعی

اخیرا در پادگان نیروی هوایی پایگاه "انقلاب" و پادگان سلطنت آباد سابق بیماری آنژین شایع شده و حتی در پادگان اخیر موجب مرگ دو تن از سربازان گردیده است. سربازان پادگان پایگاه "انقلاب" نسبت به وضع بهداشتی اعتراض میکنند، اما فرماندهان مزدور ارتش فدخلقی جمهوری اسلامی که از این سربازان بعنوان "گوشت دم توب" سرما به داران بهره میجویند، به این خواست بحق سربازان اعتنائی ننداشته و جریان را مسکوت میگذارند و فقط در اشرار سربازان و در تلاش برای خاموش ساختن اعتراض آنها، هر روز ۱۵ نفر از ۱۵۲ سرباز هر آسایشگاه را به بهداشتی فرستاده و سربازان همگی بدون معاینه، قرصهای یک شکلی دریافت میدارند. در پادگان مهرآباد جنوبی نیز بیماری جذام شایع شده و وعده ای از سربازان این پادگان در قریب نوبت بصر میبرد گفته میشود و تن از سربازان بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده اند، آری برای رژیم حامی منافع سرما به داران جان سربازان زحمتکش احمیتی ندارد، و این در حالیکه فرماندهان مزدور از بالاترین حقوقها و بهترین امکانات درمانی برخوردار هستند.

☆☆☆

پیام کانون مستقل معلمان تهران به معلمان جنگنده

همکاران مبارز!
حدود پنج ماه است که شما نیز همچون سایر مردم زحمتکش میهنمان با عوارض و نتایج شوم جنگ ارتجاعی مواجه هستید.
خواست های برحق شما که تا مین مسکن، حقوق و کار است، از حمله اساسی ترین خواسته های شماست که هر انسانی میتواند و باید بسد در جریان زندگی اجتماعی مطرح سازد و در راه تحقق آنها تلاش ورزد.
اما با سخ مسئولان امر به این خواسته ها، جزئی جز سرکوب و اعمال فشار نبوده است. مسئولان امردر زمینه آموزش و پرورش، گوشه ای از سیاستهای است که اینک در کل جامعه ما و در سایر زمینه ها نیز حاکم است از اس رو همه ما است که خواست مشترک، مبارزه مشترک و موافق مشترک داریم. بنا بر این تنها راه تحقق خواسته هایمان و سروری مبارزانمان شکل هر چه بسز و محکمتر است. کانون مستقل

اخبار جنگ

معلمان تهران با پشتیبانی کامل از خواستهای برحق شما، تا مین مسکن، حقوق و کار، و با محکوم کردن رژیم، در حد توان و امکان خود در راه تشکیل هر چه وسیعتر معلمان تلاش میورزد.
به نقل از علامه "کانون مستقل معلمان تهران ۱۳۵۹/۱۱/۲۷" با اندکی تلخیص

سربازان حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نیستند

طبق برنامهای که فرماندهان مزدور ارتش و فرمانده کلشان بنی صدر خائن، برای نقل و انتقال نیروها تهیه دیده اند و شرایطی برخاسته از ای به پادگانها اعلام کرده اند، میبایستی در اول اسفند نیروهای خط اول جبهه سربازان با نیروهای پشت جبهه تعویض شوند، که در پادگان "سوز" در سربل ذهاب به علت امتناع سربازان پشت جبهه از رفتن به خط اول، اینکار یک هفته عقب افتاده و سربازان یک هفته، با احوال و ترکیب از سربازان تازه خدمت آمده را که اطلاع چندانی از وضع جبهه ها ننداشته و آموزش کافی نیز ندیده بودند، روانه خط اول جبهه جنگ ارتجاعی می سازند، توده های سرباز ارتش با بی بردن به ما هیت جنگ ارتجاعی رژیم و سیستم یوسیده ارتش، از رفتن به جبهه های جنگ سرباز میزنند

شیراز: مرگ یک زن حامله در خوابگاه ۱۰

شیراز: زحمتکشان جنگ زده بیش از پیش زیر فشار فئاد فکلتها و بدبختیهای ارمغان جنگ ارتجاعی رژیم، قرار دارند. نمونه زیرگویی بخشی از "خیرات جنگ" رژیم ارتجاعی برای زحمتکشان جنگ زده است.
در خوابگاه ۱۰ دانشگاه شیراز زن جوانی که ۴ ماهه حامله بوده است پس از مراجعات مکرر به بیمارستان و جواب سربالاشنیدن و نبود تخت خالی برای بستری شدن در میگذرد. زن زحمتکش قبل از مرگ میگفته است که "مسکن میدادیم این تخت خالی نشدن فقط برای مسکن فسر و فقر است که بولوی در ساط نداریم." او علت نبود تخت را بخوبی درک کرده بود. آیا اگر زن "رفسنجانی" یا "بنی صدر" یا "مریض می" نبودند امساله ای بنام "بی تختی" معنی پیدا

پای صحبت آوارگان

میکرد؟
توده ها بخوبی میدانند و بی میبندند که رژیم فدخلقی عامل اصلی تمام فکلتها و بدبختیهای آنهاست.

زحمتکش آواره ای میگفت:
پس از آنکه خانه ام در اثر جنگ خراب شد، دست زن و بچه ام را گرفتم و آمدم تهران. ابتدا پیش یکی از فامیلیا زندگی میکردیم اما من راضی نبودم. بالاخره چند نفر از آشنایان را پیدا کردم و به پیشنها دجندن از آنان قرار شد پیش رفسنجانی برویم، آنها تصور میکردند که رفسنجانی میتواند کمبودهای ما را برطرف سازد. بعد از اینکه با هزار بدبختی و منت ما را قبول کرد به ما گفت:

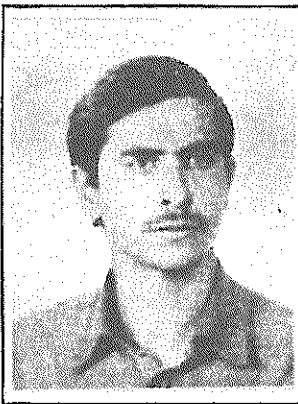
"شما اصلا خجالت نمی کشید؟ جوانها در جنوب شهید میشوند ولی شما از من خانه و زندگی و معاش میخواهید، شما هنوز نمیدانید چه خطایی کرده اید که به تهران آمده اید."
خلاصه اینکه هیچ کدام از این مسئولین مملکتی کاری برای ما نخواهند کرد و تنها جوی که به ما میدهند اینست که: برو به جنوب و خودت را برای ما که حامی سرما به داران هستیم کشتن بده و با اصطلاح بهتر "شهید" بشو. اینهم "برکت" جنگ برای ما بدبختها.

نمایندگان جنگنده آزاد باید گردد

بوشهر - ۵۹/۱۲/۵ - در اعتراض به کاهش مقرری آوارگان از ۲۵۰ تومان به ۱۰۰ تومان، در روز سه شنبه ۵۹/۱۲/۵ آوارگان زحمتکش در استانداری بوشهر اجتماع می نمایند. آنها نمایندگان از میان خود انتخاب میکنند. فرماندار به نمایندگان میگوید که باید بیشتر نمایندگان معترض بهرا نمایندگان خود تصمیم بدها هیما می بگیرند. با سداران با حمله به جمع آنها، بیادرت به دستگیری نمایندگان مینمایند. مبارزه آوارگان زحمتکش ادامه دارد. آنها تا آخرین لحظه از نمایندگان خود حمایت میکنند و تا آزادی آنان و گرفتن خواسته های سرحقشان ازیای نمی ایستند.
از اعلامیه هواران سازمان در بوشهر با اندکی تغییر و تلخیص
بقیه در صفحه ۲۰

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

رفیق محسن فاضل آزاد باید گردد!



دستگیری رفیق فاضل که برای خدمت به انقلاب فلسطین عازم خارج بود، یکبار دیگر برادری ما را محروم از رفیق محسن فاضل کرد. حمایت از خلق فلسطین، مهربانان زده.

«آیا رژیم باید دستگیری یک انقلابی کمونیست که برای مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم عازم جبهه های نبرد خلق قهرمان فلسطین بود، باز هم میتواند پای ضد امپریالیست - ضد صهیونیست بودن بنماید؟!»

«رفیق محسن فاضل بجزم عشق به زحمتکشان و مبارزه با خاپوران خلق فلسطین در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرد.»

خدمت خلق مبارز فلسطین آماده سفر به خارج - میانه میشد دست با سداران ارتجاع دستگیر شده و در محفل نامعلومی زندانی است و رژیم تا به اکنون امکان هیچ ملاقاتی را به خانواده اش نداده است. یشتیانی از رفیق محسن - فاضل دفاع از انقلاب فلسطین و یشتیانی از جنبش او و جگر بسته شده های خلقهای ایران است. هم اکنون سر نوشت رفیق فاضل در هاله ای برآزبیا مونا روشنی فرورفته و جان این مبارز انقلابی قدیمی در خطر جدی است. رژیم جمهوری اسلامی بر اسارت رفیق فاضل، آرزوهای کمنده رژیم شاه را که سالیان در آزوی را تحت تعقیب داشت عملی میسازد و برای این مبارز قدیمی بجزم عشق به زحمتکشان و سابقه مبارزات طولانی علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع، توطئه میچیند و صحنه سازی میسازد تا زمینه را برای جنایت دیگری آماده سازد.

با تمام نیروی یشتیانی از رفیق محسن فاضل و دیگر مبارزان در بند در زندانهای جمهوری اسلامی بر خیزیم و توطئه های رژیم را نقش بر آب سازیم.

زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها آزاد باید گردند!

رژیم از مبارزه و مواضع انقلابی و کمونیستی سازمان ما و سازش نا بدیری انقلابیون کمونیست، رژیم جمهوری اسلامی میسند که سازمان ما بدون کوچکترین نزلتی کل سیستم حاکم رژیم - ارتجاعی و جناحهای خیانت کار آسرا قاطعانه افشا کرده و به مبارزه و جگر بسته توده ها در حسد توان خود ادامه میزند. رژیم میسند که روز به روز توهم بوده ها در اثر رشد تافته های درون جامعه و نیز فعالیت های روبرو شد و آنگاه گران کمونیست ها و انقلابیون و از جمله سازمان ما میریزد و آنان به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بر میخیزند بدون اینکه سرکوب و کشتار کوچکترین خللی در اراده ستوار آنان بیداد آورد و از اینرو ابلهان دست به توطئه های جدید میزنند و مانند سواک جنا سکار محمد را شاهی با ربودن و دستگیری کمونیست ها و انقلابیونی که زندگیشان در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع مفهومی پیدا میکند، اقدام به تبلیغات دروغین و گوییزی مینمایند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

رفیق محسن فاضل کمونیست مبارزی است که سالها بر علیه رژیم و وابسته به امپریالیسم شاه مبارزه انقلابی کرده و در حالیکه تحت تعقیب گشتی های مزدوران ساواک و شهربانی قرار داشت در عملیات انقلابی از جمله اعدام انقلابی مستشاران آمریکائی و پیشبردها مبارزه ضد امپریالیستی و مکرراتیک خلقهای ایسران معالانه شرکت میکرد. رفیق فاضل پس از پیوستن به بخش منشی سازمان ماهدین خلق در صفوف انقلابی خلق قهرمان فلسطین و دوش بند و شش توده های مبارز لبنان علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب مبارزه کرده و پس از قیام بر شکوه بهمن نیز در ارتباط با سازمان ما نیروی توانش را در خدمت انقلاب قرار داده است و در شرایطی که برای خدمت به انقلاب فلسطین و قراردادن توان علمی و مبارزاتی اش در

سین از یکماه اردستگیری رفیق محسن فاضل، انقلابی با سابقه مکتد کرد. رفیق محسن در حالیکه با داشتن معرفی نامه از سفارت فلسطین برای عزیمت به خارج جهت خدمت انقلابی به انقلاب فلسطین مقدمات سفرش را فراهم میکرد، هنگام مراجعه به سفارت سوریه برای دریافت ویزا، بدست با سداران ارتجاع دستگیر شد و تا کنون کوچکترین اطلاعی از سر نوشت وی در دست نیست. رژیم جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه ای سر اسر دروغ و فریب دستگیری رفیق فاضل را اعلام کرد. در این اطلاعیه ارتجاعی ادعا شده است که رفیق برای یک مأموریت سیاسی با ختنه عازم خارج بوده است. رژیم جمهوری اسلامی که با مبارزات کمنده و سازشنا پذیر کمونیست ها و از جمله سارگان ما روبرو است و سازش زوئی خود را بنا بر توان از مقابل با حساس و جگر بسته توده ها و در بطن آن مبارزات کمونیست ها میسند و عجز ارکانهای سرکوبگرش را در شکن استقامت و بیداری انقلابیون راستین تجربه کرده و میکند، بناچار دست به توطئه های جدید و صحنه سازیهای میندل و ارتجاعی میرسد.

رژیمی که زبونانه جاسوسان امپریالیسم آمریکا و کمنشان جاسوس انگلیسی را آزاد می کند و میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان ما را بر باد میدهد، و قیام سازمان ما و کمونیست های مبارزی را که سر اسر زندگیشان مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه آمریکا چنان خوار بوده و هست، "آمریکائی" و "عامل ساسائی" می نامد. رژیم جمهوری اسلامی برای فریفتن توده ها چهره دروغین یشتیانی از انقلاب فلسطین را بخود میکشد، دم آزادی سرزمین های اشغال شده توسط صهیونیستهای اسرائیلی میزند اما با موریت یک انقلابی کمونیست را سرای پیشبردها هدف جنبش خلق فلسطین "ما موریت سیاسی ختنه" قلمداد میسازد، این صحنه سازیهای توافقی با نه دلیلی ندارد مگر بخواه توطئه

"کارکنان جنگزده جنوب خواهان آزادی نمایندگان خود شدند"

در تاریخ پنجشنبه ۵۹/۱۱/۲۰ مجمع عمومی کارکنان جنگ زده آبادان و خونین شهر با شرکت ۷۵۰ نفر در باشگاه نفت شیراز تشکیل شد. کارکنان برای گرفتن خواسته های برحقشان و آزادی نماینده - گان دستگیر شده خود، استقبال زیادی از مجمع نمودند. ابتدا نمایندگان اقداماتشان در مورد آزادی نمایندگان را به اطلاع حاضرین رسانده و سازشکاری یکی از نمایندگان را افشا کردند. کارکنان با روحیه انقلابی فرد سازشکار را از شورا طرد کرده و کارگرمبارزی را به جانشینی وی برای نمایندگی انتخاب نمودند.

کارکنان خواهان برخورد قاطع تریا رژیم برای آزادی نمایندگان بوده و یشتیانی را همسایگی در صورت عدم آزادی آنان را میدهند که مورد قبول شورا قرار میگردد. کارکنان مبارزه قاطع و بیکیفر خود را همراه شورای واقعیانشان را تنها راه رسیدن به خواسته های برحقشان میدانند.

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد

بقیه از صفحه ۱۰ پیام ...

میدانیم که عید واقعی زحمتکشان در نابودی سرمایه داری است و میدانیم که در چنین شرایطی زحمتکشان ما چگونه به استقبال نوروز میروند. - کارگران کشور ما زیر ستوا ستوما روسکوب سرمایه داری وابسته دلاورا نه میرزمند سودویز قطع شده است. دستمزدها بسیار پایین شرا زرفع نیازهای یک خانواده کارگر است و تورم، گرانتری جیره بندی و... شدید آنها را تحت فشار قرار داده است و جمهوری اسلامی همچنان که تاکنون نشان داده است، در قبال مبارزات کارگران کلوله به آنها هدیه میکند.

- دهقانان، نیز در کنار زحمتکشان شهری، جز ستوما روسکوب، نصیبی نبرده اند و جمهوری اسلامی فقر، فلاکت، و استتار را با سرنیزه به آنها هدیه میکند...

- در کردستان قهرمان، نوروز خلق کرده همچنان خونین است. رژیم جمهوری اسلامی بسبب ناپالم و خمپاره و گلوله، کشتار، تیرباران، تها و زبسه زنان و دختران، سوزاندن شهرها و روستاها و محاصره اقتصادی را همچنان برای خلق دلاور کرد به ارمغان می آورد. اما خلق کرده همچنان میرزمند و علی رغم غیاب نهیای حزب دمکرات، از فرزندان انقلابیش علیه جمهوری اسلامی حمایت میکند.

- در خوزستان جنگ زده بسیاری از زحمتکشان میهن ما در آتش جنگی غیرعادلانه که دور رژیم ارجاعی جمهوری اسلامی وسعت عراق برافروخته اند، همچنان کشتار روسی خاشاک و آوارهای می شوند. بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان، اینک برای جنگی که بسود سرمایه داران دو کشور برافروخته شده، در بدر و آوار شده و در بدترین شرایط، بسر میبرند.

و این همه در شرایطی است که رژیم جمهوری

اسلامی راه را برای همه امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی و روسی و ژاپنی باز میگذارد تا به غارت زحمتکشان ما بپردازند.

آری سال جدید را این شرایط درجا معسده طبقاتی ما که رژیم سرمایه داری بر آن حاکم است فرا میرسد. و سالی دیگر بی پایان میرسد، سالی که از یک طرف سال سرکوب و کشتار، استتار و خفقان، زندان و شکنجه، فقر و فلاکت، بیکاری و آوارگی برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سود و از طرف دیگر سال مبارزات کارگران، زحمتکشان خلق کرده، دانش آموزان و دانشجویان و... و سال اوچگیری بیش از پیش مبارزه طبقاتی و سال ریختن بیس از پیش توهم توده ها به رژیم بود.

آری زحمتکشان ما در شرایطی به استقبال نوروز میروند، که سالی بس حیاتی و مهم در سرنوشت انقلاب ایران را در پیش دارند. لایزالهای مرتجع به سرمداری بنی صوریو حمایت آشکار و پنهان تمامی لیبرالها، سرمایه داران وابسته هواداران بختیاری و شریعتمداری، جبهه ملی، نهضت آزادی و دارو دسته ارتجاعی حزبنجبران با حمایت دمکراتهای ناپیگیری چون مجاهدین میکوشند بر مواج توده ها سوار شوند و مبارزات توده ها را سر علیه ارتجاع و امپریالیسم به بند کشند. ظرف دیگر دارو دسته ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی که عمده ابزارهای کلیسائی حاکمیت را در دست دارد، در کنار آیت الله خمینی و همراه با خائنین توده ای و فدائیان اکثریتی

قطب ارتجاعی دیگری را تشکیل میدهند. زحمتکشان ایران در سال آینده، با این دو قطب ارتجاعی رودر رو هستند و لزوماً نه قطب نیرومستند زحمتکشان بیش از پیش احساس میشود. کمونیستها با بد شرایطی را فراهم آورند تا بتوان با اتکا

به نیروی طبقه کارگر و زحمتکشان و جذب اقشار دمکرات ناپیگیر بر ماف انقلاب، صف نیرومستند کارگران و زحمتکشان و خلقهای انقلابی ایران را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم تشکیل داد.

سال آینده، بیگمان، سال رشد بیش از پیش انقلاب، سال تشدید تضادهای درون حاکمیت (میان لیبرالها و حزبها) سال روی آوردی بیش از پیش توده ها به مبارزه سیاسی و سازماندهی انقلابی، سال فرا زامواج اعتلائی خواهد بود.

زحمتکشان ایران طبیعی است که با آغوش باز به استقبال سال آینده خواهند رفت. سالی که بیگمان رشد مبارزات کارگران، زحمتکشان، خلقها، دانش آموزان و دانشجویان، صفحهنویسی در تاریخ خونبار مبارزه طبقاتی میا فریند.

برای شرکت هر چه فعالتر در مبارزات خونین طبقاتی سال آینده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع آماده شویم. صفوفمان را متشکلتر کنیم، به سلاح آگاهی طبقاتی مجهز شویم و با پرچم سرخ طبقه کارگریسوی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به پیش بتازیم. علی رغم سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی، پیروزی آزان خلقهای قهرمان ما است.

سال جدید را به سال شکل و آگاهی زحمتکشان بدل کنیم!

سال جدید را به سال پیروزیهای هر چه بیشتر زحمتکشان و شکستهای بی دریغی امپریالیسم و ارتجاع بدل سازیم!

سال جدید را به سال پیوند هر چه بیشتر کمونیستها با جنبش در حال اعتلا توده ای بدل سازیم!

تا بودی ما امپریالیسم و ارتجاع اعدا غلغلی!

۵۹/۱۲/۲۵

بقیه از صفحه ۱۰ رژیم ...

میدهد، یک تعهدات مهم میمهم آن میکند، که طبق آن اهالی زحمتکش خاک سفید "با بد مشعهد شوید که اگر..." مقامات قضائی انتظامی و یا هر

شخص اعم از حقیقی و حقوقی معترض باشد شرکت برق تهران حق خواهد داشت با درخواست مراجع فوق الذکر برق را قطع کرده و انشعاب را جمع آوری نماید" و امضا کننده "در این مورد حقوق اعتراض نداشته و مشخصاً در تمام مراجع جوا بگو خوا هد بود". رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قصد دارد بوسیله این تعهدات مه زحمتکشان "خاک سفید" را تحت فشار قرار داده و دست خود را برای انجام هر سیاست ارتجاعی در مقابل زحمتکشان باز گذارد. اما زحمتکشان "خاک سفید" همچنانکه تاکنون نشان داده اند، سیاستهای ارتجاعی رژیم را ختنی کرده و با ادامه وسیعگیری مبارزات خود از خانه های خود که با تلاش و همبستگی خود بکف آورده اند، محافظت خواهند کرد.

تظاهرات دهکده داران ارومیه

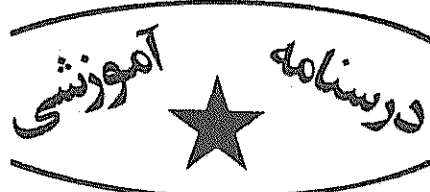
در اعتراض به یورش شبانه ما مورین شهر - داری و کمیته چنان به دهکده داران زحمتکش ارومیه که بدستور شهردار در روز ۵۹/۱۱/۱۶ صورت گرفته بود، دهکده داران و دستفروشان زحمتکش پس از اجتماع در مقابل شهرداری، دست به راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی آنها شعار میدادند: "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد"، برجیستن دهکده ها محکوم است"، "زحمتکش بر بیرون و لسون"، سرمایه داران را بودا و لسون" (زحمتکشان متحد شوید، نابودیا سرمایه دار) و... برای شرمسار زده دهکده داران شهردار محبوس به عقب نشینی شده است. ولی وی و سایر عمال رژیم در فکر توطئه های دیگری بر علیه دهکده داران میباشند. دهکده داران و دستفروشان زحمتکش با بیداری آگاهی و اتحاد خویش، از حق خودشان دفاع کرده و

تصحیح و پوزش:

در خبر مربوط به تظاهرات موضعی هواداران در برورد (پیکار ۹۶) آمده بود: "تظاهرات با شرکت بیش از هزار نفر ادا می یافت". صحیح آن اینست که "... بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر از مردم به حمایت از تظاهرات در اطراف آن حرکت می کردند"

در گزارش مربوط به تظاهرات موضعی ۲۱ بهمن در اصفهان (پیکار ۹۵) آمده است که مردم نگذاشتند فلان آنها حمله کنند در صورتیکه صحیح آن اینست که: فلان آنها میگفتند هر چه به مردم گفتیم بیا تید به اینها حمله کنیم نیا مدند. با بیداری آگاهی که کمیته در زمان برگزاری این تظاهرات بسیار کوتاه بود.

توطئه های رژیم را ختنی نمایند. به نقل از: پیکار رگر (۲) نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ارومیه با اندک تغییر و تلخیص.



با توجه به ضرورت آموزش خط منی سازمان
ومبانی و اصول مارکسیستی - لنینیستی برای
توده ها و هواداران سازمان، از این پس -
مبنای سیاست جدید آموزشی، کمیته تعلیمات
سازمان از طریق نشریه پیکار دستیارانتشار ریکسری
رهنمودهای مطالعاتی و در سنامه های آموزشی،
معرفی برخی کتب و انتشار ریکسری مقالات
آموزشی خواهد زد.

در این شماره، با توجه به شرایط جامعه و
گسترش اعتلا انقلابی و روی آوری گسترده نیرو
های نوین به صحنه انقلاب، ضرورت طرح صریح
آلترنا تپوکموننیستی متحد و متشکل کردن طبقه
کارگر و جنبش توده های اهمیت بسزائی میابد.
بدین لحاظ برای دستیابی به درکهای اولیه
از وظایف نوین کمونیستها در قبال جنبش اوج
- یا بنده طبقه و توده ها، ما تشخیص دادیم که
در سنامه دوم مقاله "وظایف نوین و نیروهای
نوین" که در سال ۱۹۵۵ بوسیله لنین برشته
تحریر در آمده و درک عملی را از وظایف نیروهای
کمونیستی در قبال نیروهای نوین توضیح میدهد و
"مقاله تجدید سازمان حزب" که در باره ضرورت
بازسازی حزب و انطباق آن با شرایط متحول
روسیه است را تهیه و انتشار ریکسری دهیم. رفقا
با بدبیری آموزش این دو مقاله به نکات زیر
توجه کنید.

(۱) پیرو سه کار بدین صورت باشد که اول دو مقاله
مورد مطالعه قرار گیرد و سپس به سوالات پاسخ
گفته شود.
(۲) رفقا میتوانند مقاله وظایف نوین و نیرو-
های نوین، را در کتاب "مقاله زلین در باره
کار حزب در میان توده ها" از انتشارات سازمان
و یا در کتاب "ده نوشته در باره دوران انقلاب
۵۷-۱۹۵۵ ترجمان کارباز از انتشارات بزواک
و مقاله تجدید سازمان حزب را در همین کتاب
"ده نوشته در باره دوران انقلاب ۵۷-۱۹۵۵" یا
در "راه فدا" شماره ۲ ببینند.
کمیته تعلیمات

سوالات راجع به مقاله "وظایف نوین و نیروهای نوین"

(۱) شرایط تاریخی زمان نگارش مقاله،
ضرورت و هدف آن چه بوده است؟ منظور از "نیرو
های نوین" و "وظایف نوین" چیست؟ از طرف
بلشویکیا و منشویکیا چگونه بدین وظایف برخورد
میشده است؟
(۲) سه گذاری که جنبش توده های - کارگری
روسیه در ارتباط با رشد سوسیال - دمکراسی
طی کرده بودند؟ هر کدام از این گذارها بوسیله
چه فاکتورهای ذهنی و عینی تدارک دیده می -
شدند؟ این گذارها چه تغییراتی در وظایف
سوسیال - دمکراسی ایجاد مینمود؟
(۳) انحرافات اساسی دیدگاه اپورتونیستی در
قبال وظایف جدید و ثوری های اپورتونیستی
آنها چه بودند؟ ایده های اساسی سوسیال -
دمکراتهای انقلابی برای مبارزه با آنها چه

بود؟
(۴) - جهت عمده کار انقلابی، وما هیت وظایف
نوین سوسیال - دمکراتها چه بود؟ شرایط
کنونی ایران چه فرقی با روسیه دارد؟
(۵) - با توجه به شرایط آندوران روسیه، وظیفه
عمده عملی سوسیال - دمکراتها چه بود؟ شرایط
کنونی ایران چه فرقی با روسیه دارد؟
(۶) - چرا در این شرایط، ضرورت مبارزه با
نفوذ دمکراسی بورژوازی در کارگران بیشتر
میگردد؟

(۷) - وظایف نوین تا کتیک از نظر سازماندهی
و تعلیمات چه بود؟ آنرا با وظایف ارتق در حال
حنگ مقایسه کنید. چه انحرافات می تواند در
قبال این وظایف نوین بروز نماید؟

(۸) - با توجه به وظایف نوین نقش شعار "متشکل
شوید" که از جانب طرفداران اکثریت گنگره
دوم تدوین شده بود را بررسی کنید.

(۹) - گفتار "افراد بساری هستند، و هنوز افراد
کم داریم" حاکی از چه تضاد تشکیلاتی و بیانگر چه
نیازهای تشکیلاتی سوسیال - دمکراسی بود و
چگونه میتوان به این تناقضات و نیازها پاسخ
گفت؟

(۱۰) - با توجه به اوضاع فعلی ایران، وضعیت
نیروهای نوین را بررسی کرده و وظایف نوین
تا کتیک (سازماندهی، وحدت و...) را بررسی
کنید.

سوالات مربوط به مقاله "تجدید سازمان حزب"

(۱) - اهمیت مقاله "تجدید سازمان حزب" لنین
در چیست؟ بخشهای مختلف این مقاله را چه
چه مسائلی است؟

(۲) - شرایط نوین جامعه روسیه چه تغییراتی را
در وظایف تشکیلاتی حزب باعث شد؟ دیدگاههای
مختلف در این زمینه چه بود؟ (در این مورد
در باره جنبش ایران قبل و بعد از قیام بحث
کنید)

(۳) - شرایط نوین چه تغییراتی را در اصول
انتخابی بودن حزب سبب گردید؟

(۴) - ضرورتهای جدید سازماندهی چه بود و چه
نتایج را در بر داشت؟ در صورت عدم درک این
ضرورتها چه انحرافی حاصل میگشت؟ (در این
زمینه در مورد جنبش ایران قبل و بعد از قیام بحث
کنید)

(۵) - با وجود پیوستن ناگهانی تعداد زیادی
غیر سوسیال - دمکرات به حزب، تکیه به چه
اقدامات و اصولی مانع بروز انحرافات
در حزب میگردد؟

(۶) - اوضاع نوین چه نوع شکل تشکیلاتی (هسته
تشکیلاتی یا به حزب) را طلب میکند؟ انحرافات
را که باعث تنیدن وظایف نوین در سازماندهی
پیش میا مدیر شمرید.

(۷) - چرا صرف افزودن بر سازمانهای نوین قدیم
نمی توانست کافی باشد؟

(۸) - تفاوت بین انجمن های سیاسی و حزبی
با اتحادیه ها چیست؟

(۹) - با تغییر سازماندهی، چه تغییراتی در تقسیم
صیغ کارها بعنوان یکی از اجزای مهم رهبری
سازمان بوجود میآید؟ انحرافات مختلف در این
زمینه چگونه میتوانست بروز کنند؟

(۱۰) - شرایط نوین چه تغییراتی را در ترویج
و تبلیغ حزب باعث گردید؟

(۱۱) - هدف از ایجاد اصطلاح با یگا ههای محلی
اقتصادی چه بود؟

۳

(۱۲) - شرایط نوین چه اثراتی بر روی مسئله
وحدت حزب میگذاشت؟

(۱۳) - شرایط کنونی جامعه ما چه تغییراتی را
در شیوه سازماندهی، تبلیغ و ترویج مسئله
وحدت بوجود می آورد؟

آزادی جاسوسان انگلیسی، قدمی دیگر در خدمت به امپریالیسم

"شکست انگلیسی که به اتهام اقدام
علیه جمهوری اسلامی ایران متجاوزان ۲۰ روز
در ایران بازداشت بودند پس از رفع اتهام از
ایشان، دیروز خاک ایران را ترک کردند"

آزادگان ۵۹/۱۲/۷

بدنیال آزادی کروگانهای جاسوس
آمریکائی، رژیم جمهوری اسلامی در ادا مه سیاست
نزدیکی با امپریالیسم "دلجوئی" از امپریا -
لیسم انگلیس پرداخته و سه جاسوس انگلیسی را
که ما همایش دستگیر شده بودند، آزاد نمود. در
هنگام دستگیری این کشیهای جاسوس، بلندنگو -
های تبلیغاتی رژیم با ارائه اسناد و مدارک
جاسوسی، سرومادی زیادی پیرامون فدا امپریا -
لیست نمائی دروغین رژیم جمهوری اسلامی برآه
انداخته و برای فریب توده ها به شعار ردهی بی
محتوی علیه امپریالیسم انگلیس پرداختند. در
آنزمان شرایط اجاب میکرد که رژیم با انتشار
سندیست سند در اثبات جاسوسی این افراد، خود
را با مصالح دشمن امپریالیسم جازند و بی سراز
این جاسوسان بعنوان برگ برنده ای در زد و بند
با امپریالیستهای انگلیسی استفاده نماید.

اما گذشت زمان و تشریحی که در نزدیکی
جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی
پدید آمد، و نیازی که رژیم حاکم برای حفظ و



پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به دهها کمونیست پیکارگر در بند و زندانی سیاسی انقلابی بمناسبت نوروز جدید

یاران! عزیزان در بند!

بها رنوفر! میرسد سالی دیگر آغا زمیشود. بدین مناسبت از طرف تمام رفقای سازمان وهمه کارگران و زحمتکشان ایران، درودهای آتشین خود را نشانها فرزندان قهرمان توده‌های رزمنده ایران میکنیم و میدوایم سال نو، سال بیروزیهای درخشانتر برای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و سال شکست برای ارتجاع و امپریالیسم باشد.

یاران!

سالی است که در میهن ما، زندانی سیاسی بودن افتخار بزرگی محسوب میشود.

سالی است که دلاورترین فرزندان زحمتکشان در پشت میله‌های زندان و در زیر شکنجه‌های مزدوران سرمایه‌داری، استوار و مستحکم بمانند. آرمان سرخشان و فادارانمانده اند، توده‌های انقلابی ایران احترام و علاقه عظیمی به فرزندان در بندشان دارند آنها بخاطر دلاوری و جسارت خود هزاران انقلابی در بند عاری از مهر جلا بدینا طرفداری از منافع زحمتکشان، سلول‌های زندان و شکنجه و تیرباران را استقبال کردند و از همین روی بود که توده‌های قهرمان سبازها لهای دژخیمان پهلوی را کشودند و بر گردن فرزندان در بندشان حلقه‌های گسل آویختند، اما دوباره سرمایه‌داران حاکم شدند، هزاران نفر از فرزندان زحمتکشان را به اسارت در آورده‌اند، اینک بار دیگر کوچکی‌ها، خلخال‌های لاجوردی‌ها و... برجای حسینی‌ها و رسولی‌ها و غدی‌ها تکیه زده‌اند. و بار دیگر بجای رفائیلیا، احمدزاده‌ها، دهقانی‌ها، گل‌سرخ‌ها، آخوندی‌ها و... شما هستید که شکنجه میشود و با زهد فرزندان نه‌ای سرمایه‌داران حماسه - ای از وفاداری به توده‌ها می‌فریبید و این حکم مبارزه طبقه‌ای است. هیچ رژیم ارتجاعی نمی‌تواند بدون زندان، شکنجه و تیرباران انقلابیون و بخصوص کمونیستها به حیات تنگنیش ادا میدهد، زندان ارکان مهمی در سرکوب طبقه‌ای است و تا زمانی که طبقات استثمارگر به غارت و سرکوب توده‌ها مشغولند، تا زمانی که مبارزه خونین و تپایی جان انقلابیون و بخصوص کمونیستها با این نظام ارتجاعی برجا است، هزاران و مدها هزار دلاور چون شما نیز هستند که در سبازهای دژخیمان سرمایه‌داران، دلاوران



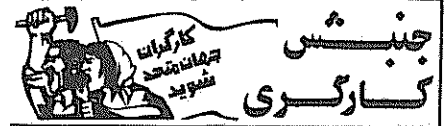
پرچم سرخ شیردرا با سرمایه‌داران هتزارنگهدارید شما همچنان نگه‌تان کنون کوشیده‌اید، با بیستگی زندان را به‌دانشگاه‌های برای انقلاب بدل‌سازی که در آن وفاداری به زحمتکشان، صلابت و استواری در مقابل با ارتجاع و نیز دانتی‌تئوریستک پیرامون انقلاب آموخته میشود. همه بخاطر دایم که چگونه زندانها در فاصله سالهای

۵۲ - ۵۰ در خاکمیت شاه جلا داد خود، دانشگاه‌های برای انقلاب بود، اینک شما گذشته از آنکه دلیرانه با بیستی در مقابل ارتجاع و امپریالیسم باستید و برای بهبود شرایط زندان مبارزه کنید با بدجوی سرشار از روحیه رزمی و استواری در زندان ایجا کرده و برداشتی انقلابی‌تان بیافزائید بخصوص رفقای پیکارگر موظفند نه تنها فعالانه در این راه بکوشند، بلکه مواضع سازمان را در بین انقلابیون در بند

سرود سرخ بیروزی کارگران و زحمتکشان خلقهای نحت ستم را در فردای آزادی و استقلال بسرایند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که حافظ و شکنجه‌گر سرمایه‌داری وابسته و منافق امپریالیست است. فرزندان زحمتکشان را از شما آگاه‌های و انقلاب‌هستید شما برستوهای قاصد فردای بیروز زحمتکشان بوده‌و هستید، شما بخاطر انقلاب پراکنده‌اید، بس باست در قفس شویید، تا غول بیدارگر سرمایه‌داری سبازها لهای قهرمان ما از شما انقلابیون جان برکف هزاران هزار رپرورده‌است هم‌کنون سبازان و رفیقان شما در عرصه‌ستری مبارزه طبقه‌ای کلوگاها ارتجاع را می‌فشارند، توده‌ها با ملایست هر چه بیشتر در این مبارزه خونین، سرمایه‌داری و وابسته شرکت می‌جویند و بخصوص مدای گام‌های استوار و مستحکم بیرونی‌ریای قهرمان ایران می‌آید، هر روز توده‌های بیشتری به میسبان پیکارگامینند، در همان زمان که سرودهایتان از زیر شکنجه‌های دژخیمان بگوش میرسد و شما دلاوران به‌ای سبازان غنا شید و به آرمان سرخشان وفادارید و سلول و شکنجه‌ها را قهرمانانه استقبال میکنید، رفیقان‌تان میروند تا بسا بیوند با توده‌ها، طومار ارتجاع و امپریالیسم را در ایران خون گرفته‌دهم نورند، طبیعتی است آرزوی ما این بوده‌و هست که شما سبازان نیز در کنار توده‌ها و رها از غل و زنجیر زندان در مبارزه سرخ زحمتکشان شرکت میکردید، اما مبارزه طبقه‌ای عرصه‌های گوناگون دارد و هرگز گمان میرید که از آن دورید، اینک شما در سنگر دیگری می‌زیید، شما در اسارت نیز با بیستی

فعالانه تبلیغ و ترویج کنند! در زندان نیز بکوشید تا هر چه بیشتر برای شرکت فعال در عرصه مبارزه طبقه‌ای خود و دیگر هم‌زمان‌تان را آماده کنید. بیگمان خلقهای قهرمان ایران در جریان مبارزه انقلابیشان علیه ارتجاع و امپریالیسم اسارت فرزندان قهرمان‌شان را تحمل نخواهند کرد، آنها با رد یک‌دور سبازها لهای و شکنجه‌گاه‌ها را خواهند گشود و شکنجه‌گران را با دغا خواهند آویخت مبارزات شما در زندان و مقابل متتان در مقابل شکنجه‌های دژخیمان جمهوری اسلامی، خودگان‌های از همین رزم خونین توده‌ها است، فردا، فسردهای سرخ انقلاب، آن زمان که پیکت نیرومندان رگربا داس برزگرو همراهی زحمتکشان و توده‌ها و شهری در هم آمیزد، دیگر از سبازها لهای سرمایه‌داری خبری نخواهد بود و خلق ما بار دیگر سبازها لهای کل نشان عزیزان در بندش خواهد کرد و بر زخمهای شکنجه‌آنان بوسه خواهد زد، آری در فردای بیروز - مندا انقلابان دیگر از شکنجه‌وزندان برای فرزندان زحمتکشان خبری نخواهد بود و زندان و سرکوب برای سرمایه‌داران و نوکران امپریالیسم بکار گرفته خواهد شد. دستانتان را بگرمی می‌فشاریم و برای وظایف خطیرتان در مقابل انقلاب در شرایط صعب و دشوار زندان، آرزوی موفقیت میکنیم. زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها آزاد باید گردید! درود بر زندانیان انقلابی که در زندان نه‌ای جمهوری اسلامی پرچم مبارزه را پرافرشته نگاه داشته‌اند!

درود بر زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه‌گاه‌های رژیم پرچم مقاومت را همچنان پرافرشته نگاه داشته‌اند



کنترل کارگری "راه کارگر": آمیخته‌ای از تناقض و تحریف

لنین از مضمون واقعه‌شان می‌باشد. چرا که اولاً لنین در شرایطی صحبت می‌کنند که موقعیت انقلابی برجاست مع حکم فرماست، نانیا شورا های لنینی کارگران، دهقانان و سربازان بعنوان آلترنا تیفونینرومندی برای کسب قدرت سیاسی، بوجود آمده اند و لذا لنین رژیم بورژوازی حاکم بر روسیه در آئین سازمان را متحد با سرمایه داران توصیف می‌کند (برخلاف "راه کارگر" که سعی دارد سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار را متمایز از هم نشان دهد).

برای بهتری بردن به این واقعیت و اینکه ببینیم عجز "راه کارگر" در دفاع از نظریات انحرافی فیش تا چه حد او را بدامن اپورتونیسیم افکنده است، همان نقل قولی را که راه کارگر از لنین آورده و در بالا ذکر کردیم، بشکل کاملش می‌آوریم. مقاله مذکور از لنین در سپتامبر ۱۹۱۷ یعنی حدود یک ماه و نیم قبل از انقلاب کبیر سوسیالیستی نوشته و ضمن برشمردن توطئه های رژیم بورژوازی حاکم بر علیه کارگران و زحمتکشان می‌افزاید:

"این حکومت فرصت یافت علیه انقلاب... مسئله ساختن ما حیان صنایع و فابریکها و کارخانه ها بپردازد که در زیر فشار کارگران مجبور به گذشتن پی در پی بودند ولی در عین حال شروع به کار شکنی در تولید کرده و زمینه می‌چینند تا در اولین فرصت مناسب، تولید را متوقف سازند." (صفحه ۴۸۵ مجموعه آثار لنین)

حال با زهر ز "راه کارگر" با بدیدر سید مگر در ایران موقعیت انقلابی برقرار است؟ مگر در کارخانه های ایران شورا های ملحق لنینی وجود دارد که کسب قدرت سیاسی در دستوران قرار گرفته با شدوا زا پینرو طبقه سرمایه دار بورژوازی که هیچ امیدی به آینده شان ندارند بکشند تا توقف تولید، به مبارزه علیه کارگران (و نه دولت بورژوازی) برخیزند؟

براستی اگر طبقه سرمایه دار خواهان توقف تولید باشد، مگر نه آنکه از طریق رژیم بورژوازی حاکم دست به این عمل می‌زند همچنانکه در روسیه نه این با آن سرمایه دار بصورت انفرادی، بلکه سیاست کل طبقه سرمایه دار روسیه است که سرگ خویش را نزدیک می‌بیند و از طریق نمایندگان سیاسی خویش از رژیم حاکم به تلاش برای توقف تولید دست می‌زند.

اکنون چگونه است که بنظر راه کارگر طبقه سرمایه دار ایران خواهان توقف تولید است، اما رژیم حاکم خواهان افزایش تولید است، آیا بنی صدور جناح بورژوازی لیبرال همواره از ضرورت افزایش تولید، ممنوعیت اعتصاب و کم کاری و... سخن نگفته اند؟ یا جناح حسیب جمهوری اسلامی نیز همواره همین شعار را تکرار نکرده است؟ پس چگونه است که رژیم بورژوازی

افتادن شعارهای واقعی طبقه کارگر کرده. ما در شماره های ۸۸ و ۸۹ پیکار به این موضع "راه کارگر" برخورد کرده و موضوع تحریف تاریخی

آنها را از نقل قول لنین که اساس استدلالشان بود، نشان دادیم. اما ظاهراً "راه کارگر" مسئله را بروی مبارک خود نیاورده و اینبار تحت لوای برخورد به نظرات رفقای رزمندگان (که بر جنبه شورویک مسئله و تحریف راه کارگر تا کید نگرده بودند)، سعی در تکرار همان تحریف و پیشبرد نظر خود مینمایند. این شیوه برخورد نه تنها تلافی قابل تقدیر "راه کارگر" را در وفاداری به اصول اپورتونیسیم نشان میدهد، بلکه بررسی برخورد جدیدشان، خیر از "شعمیق" ما رکسیسم "خاص راه کارگر" را میدهد و بقول معروف هر دم از این باغ سری میرسد...! و اما ببینیم چگونه؟

ما در شماره های گذشته پیکار توضیح دادیم که در شرایط کنونی که رژیم فدا انقلابی حاکم بر بهره گیری از جنگ ارتجاعی کنونی، که خود در برهه انداختن آن ذی نقش بوده است، سعی در به انحراف کشاندن مبارزات توده ها داشته و از جمله قصد دارد کارگران را به تولید بیشتر وادارد، شعار افزایش تولید چیزی جز بیسیان خواست سرمایه داران و رژیم حاکم نبوده و لذا شعاری است در خدمت طبقه سرمایه دار، اما راه کارگر صراحتاً در این باره و انموده است که ما می‌گوئیم "افزایش تولید بطور کلی در خدمت دشمنان طبقه کارگر است" (راه کارگر ۶۴ - تاکید از ما است) و از قرار معلوم راه کارگر با "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" به این نتیجه رسیده است که در شرایط کنونی افزایش تولید از طریق کنترل کارگری، راه نجات طبقه کارگر است! استدلال راه کارگر هم نقل قولها بی استناد از لنین مبنی بر اینکه "ما حیان صنایع و فابریکها و کارخانه ها... که در زیر فشار کارگران مجبور به گذشتن پی در پی بودند ولی در عین حال شروع به کار شکنی در تولید و زمینه می‌چینند تا در اولین فرصت مناسب، تولید را متوقف سازند." (همانجا به نقل از صفحه ۴۸۵ منتخب آثار لنین) این نقل قول "راه کارگر" هم درست مانده است. نقل قولی که در شماره ۵۲ نشریه اش آورده بود ما تحریف آمیز بود آنرا در پیکار ۸۸ نشان دادیم، زیرا با تحریف و تهی نمودن گفته های پیکار ۸۸ راجع به افزایش تولید را به خوانندگان توصیه می‌کنیم.

با حادث شدن مبارزه طبقاتی در جامعه صفوف نیروهای انقلاب و فدا انقلاب مشخص تر و منسجم تر میگردند، انعکاس این روند و قطعی شدن نیروها، در جنبش کارگری بوسیله شعارها و عملکردهای آنها مشخص میشود. در این رابطه است که رویزیونیستهای خائن با طرح شعارها سعی بنفع سرمایه داران و رژیم حاکم، دشمنی خویش را با طبقه کارگر بنمایش گذاشته و در اثر روند اعتلائی جامعه روز بروز مطرود تر میگردند. از سوی دیگر کمونیستهای پیگیر با طرح شعارهای طبقه کارگر و فعالیت سیاسی حول آنها می‌کوشند تا عقب ماندگیهای سالیان سال را جبران نمایند. اما آنچه که در این میان به جنبش طبقه کارگر لطمات بسیار میزند، مواضع و شعارهای متزلزلین و نیروهای ناپیگیری است. بسا شد که به عیب می‌کوشند مسانعه حرکت سریع طبقه شده و حسی در مواردی نقش پلی بوی بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر را بازی میکنند، از جمله این نیروهای ناپیگیر "راه کارگر" میباشد که موضوع در رابطه با شعار "افزایش تولید و کنترل کارگری" در شرایط کنونی، منطبق با موضع رویزیونیستهای خائن و رژیم جمهوری اسلامی گشته است.

این انطباق مواضع نه تنها تصادفی نیست بلکه با تکیه ای که "راه کارگر" روی موضع می‌کند (علیرغم عقب نشینی جزئی که ظاهراً انجام داده است) و برای اثبات آن از شیوه های اپورتونیسیتی تحریف واقعه‌های تاریخی و نظرات سایر نیروها (از جمله ما) استفاده میکند خود گواه بارزی بر آن است که "راه کارگر" مصمم گشته است با ایفای نقش "مرکز" مانع از جاسا

(۳) - "راه کارگر" ۶۴ مینویسد: "به نظر ما طرح مسئله بدین صورت (سرمایه دارانی که خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند اقداماتی علیه آنها صورت نخواهد گرفت) پیکار را اشتباه است و باید این مسئله را در چهارچوب بررسی لغزشها و... ما در مقطع آغاز جنگ مشخص بررسی کرد. از آنجا شیکه بررسی این مسئله برای رده نشیبه گیریهای رزمندگان و پیکار نقش محوری و اساسی ندارد، از بحث در مورد آن در این مقاله خودداری می‌کنیم."

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



حاکم‌خواهان افزایش تولید است. اما طبقه سرمایه‌دار ایران خواهان کاهش و توقف تولید این امر تنها از صورتیکه حکومت "ملی و مستقل" بوده و امپریالیسم و بورژوازی وابسته در وضعیت با رژیم باشد، امکان پذیر است. آری جان کلام "راه‌کارگر" همین است که از ایران آن شرمگین است. همان لاف‌تالاب "اکثریت" که حکومت را "ملی" میدانند و از اینرو معتقد است که بورژوازی وابسته می‌کوشد با توقف تولید موجبات سرنگونی این حکومت "ملی" را مهیا نماید. اما "راه‌کارگر" همچنان انقطاع خویش را حفظ کرده و حاضر نیست ماف و پوست‌کنده بگوید رژیم "ملی" است. از اینرو برای حفظ مرزبندی با "اکثریت" افزایش تولید را با "کنترل کارگری" پیشنهاد می‌کند! اما اگر راه‌کارگر نخواهد سر خود را در برف فرو برده و برای توجیه نظرات اپورتونیستی خویش به دروغ متوسل شود و نگا هی به واقعیت بیاندازد با دیدن پاسخ دهنده که آیا طبقه سرمایه‌دار ایران خواهان توقف تولید است؟ یا واقعیت اینست نیست که طبقه سرمایه‌دار ایران با پشتیبانی رژیم بورژوازی و پاسداران سرمایه، مرتباً ضرورت "افزایش تولید" را به کارگران گوشزد می‌کند و در صورت کم‌کاری، اعتصاب و کاهش تولید برای کارگران خط و نشان می‌کشد و همواره لوابیح دولتی ضد کارگری، تهدید به اخراج، دستگیری و گسیل پاسداران برای سرکوب رابیه رخ آنها می‌کند؟ آیا طبقه سرمایه‌دار راه‌کارگر را با بحران اقتصادی زادر شرایط قطعی با افزایش تولید و فرا هم‌کردن شرایط سودآوری بیشتر و آنچنان که نمایندگان سیاسی آنها می‌گویند "کار، کوشش، تولید بیشتر و امنیت" نمی‌بینند؟ و آیا در این رابطه با استفاده از تمامی اهرم‌های دولتی و تصویب لوابیح ضد کارگری توسط دولت، نمی‌کوشد تا بحران را هرچه بیشتر بدوش کارگران منتقل کند و خود سود بیشتری بدست آورد؟ چرا "راه‌کارگر" خود را به "تداوم کارگری" می‌زند و این واقعیت‌ها را نمی‌بیند؟

بنا بر این روشن میشود "تحلیل مشخص" راه کارگر "چیزی جز "تحریف مشخص" و آشکار نیست! و "راه‌کارگر" با مخدوش کردن شرایط کنونی ما و شرایط نامبرده روسیه، می‌کوشد تا بورژوازی افزایش تولید را در میان طبقه کارگر شیوع دهد.

«کشفیات» جدید "راه‌کارگر" از رابطه اقتصاد و سیاست!

"راه‌کارگر" در رابطه با بررسی شرایط جامعه و بحران اقتصادی - اجتماعی آن در گذشته بحثهای بسیاری راجع به اینکه گویا جامعه به سمت استقرار فاشیسم می‌رود و انقلاب بعد از قیام سیر نزولی پیموده و... بر راه انداخته بود. اما

اینک در برخورد با واقعیات و روندها عتلائی - جامعه‌گرایان و موقعت‌انقلابی دیگران در آینده‌ای نه چندان دور می‌دهد، ظاهراً به نتایج دیگری رسیده است که با بحثهای قبلیش تناقض دارد. ببینید چگونه رژیم را که به اعتقاد "راه کارگر" "بسمت فاشیسم می‌رفت، در برخورد به بحران کنونی ناتوان ترسیم میشود:

"در مجموع توده‌های زحمتکش ما همچنان در براسطه مجدد و همه‌جانبه فدا انقلاب و خفه کردن و سرکوب حرکت مبارزاتی آنها مقاومت و مبارزه میکنند. این بحران آنچنان عمیق است که حاکمیت فدا انقلابی و ارتجاعی کنونی را که دارای بیشترین پایگاه حمایتی در میان توده‌ها بود تا کنون قادر به حل آن و بازگرداندن سلطه مجدد و همه‌جانبه بورژوازی نشده است." (راه‌کارگر ۶۴)

و حتی بطور غیر مستقیم صحبت از اعتلائی انقلابی مینماید آنجا شیکه سوال میکند: "آیا بنظر شما میتوان از اعتلائی انقلابی سخن گفت و در عین حال معتقد بود که بورژوازی با خیال راحت و آرام همچنان به افزایش تولید و استثمار طبقه کارگر ادامه میدهد."

البته افزایش تولید را راه‌کارگر نه فقط در شرایط قطعی که تحلیلش در مورد سطح جنبش تفهیم کرده است، بلکه زمانیکه نیز از زخمتکش فاشیسم سخن میگفت و روند جامعه را بسوی افست میدید نیز بکار برده است:

"ما قبلاً نیز در جزوه "شوراها" کارگری و مواضع ما "از کنترل تولید به عنوان مبارزه‌ای برای سازمان دادن تولید از سوی پرولتاریا، بعنوان مبارزه‌ای برای حل بحران بنفست زحمتکش و بیدست پرولتاریا و بعنوان کوششی برای خروج از بن بست یاد کرده ایم تا در عمل برای توده‌های وسیع ثابت کنیم که این بحران یک راه حل پرولتری دارد. این تلاش ضمنی بخشی از تلاشهای پرولتاریا برای کسب هژمونی است!" (همانجا تا کیدیک خطی از راه‌کارگر و دو خطی از ماست)

براستی معلوم است "راه‌کارگر" چه میگوید؟ در حالیکه جامعه را بسوی فاشیسم رزیاپی می‌کند، در عین حال از ضرورت کنترل کارگری که در شرایط موقعت‌انقلابی صورت میگیرد (رجوع شود به کتاب "سندیکاها" سرخ‌کمین‌ترین) سخن میگوید! آیا چنین "کنترلی" جز استفاده از طبقه کارگر بعنوان ابزاری برای تامین سود بیشتر برای سرمایه است؟ البته راه‌کارگر زمانیکه قرار با شد تا کتیکهای تعرضی در قبال جنبش اعتلائی توده‌ها اتخاذ نشود از "افت و شکست انقلاب و" فخر فاشیسم سخن میگوید و ما را به کار آرام دعوت می‌نماید و جنبش توده‌ای و عسکرم تشبیه رژیم و عمق بحران انقلابی را که کماکان وجود دارد، فراموش میکند، اما زمانی که نگران حال طبقه سرمایه‌دار می‌گردد و می‌کوشد به کارگران بیا موزد که قدر خوبست تولید را افزایش دهند منتها با کنترل خودشان! آری در این موقع به

کلی خطراً فاشیسم و روندها و غیره را فراموش میکنند و از جنبش روبه اعتلا و بحرانهای عمیقی که بورژوازی را نگران ساخته و آنچنان خود را در خطری بیند که رای به توقف تولید میدهد! سخن میگوید! از اینکه چنین مجموعه بی‌تفاوتی را "راه‌کارگر" در کنار یکدیگر قرار داده است، باید به او آفرین گفت!

مهمتر از تناقض گوئی "راه‌کارگر"، کوشش وی برای اثبات غیر مبسم در جنبش کارگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. "راه‌کارگر" زیرکانه با استناد به کنترل کارگری و افزایش تولید در شرایط نظیر موقعت‌انقلابی در روسیه که سرنگونی قدرت بورژوازی در دستور روز است، می‌کوشد نقش شرایط را حذف نموده و یک رهنمود عمومی برای مقابله با بحران به پرولتاریا ارا شده دهد. این رهنمود سرنگونی قدرت سیاسی حاکم و سازماندهی تولید به اساس حکومت انقلابی پرولتاریا و زحمتکشان بلکه حل بحران اقتصادی تحت حاکمیت بورژوازی "بمنفع پرولتاریاست!" چنین رهنمودی که بصورت عمومی برای مقابله با بحران طرح می‌گردد چیزی جز رفرمیسم منحط نیست.

آیا باید برای حل بحران، قدرت سیاسی را در هم شکست یا راه حل اقتصادی تحت حاکمیت بورژوازی را ارائه داد؟ "راه‌کارگر" با تحریف تاریخ مقطعی از انقلاب روسیه که پرولتاریا در یک شرایط انقلابی، به موازات حرکت عملی برای کسب قدرت سیاسی از دولت بورژوازی، به مقابله با خطر فلاتکتی می‌رود که در درجه اول پرولتاریا را تهدید میکند، فلاتکتی که از طریق کارشکنی ضد انقلابی سرمایه‌داران و رژیم بورژوازی برای مبارزه با انقلاب پرولتری دامن زده شده است، می‌خواهد چنین نشان دهنده اصولاً برای حل بحران‌های اقتصادی که گریبانگیر بورژوازی است میبایست تولید را در حاکمیت بورژوازی به نفع پرولتاریا سازمان داد! این تئوری تکرار ترات رویزیونیستها و تروتسکیستها است که معتقدند با برقراری مدیریت کارگری، و کنترل کارگری باید به مقابله با بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری رفت و تولید را نوعی سازماندهی نمود که بمنفع پرولتاریا باشد! اما آیا این جز تبلیغ آشتی طبقات و جز فریب پرولتاریا است که بجای آموختن ضرورت سرنگونی سلطه بورژوازی برای حل بحران، کنترل کارگری را پیشنهاد میکند؟ "راه‌کارگر" آنچنان در "تاکتیک" غسرق گشته است که "استراتژی" را به با دفرا موشی سپرده است! "راه‌کارگر" در هر شرایطی (چه افت، چه اعتلا و چه موقعت‌انقلابی) بدنبال "تاکتیک" - های عملی می‌گردد که بحران سرمایه‌داری را بمنفع پرولتاریا در درجه اول رچوب حفظ سرمایه‌داری حل کند. چنین "تاکتیک" البته ممکن است تحقق یابد، اما بحران را بمنفع بورژوازی و نه پرولتاریا حل خواهد کرد.

بدین ترتیب آشکار میشود که "راه‌کارگر" بقیه در صفحه ۱۱

یادی از رفیق گم شده سعید اخوت فوده



الف - مشخصات حقیقی :

نام سعید - شهرت اخوت فوده - نام پدر حسن
شماره شناسنامه ۲۰ صادره از اسفهان متولد ۱۳۲۸
شغل -

میزان تحصیلات دانشجویی سال سوم علوم اجتماعی دانشگاه تهران
باحتمال زیاد فارغ التحصیل شده است
محل سکونت - اسفهان چهار باغ بن بست ایرج
محل کار -

ب - مشخصات ظاهری :

قد متوسط - رنگ چشم میخی - رنگ مو مشکی - علائم مشخصه -
اسامی مستعار یا شناسنامه های جعلی که داشته :

پ - وضعیت فعلی :

از اعضای گروه « کمونیستی » میباشد
نگاه از تاریخ ۱۳۵۲ متواری و احتمالا مسلح به
ملاح گنجی - نارنجیک - میاورد - میباشد

همان ۱۲ هزار زندانی بود که بقول ببرک کارمل
جلاد توسط امین خاکن اعدام شدند آیا او جز
انقلابیونی بوده که در جنگهای داخلی افغانستا
توسط رژیم دست نشاندگان کمپوزا در روستاهای
آمریکای اسلامی به شهادت رسیده اند؟ یا
اینکه ممکنست هنوز هم در زندانهای قذافی
وسطا شای افغانستا اسیر باشد؟

ما دیگر چندان امید آن نداریم که رفیق به
جنب انقلابیون ایرانی بازگردد، ولی او چه در
ایران کشته شده باشد چه در زندانهای افغانستا
بدون شک ترانه سرخ انترناسیون لیسم پرولتی
را به لبان داشته است و در راه آزما نهایی و آلا
کمونیستی که برای آن مبارزه در راه آزادی
پرولتاریا دارای یک خطت جهانی و فراتر از
مرزهای ملی است شهید شده و با هنوز اسیر است .
با این همه که امید چندان به زنده بسودن
او نیست ، از شما کمسانی که ممکن است خبری از
او داشته باشید تقاضا میکنیم که مراتب را به ما و
با به پدر ما در اطلاع دهند . عکس و مشخصات
شنا سانی او را که در اینجا ماسا هده میکنید مربوط
است به دفترچه لیست " افراد فراری " که ساواک
جنایتکار در اختیار ربا ندهای گشتی خود در تمام
ایران میگذاشت و سعی میکرد به این وسیله آنها
را شناسایی و شکار کند .

میلیونها تومان، خرج تکبیر، گویی برای جمهوری اسلامی

شده های زحمتکش خوب بیا داری رنده در روز -
های نحسی چون "۴ آبان"، "۲۵ شهریور"، "۹ آبان"
و... رژیم ضد خلقی شاه جلاد با صرف میلیونها
تومان از دسترنج زحمتکشان ما، هزاران نفر
را از نقاط مختلف گرد آورده و به استادیوم ۱۰۰
هزار نفری و... میخاستند تا برای شاه خاکن
"هورا" بکشند. و فریادش خراش "جاوید شاه"
سردهند. و امروز ۲ سال پس از زنگونی رژیم
شاه، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی با خرج
میلیونها تومان ۱۵۰۰۰ نفر را بعنوان "خانواده
شهادت" از شهرها و روستاهای مختلف به تهران
آورده اند تا در مراسم لکرد "۲۲ بهمن" برای
رژیم "تکبیر" بگویند.

این افراد بدعت بنیاد شهید که مرتجعینی
بنام حجت الاسلام کروی در اسان قرار داده
تهران آمده اند. این افراد را با وعده پرداخت ۵
هزار تومان به تهران گشاده اند و بیشتر آنها
بخاطر نیا زمالی شید حاضریه سفر شده اند. از
۱۵۰۰۰ نفریای دنده ۳۰۰۰ نفر در هتل استقلال
(هتلتون سابق) بمدت ۴ روز اقامت کردند. که
هزینه اش ۳ میلیون تومان میباشد. همچنین
۸۰۰ نفر در هتل کنستانتان با هزینه ۸۰۰
هزار تومان، ۹۰۰ نفر در هتل "هایت" با هزینه
۹۰۰ هزار تومان بتهران بردند. از برنا مه های

رفقا به ما زمانه جدید پیدا خستند. ولی ضربات
پلیس به آنها مانده و به دلایل مختلف اکثر
آنها توسط ساواک دستگیر شدند و معدودی نیز
چون سعید متواری گردیدند .

سعید در رعایت مسائل امنیتی بسیار حساس
و هوشیار بود. همین موضوع باعث شد که او زلسو
رفتن خود با خبر شده و گاملا سخفی گردید. در طول
مدتی که از میان تا اردیبهشت ۵۳ رفیق سعید
کوشید تا به کارهای گروه سروصورتی دهد. برای
مدتی در کارخانه بی اف کودریج بکار پرداخت
ولی از آنجا که مشی گروه مبارزه چریکی بود،
آنها سعی کردند تا خود را بصورت هسته های
چریکی متشکل سازند و در ضمن در پی تماس با
گروههای متشکل تر چریکی بودند. ضرباتی که
در طی این مدت به گروه وارد شد باعث تلاشی کامل
آن گردید. سعید و یک رفیق دیگر در اردیبهشت
۵۳ تصمیم به خروج از ایران گرفتند تا بلکه
بتوانند در خارج با تشکلات چریکی موجود تماس
بگیرند. بدین منظور سعید با تحمل مصائب
فراوان به افغانستان رفت. در آنجا پس از
مدتی بصورت یکی از کارهای گروه های
کمونیستی در آمدوفا لانه به مبارزه علیه رژیم -
دست نشاندگان سوسیال امپریالیسم روسیه در
افغانستا پرداخت در طی سالهای بعد سعید با
برخی از رفقای باقی مانده در ایران تماس
داشت و میخواست به نحوی به ایران برگردد
آخرین خبری که از او در دست است نام هاشمی
است که در آبان ۵۷ برای یکی از رفقا در ایران
فرستاده و از اینکه اوضاع ایران انقلابی شده
و "روبا هاشمی که لباس شیری پوشیده بودند اکنون
مجبور شده اند جلدروغین خود را تحت فشار رشیر -
های واقعی از دست بدهند" ابراز خوشحالی
کرده و نوید با زگشت قریب الوقوع به ایران را
داده است. ولی متاسفانه پس از آن مدت، دیگر
خبری از رفیق سعید در دست نیست. آیا او جز

از آغاز اعتلای انقلابی در ایران چه قبل از
تیم بهمن و چه پس از آن، کم نیستند خانواده
هایی که عزیزان خود را از دست داده و از دست
میدهند. این از دست رفتگان فقط محدود به
عزیزانی نمیشود که جان خود را از دست داده اند
بلکه همچنین شامل کسانی نیز میشود که دیگر به
خانه های خود برنگشته و از سر نوشت آنها خبری
نیست علاوه بر این، در دوران دیکتاتور رژیم
سلطنتی، بسیاری از جوانان انقلابی که
روابطشان با سازمانهای انقلابی برای پلیس
لورفته بود، دست به فرار از خانه میزدند. این
انقلابیون چنانچه امکان تماس با سازمانهای
چریکی را داشتند بصورت کادرهای مخفی درمی -
می آمدند ولی چنانچه امکان تماس برایشان
وجود نداشت با مشکلات بسیار روبه میشدند .

یکی از این کمونیستهای مخفی شده رفیق
سعید اخوت فوده میباشد. این رفیق از آبان
۱۳۵۲ مخفی شد و از زمستان ۱۳۵۷ تا کنون از او
خبری نیست .

رفیق سعید اخوت در سال ۱۳۲۸ در بسک
خانواده کارگری در شهر اسفهان بدنیا آمد. پدر
او که در مبارزات کارگری اسفهان بعنوان
نماینده کارگران بافنده زسابه مبارزاتی
برخوردار بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد تحت
فشار شدید ساواک قرار گرفته بود، تا شرمیمی در
سمت دادن به افکار سعید داشت. سعید از همان
سنین نوجوانی به سمت مبارزه روی آورد. او و
سایر رفقایش گروهی را در سالهای اول دهه ۵۰
وجود آوردند که بخاطر تهیه یک مقاله تحلیلی
راجع به مبارزات روستاییان یکی از دهکدهات
آذربایجان بنام "رازلیق"، بهمین نام شهرت
یافت. درون این گروه دو خط مشی متفاوت با
یکدیگر درستی بود: یکی خط مشی توده ای -
انقلابی دیگری خط مشی چریکی. عاقبت خط -
مشی دوم در اوائل سال ۵۲ در گروه غلبه کرد و

«ملاحظات کوتاه»

سابقه در صفحه ۲۶ حسین

"حسین اید" را بمعنی استفاده ما دام لعمریه احمد رضا کریمی در دستگاه "ساواک جدید" و شکنجه و زندان رژیم جمهوری اسلامی تلقی میکند خائن مزیورنه تنها در رژیم گذشته با جلادان ساواک نهایت همکاری را کرد و در آنها نفع عناصر مبارزه با ساواک بود اما در آنقدر خوشحالی کرد که جلادان ساواک را نیز به نفعی و ادانت بلکه در رژیم فعلی نیز بیس از آنکه برخلاف مسرمداران رژیم بوسیله مردم دستگیر و به زندان تحویل شدند نهایت همکاری را با مرتجعین حاکم نمود. او علیه مجاهدین و کمونیستها هر چه توانست لجن پراکنی کرد و در خدمت به اربابان جدید هر چه توانست خوشحالی نمود. او بعنوان بازجو هم در گذشته و هم در دوره اخیر فعالیت کرده و بنا قیافه یک زندانی نقش خیرچین را بازی میکند و البته در این بین از "الطاف" رژیم هم برخوردار است. او حتی اجازه داشته و دارد که "زن" اش را هم ببیند "مبادا به حرام بیفتد!"

او خائنی است که نه به حسین اید بلکه ما دام لعمریه استفاده رژیم خائن در آمده است. در این رژیم که ما هیتی سرما به داران و ضد خلقی دارد و توقعی جز این نیست که موه ذنبا و صدی ها و "جها نگیر قلعه" ها و توماچ ها و صالحی راده ها اعدا م و ترور شوند و احمد رضا کریمی "خلعت گیرد و بر صدر نشیند!" مگر نه این است که او در لوث کردن چهره مجاهدین و کمونیستها خیلی بدرد رژیم می خورد؟!

تفریحی اینان نمایش فیلم های آمریکا نسی نظیرین هورو... از طریق تلویزیون هتل ها توسط رژیم پلی انقلابی... آید.

طبق گفتیم این میهمانان، "بنیاد شهید" از پرداخت ~~ماده~~ وعده داده شده خودداری کرده و حتی یک ~~پول~~ آنان میگفت که در اثر گرم کردن "دمپا ~~شما~~ مجبور شده دوروز متوالی با برهنه به استادیوم صدها رفتاری برود تا به نفع رژیم جمهوری اسلامی شاعر بدهد.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران، زحمتکشان و توده های جنگزده "شرایط ویژه جنگی" را به رخ آنها میکشد ولی هزاران نفر را با پرداخت میلیونها تومان پول از کشورها و شهرهای مختلف در تهران گرد میاورد تا به عوا مغربیه های سردمداران رژیم گوش دهند و برای رژیم شاعر بدهند و "تکبیر" بگویند. اما این خاصه خرجی ها هم نخواهند توانست گریبان رژیم جمهوری اسلامی را از دست بحران شکننده حاکم بر جا معوم مبارزات توید بخش توده های زحمتکش نجات دهد.



"مراسم هفتمین روز شهادت رفیق محمد طهماسبی"

به مناسبت هفتمین روز شهادت رفیق بیگارگز "محمد طهماسبی" زاده که در سالگرد قیام خونین خلق بدست مزدوران رژیم شهید شد رفقای سازمان در آن مراسم برگزار کردند. رفقا در مرحله های "اسبه کلا"، "دوازده پله"، "چاکر" و "پائین با زار" با دادن شعارهای افشاگرانه و انقلابی، اعلامیه های مربوط به شهادت رفیق را بخش نمودند و یکبار دیگر جنایت رژیم مرتجع جمهوری اسلامی را بر ملا کردند، رژیمی که مسئول کشتار دهها کمونیست راستین و از جمله رفیق طهماسبی زاده است. آری! از خون شهیدان راه رهاشی طبقه کارگر جوانه های آگای سوزیدند لاله های سرخی میرویند که راه

انقلاب و راه سرخ سوسا لیس را بیروز مندانه طی خواهد کرد.

یاد رفیق محمد جاوید و راهش بیروز باد!

نامه افشاگرانه پدر پیکارگر شهید رفیق محمد طهماسبی

بِسْ اَشْهَادَتِ رَفِیقِ مُحَمَّدِ طَهْمَاسَبِی سَاسَه - راهی پاسداران سرمایه وستم، در نظر هرات ۲۲ بهمن ماه، عوامل مزدور رژیم با انتشار نامه ای قلابی و جعلی، مذبوحانه سعی شرمناک کردند که چنین وانمود کنند که گویا پدر رفیق محمد، کمونیستها و در این زردساران بیگار را مسئول شهادت فرزند خود دانسته است. جمهوری اسلامی برای سرپوش نهادن بر جنایت هولناک پاسداران آدمکش خود را از ترس

سابقه از صفحه ۳۱ **میمن پرستان** ... ماندگان مزدور رژیم وابسته به امیرالایم شاه و مزدوران باندهای سیاه اویسی و بختیاران نیز بزرگ آنان خواهند گذاشت، همچنانکه به حساب رژیم تپیکا رشا رسیدند. **کارگران و زحمتکشان مبارز!**

اخیرا اعلامیه های متعددی با امضای "س. ر. ا." که وابسته به همین دارو دسته های ارتجاعی و مزدوران امپریالیسم میباشند در میان مردم پخش شده اند. این جنایتکاران سعی میکنند با معرفی خود بعنوان "دوستان مردم به فریب توده ها بپردازند. این "میمن پرستان" دروغین که تا دیروز با تمام نیرو به سرکوب انقلابیون، کمونیستها و توده های مبارز دست میزدند، امروز

مستن نامه

بسمه تعالی

بهر خلافتش یزد و گفته ها ایضا بنویسید علی علیه السلام را که در آنجا بودید
بدر بیدار بیدار که در آنجا هرات از آنجا بنویسید، در آنجا بنویسید
استبداد پهلوی، از آنجا که ملت قهرمان را با آنجا بنویسید، با آنجا بنویسید
انقلاب استبداد را به آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
بهر ایضا آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
بهر ایضا خود بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
چهارم از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید

در روز بدر آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
پایروز با آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
روز شهادت آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید، از آنجا بنویسید
۱- انقلاب اسلامی - ۳ - تهران
شماره ۲۵ روزنامه پیکار

خشم توده های آگاه از هیچ دروغ و تهمت و افترا و حتی جعل نامه نیز خودداری نکرد، چرا که اصولا برای رژیم سرمایه داران و مفتخوران هر عملی که حسناست آنها را توجه به بنیان کند "اصولی و مکتبی" و صلاح است.

بِسْ اَشْهَادَتِ رَفِیقِ مُحَمَّدِ طَهْمَاسَبِی و تسلیحات نوع آریا پهلوی، دستگاه ها و اسلحه های رژیم، پدر رفیق محمد طهماسبی، طی نامه ای، جعل امضای خود و دروغی بودن نامه را افشا کرده و جنایتکاران مزدور رژیم را محکوم بینماید پدر رفیق با این اقدام انقلابی خود یکبار دیگر ماهیت عوام فریب و ضد مردمی جمهوری اسلامی را که از هر وسیله ای برای پنهان کردن جنایت خود استفاده می کند افشا نموده که ما در اینجا متن نامه او را عینا انتشار میدهم.

جاودان باد خاطر سرخ رفیق محمد طهماسبی! سنگ و نفرت بر رژیم عوام فریب سرمایه وستم! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

وقیحا نهدم از با صلاح دفاع از "خلق قهرمان کردستان"، "ازاد بخواهی" و مبارزه دروغین "فدا میرا لیسیم و ارتجاع" میزنند.

آری، برای به انحراف کشاندن جنبش اعتلائی توده ها علاوه بر لیسرا لاهی خائسین مزدوران و پس ماندگان رژیم پیشین نیز بدست و با افتاده اند اما چهره پلید این چائیان برای توده های زحمتکش ما آشنا است و خلقهای قهرمان ایران اجازه نفس کشیدن مجدد را به آنها نخواهند داد. توطئه های مزدوران امپریالیسم و شبکاران باندهای خائن اویسی، بختیار، بالیزمان و... را بر علیه جنبش توده ها در هم شکنیم! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

بقیه از ص ۳۲ جنگ

ایران، از نیروهای نظامی رژیم بعث، آغاز شود قبل از این نیز، ولایت پالمه، با سقریه ایران و عراق، بی سرودا، مذاکراتی را با سردمداران دورژیم انجام داده بود که ظاهراً نتایج ملموسی در جهت آغاز مذاکرات طرفین جنگ در بر نداشته بود.

علیرغم این بن بست، و علیرغم اینکه هنوز نتیجه نهایی این فعالیت های دیپلماتیک و بویژه فعالیت "هیئت صلح" روشن نشده است و به عبارتی دیگر تلاشهای دیپلماتیک جاری، بطور قطع به شکست نینجامیده است، لیکن نقش آغاز این حرکات سیاسی و دیپلماتیک نشان میدهد که طرفین جنگ علیرغم تمام مباحثه تبلیغاتی خود، در پی گشودن گره کوری که به دست خود ایجاد کرده اند، میباشند. و بدینسان مجراشی مسالمت آمیز برای پایان دادن به جنگ، به بی دردتترین شکل خود برای هر دورژیم میباشند. تا آنجا که به رژیم ایران مربوط می شود، اوضاع داخلی کشور و وضعیت رژیم در جبهه جنگ با عراق، دلایل اساسی این تمایل به اتمام جنگ را بدست میدهد. رژیم جمهوری اسلامی پس از هیا هوی تبلیغاتی در ابتدای جنگ مبنی بر آدامه جنگ تا سرنگونی صدام و "خواندن نماز در کربلا"، اکنون که پیش از پیش در بن بست تناقضات متعدد گرفتار آمده است، برده ریا کاری را به کناری میزند و در جستجوی راه حل "برومندانهای" برای پایان دادن به جنگ، مذاکراتی با "مدام کافر" را جایز می شمارد. در اینکه همه جناح های رژیم، بر سر نفس مذاکره و تمایل به خاتمه جنگ، وحدت دارند، هیچ تردیدی نیست و همه شواهد این مسئله را نشان میدهد. اما اینکه آیا این جناحها، هر دو بر سر پیش شرط های مذاکره نیز وحدت نظر دارند یا نه، شواهد ضد و نقیض نمی تواند تصویر روشنی از آن ارائه دهد. از یک سو فلاحی، قبل از ورود "هیئت مذکور" "تشنه بس کوتاه" قبل از مذاکره را تأیید می کند و متقابلاً بهزاد دنیوی در مخالفت با این گفته فلاحی، آن را رد میکند (جمهوری اسلامی ۱۳ آسفند) و از سوی دیگر سردمداران حزب جمهوری مانند خاتمی و نیز بنی صدر، در طول مذاکرات بروحدت نظر میان خود در این زمینه تا کید می کنند اما علیرغم این مسئله حداقل این نکته را میتوان گفت که لیبرالها، به زعمات بنی صدر، اصرار و تمایل بیشتری در باز کردن هر چه سریعتر باب مذاکره و پایان دادن به جنگ، از خود نشان میدهند. لیبرالها، با شطبقاتی تیز تر خود، صدای ترک برداشتن سقف نظامی حاکم را زودتر از حریف کودن خود، به گوش می شنوند.

آن دلایلی که رژیم جمهوری اسلامی را بر سر مذاکرات دیپلماتیک، در جهت اتمام جنگ ارتجاعی کنونی، به پیش میراند، بقرا رژیم نمیتوان شمرد:

کشور، و حرکت شتاب آلود آن بر سر تبحران اقتصادی - اجتماعی جامعه مهمترین دلیل و انگیزه این تمایل رژیم را توضیح میدهد. واقعیت این است که هیئت حاکمه، جز ممان محدودی در آغاز جنگ، نتوانست، از جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بسودا فزایش توهصات توده ها و تثبیت پایه های لرزان خویش بهره گیری نماید. بالعکس با عیان شدن سریع آثار و نتایج مصیبت با رجنگ بر توده های محروم، در همه ابعاد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آن، و با روشن تر شدن هر چه بیشتر ماهیت آن، جنگ به ضد خود تبدیل شد. نارضایتی توده های محروم ایران، بر اثر نتایج این جنگ ارتجاعی و فقر و فلاکت بیشتر ناشی از آن، فزونی گرفت و به نیروی محرکه جدیدی برای گسترش مبارزه آنها تبدیل شد. اکنون رژیم ضد خلقی حاکم، در میدان به وسعت سرزمین پهناور ایران، خویش را در برابر بحران سیاسی دم فزونی میباید که از بستر مبارزه اعتلا یافته توده ها برمیخیزد. جنگ، اکنون به سلاحی برفد رژیم حاکم تبدیل شده است. بنا بر این چگونه میتوان آن را ادامه داد؟

۱ - سیر روبه گسترش تضادهای درونی هیئت حاکمه دلیل دیگری است که رژیم را به سمت خاتمه سرایت جنگ میکشاند. واقعیت این است که تضادهای او جگیر درونی رژیم، اکنون به بن بست نهایی خود نزدیک میشود. این تضادها با دام زدن بیشتر بحران سیاسی جامعه، نظام سیاسی بورژوازی را دستخوش شدیدترین تکانها نموده است. این تضادها، بنا بر قرار دادن دوروش و سیاست کیفیتاً متما یز، اما ما هیئت حاکم، رژیم را به فلاحی تبدیل کرده است که از راه رفتن محروم است. هیچ عرصه ای - مگر سرکوب انقلاب - نمیتوان یافت، که یک سیاست واحد و معین از جانب مجموعه رژیم، امکان جاری شدن یافته باشد. با چنین بحرانی در درون خود، رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند، جنگی را ادامه دهد، که اکنون خود به بستری برای رشد این تضادها و بحران حکومتی، تبدیل شده است. آدامه جنگ، با تمام عوارض و آثارش، آشفتگی درونی رژیم را فزونی میدهد، نهادها و ابزارهایش را برکنده میسازد. علاوه بر این، آدامه جنگ با کیفیت موجود، بیش از پیش ارگانهای نظامی رژیم، بویژه ارتش را متلاشی میکند و رژیم را از مهمترین تکیه گاههایش محروم میسازد. سیمای کنونی ارتش، هم در جبهه جنگ و هم در درون خود بروشنی میتواند بیانگر این آشفتگی و سیاسی رقی باشد.

۲ - سیمای جنگ در وضعیت کنونی پس از ۶ ماه درگیری بروشنی نشان میدهد که راه حل نظامی برای دورژیم، بویژه برای رژیم جمهوری اسلامی، بمنظور بازپس گرفتن امتیازات از دست داده در طول جنگ، به بن بست رسیده است جنگ هم اکنون به صورت فرسایشی

در آمده و در یک رکود نسبی فرورفته است هیچک از طرفین قادر به هیچگونه ابتکار عمل نظامی، در جهت تغییر توازن کنونی بنفع خود نمیباشند؛ بعلاوه اینکه وضعیت نظامی رژیم ایران بسیار نابسامان تر از وضع نظامی عراق است این برتری نظامی را صرف نظر از برخورداری ارتش رژیم بعث از انسجام بیشتر نسبت به ارتش رژیم ایران، با ید در امکانات تجهیزاتی و تعداد رگاتی نظامی رژیم عراق نسبت به رژیم ایران، جستجو نمود. رژیم عراق برای تهیه این امکانات، از شرایط بین المللی مساعدتری نسبت به رژیم ایران برخوردار است. در چنین شرایطی است که طرفین جنگ، با آگاهی به بن بست راه حل نظامی بتدریج به راه حل سیاسی از طریق مذاکره روی میآورند.

اما رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم تمام مساویمات فوق، مواضعی را نیز سررا و گناییش باب مذاکره میبیند. مواضعی که اکنون او را در بن بست تناقض آفرینی گرفتار ساخته است رژیم از یک سو در برابر افکار عمومی مردم ایران قرار داده که هرگونه سازش وی را از موضع ضعیف - تر با رژیم عراق بس از آن همه ها هوی تبلیغاتی مبنی بر عدم سازش "اسلام با کفر"، دشوار میسازد. و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی در برابر موضع برتر نظامی و سیاسی عراق قرار گرفته است که هرگونه مذاکره ای را با حفظ وضع موجود، لزوماً به زیان رژیم ایران تمام خواهد کرد. سرسختی رژیم عراق در عدم خروج از مناطق جنوب و غرب قبل از آتش بس و مذاکره مانع است که تلاشهای رژیم را برای آغاز مذاکرات به شکست میکشاند. رژیم بخوبی میداند که رفتن به پای میز مذاکره با وضع موجود، به معنای رسوایی سیاسی کامل وی در افکار عمومی مردم ایران خواهد بود. و این بزرگترین مشکلی است که رژیم جمهوری اسلامی در پیش روی خود میبیند. بدین ترتیب نمیتوان تصویر روشنی از آینده جنگ را کشید. و نیز نمیتوان سرنوشت بن بست را که در برابر جنگ ارتجاعی ایران و عراق پدید آمده است، از هم اکنون پیش بینی نمود، اما یک نکته را میتوان مورد تاکید قرار داد، که هر راه حلی برای جنگ کنونی، چه راه حل نظامی و چه راه حل سیاسی، برای رژیم جمهوری اسلامی امتیازی در برابر نخواهد داشت و برعکس بر ایجاد بحران درونی آن خواهد افزود و تا ثیرات مشخص به زیان بورژوازی حاکم در مناسبات میان توده ها و رژیم جمهوری اسلامی خواهد گذاشت. آدامه جنگ بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را تشدید خواهد کرد و جنبش توده ها را بیش از پیش به خلخول خواهدراند. مذاکره صلح در شرایط موجود، نقطه پایانی بر تمام عوام - فریبی های رژیم در ذهن توده های خواهد بود. که با راضی این جنگ فلاکت بار ارتش ما تمام بردوش خود حمل نمودند آنچه که در این میان برای کمونیست ها مهم است، این است که نمی



حور سرج کمونیستهای پیکارگر شهیدند، سنانه میناوی مابر ادامه مبارزه تا پیروزی طبقه کارگر تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و تا پیروزی سوسیالیسم

- ۱۹- رفیق نگرالدانشیار (تبریزبان - در نتیجه فداگری در جریان جنگ - خوزستان ۵۹/۷/۲۷)
- ۲۰- رفیق بیشرکه سمورحسیانی (۵۹/۷/۲۷ - کردستان)
- ۲۱- رفیق منوچهر نیک اندام (تبریزبان - در نتیجه فداگری در جریان جنگ ۵۹/۸/۳ - آغا جاری)
- ۲۲- رفیق محمد اشرفی (تبریزبان - در نتیجه فداگری در جریان جنگ ۵۹/۸/۳ - آغا جاری)
- ۲۳- رفیق حمید رحمانیور (حین انجام وظیفه در جریان جنگ - ۵۹/۸/۶ خوزستان)
- ۲۴- رفیق حسین نورائی (در جریان جنگ در خوزستان - ۵۹/۸/۷)
- ۲۵- رفیق بهرام شاهورانی (در جریان جنگ خوزستان - آبان - ۵۹)
- ۲۶- رفیق غلامسقا (در جریان جنگ در خوزستان - ۵۹/۸/۱۰)
- ۲۷- رفیق بیشرکه صادق بیمنی (۵۹/۱۰/۱۷ - کردستان)
- ۲۸- رفیق محمود صمدی (در نتیجه فداگری در بین آوارگان جنگ ماهتهر - تبریزبان ۵۹/۱۱/۱۳)
- ۲۹- رفیق محمد طهماسب زاده راد (در سالگرد قیام بهمن - آمل - ۵۹/۱۱/۲۲)
- ۳۰- رفیق محمود (رضا) ابلاغیان (شهید بدست حزب خائن "دمکرات" کردستان - ۵۹/۱۲/۷ - بوکان)
- ۳۱- رفیق بیشرکه طاهرا برایهمی (شهید بدست حزب خائن "دمکرات" کردستان - ۵۹/۱۲/۷ - بوکان)
- ۳۲- رفیق بیشرکه باقی خیاط (شهید بدست حزب خائن "دمکرات" کردستان - ۵۹/۱۲/۷ - بوکان)

- ۱- رفیق داریوش مابر شهید قیام بهمن (۵۷/۱۱/۲۲ - نیران) آرکروه "مبارزان راه آزادی" کارگر که در سال ۵۸ به سازمان بیوست.
- ۲- رفیق رضا براتوند شهید بدست اوبانان ارتجاع (۵۸/۴/۲۱ - در لالی مسجد سلیمان) از "خوانان مبارزان" که بعد از سازمان بیوست.
- ۳- رفیق جهانگیر بیور باقرانی (۵۸/۱۲/۲۵ - در حین انجام وظیفه - حاده نم)
- ۴- رفیق حجت الله خوس کفا دانش آموز هوادار (۵۸/۱۲/۲۵ - در اندیمک)
- ۵- رفیق میناوی مابر شهید "فدایان انقلاب فرهنگی" (۵۹/۲/۴ - در اهواز)
- ۶- رفیق بیشرکه کاک عبدالکریم سربتی (۵۹/۲/۶ - کردستان)
- ۷- رفیق بیشرکه جمالدین شیخی (۵۹/۲/۱۱ - کردستان)
- ۸- رفیق احمد مودن شهید "فدایان انقلاب فرهنگی" (تبریزبان ۵۹/۲/۱۲ - در اهواز)
- ۹- رفیق بیشرکه حسن فقیر (امیر) (۵۹/۲/۱۷ - کردستان)
- ۱۰- رفیق بیشرکه مسعود ستایش (۵۹/۳/۱۷ - کردستان)
- ۱۱- رفیق بیشرکه کاک عطا طاطائی (۵۹/۳/۲۵ - کردستان)
- ۱۲- رفیق محمود مسعودی (شهادت در حین انجام وظیفه در ماه ۱۳۵۹ - با سوچ)
- ۱۳- رفیق مهدی علوی سونتری شهید "فدایان انقلاب فرهنگی" (تبریزبان ۵۹/۴/۶ - اهواز)
- ۱۴- رفیق مسعود مالچی راد (نور بدست عمال ارتجاع - در تبریز ۵۹/۵/۱۳)
- ۱۵- رفیق طیب نجم الدینی (نور بدست عمال ارتجاع - در تبریز ۵۹/۵/۱۳)
- ۱۶- رفیق مسلم خلیج (شهادت در حین انجام وظیفه مرداد ۵۹ - تهران)
- ۱۷- رفیق بیشرکه عطا الله سرازنده (۵۹/۷/۱۲ - کردستان)
- ۱۸- رفیق مالک عیاب عباسی (رحمی در آخر ماه اردیبهشت عراق در اهواز ۵۹/۷/۲۱ - روز شهادت معلوم نیست)

به کمونیستهای پیکارگری که در راه آزادی طبقه کارگران باختند!

صدای شما، فریاد تاریخ است!

در صبحگاه خونین در خون کشیده است.
اما چه بک؟
این خون، خون مرگ نیست!
این خون، خون روشنیدن!
خون تکوفائی!
خونی برای انقلاب کبیر است!

دشمن بخون کشید
آن عاشقان فردا را
و خون عاشقانه آنان
بر ما سرود خوانند:
با خون عاشقانه ما همیشه بخوانید
سرود خونین انقلاب!
سرود سوسیالیسم!
سرود عاشقانه کمونیسم!
با خون عاشقانه ما همیشه بخوانید!

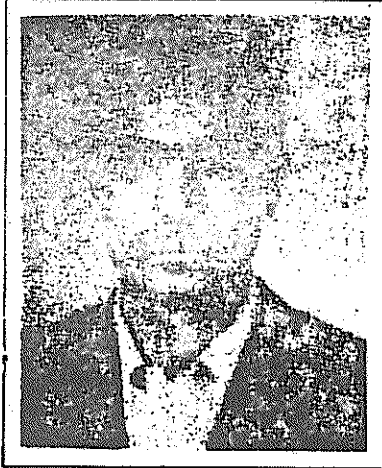
۲۵ اسفند ۵۹
(ک)

وقتی که استوار میبیرید،
وقتی که کینه های رساتان
مدای استوار تاریخ است،
قدر دشمن زبون و حقیر است
وقتی که میکوشند صدای شما را به گور بسارند،
صدای شما فریاد میلیونهاست
صدای شما فریاد دکار و زحمت
صدای شما فریاد کمونیسم است.
و آیا مگر فریاد تاریخ میبرد؟
★
دشمن چه دشمنانه
خورشیدهای سرخ خلق را

دشمن بخون کشید
آن سینه های ستر
آن قلبهای مهربان
آن عاشقان راه سرخ فردا را.
دشمن بخون کشید
تکه های قلب مرا که در زمین اسارت خواندند
سرود سرخ شهادت را.
★
ای قلبهای متیک خونین
ای قلبهای اعدای
کاو از هایتان سرود سرخ رهائی است،
قدر دشمن زبون و حقیر است

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

به یاد رفیق کمونیست جهانگیر پوربافرانی



رفیق جهانگیر در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در روستای بافران از توابع نائین متولد شد. ز سال ۴۹ در دانشکده های علم و صنعت و فنی به تحصیل پرداخت در سال ۵۴ ماریکسیم - لنینیسم را پذیرا شد. در جریان کارش تماس نزدیکی با کارگران معدن برقرار کرد و بصورت انحصاری فعال، تمام زندگی خود را در خدمت مبارزه طبقاتی قرار داد. به موازات او جگر مبارزات توده ای و در جریان شرکت فعال در مبارزه توده ها با ماسی چریکی مرز بندی کرد. در آبان ۵۸ به عنوان هوادار به سنگر سازمان بیکار دزد راه آزادی طبقه کارگری بویست بدلیل ایمان راسخ به آرمان بیرولتاریا و علاقه و اشتیاق به بیکار و خلافت فراوان در اندک مدتی به مسئول آموزشی و سیاسی یکی از شهرستانهای استان کرمان ارتقا یافت. رفیق جهانگیر در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۵ طی تصادفات اوتومبیل به شهادت رسید.

خاطره بر شکوه یاران شهید، رفقای بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق را گرامی میگذاریم

اردیبهشت:
رفقا هادی فرجادپزشک (درگیری ۵۵/۲/۱۲) فاطمه (طاهره) میرزا جعفر علاف، جمال شریفزاده - شیرازی و مهدی موسوی قمی (۱۳۵۵، در درگیری مسلحانه با مزدوران شاه) و مصطفی آفریده (۱۳۵۶/۲/۲۴) زیر شکنجه جلادان رژیم شاه

تیر:
رفیق غلامحسین صاحب اختیاری (۵۵/۴/۲) زیر شکنجه جلادان رژیم شاه

مرداد:
رفقا علی اصغر دوس و محمد صادق کفاش - تهرانی (در درگیری - ۱۳۵۴/۴/۴)

شهریور:
رفقا رفعت افراز (۵۴/۶/۶)، شهادت در عمان (حسن آلدیوش (۵۵/۶/۱۱) در درگیری با مزدوران رژیم شاه)

مهر:
رفقا نرگس فجر عدا نلو (۵۵/۷/۱۰) زیر شکنجه دوخیمان ساواک (سیمین جریبی (درگیری - ۵۵/۷/۲۵) و محمد رضا آخوندی (۱۳۵۶/۷/۲۵) - تیر - یاران)

آبان:
رفقا محمد حاج شفیعی (آبان ۱۳۵۵ در درگیری) و بهرام آرام (۵۵/۸/۲۵) در درگیری

آذر:
رفقا ابراهیم دور (۱۳۵۴) زیر شکنجه، هاشم و شوق بور (۵۴/۹/۳۰) زیر شکنجه -

تفنگچی (دستگیری ۵۵/۹/۱۵) زیر شکنجه (حسن - سبحان اللیثی (۵۴/۹/۲۴) زیر شکنجه) صادق فرد - لغوی (۵۵/۹/۱۴) زیر شکنجه) اکرم صادق بور (۱۳۵۵) در درگیری (فاطمه فرتوک زاده (نیمه آذر - ۱۳۵۴)، احمد صادق قهاره (دستگیری نیمه آذر ۱۳۵۶، شهادت زیر شکنجه ۱۳۵۷)، حوریه محسنان (۵۵/۹/۲۸) در درگیری) و محبوبه افراز (نیمه آذر ۵۷ خارج از کشور).

۴۰ روز از تیرباران رفیق شهید محمود صمدی میگذرد

۲۳ اسفندماه، جهلم شهادت رفیق بیکار رگر محمود صمدی است. رفیق محمود بخاطر عشق به آرمان رهائی بخش طبقه کارگر و دفاع از استقلال و آزادی هرگز از مبارزه در میان زحمتکشان آوار و ره جنگ پس از چند هفته با بداری و مقاومت در زیر شکنجه های مدعیان "عدل"، در روز ۱۳ بهمن ۵۹ بدست مزدوران ارتجاع تیرباران شد. رفیق محمود نمونه بارز یک کمونیست انقلابی بود که با درک مبانی ماریکسیم لنینیسم در جهت پیوند با طبقه کارگری بیکار و کرد و برای زندگی سعادتمند و زحمتکشان در فردای پس از انقلاب زندگی خود را هدیه کرد. زندگی کوتاه او سرشار از مبارزه

پیست هفتمین سالگرد شهادت کریم پور شیرازی

۲۶ اسفندماه ۱۳۳۲ روزنامه کارمبارز کریم پور شیرازی مدیر روزنامه "شورش" به دستور اشراف بهلولی هر زهد در باره در زندان قصر تهران به آتش کشیده شد. مرتجعین دربار بهلولی و مزدوران امپریالیسم برای بنده - کساری و سرخوش از شکست جنبش خلق در کودتای ۲۸ مرداد، از این روزنامه کارمبارز و آزادیخواه برای روشن کردن آتش "شورش" جهان رشنه سوری "خودا" استفاده کرده و در دنا ت و رزالت طبقه ای خود را بیکار و دیگرانشان دادند. یادش گرامی باد!

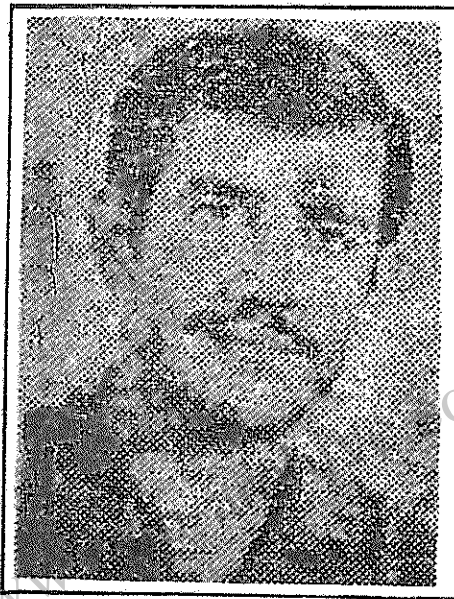
بخاطر آزادی و استقلال توده های تحت ستم و نرد در راه برتری انقلاب و سوسیالیسم بود. رفیق محمود به این حقیقت زیبا که تنها بزرگ برجم سرخ کمونیستها و تحت رهبری تاربخ از طبقه کارگر میتوان و با بنده انقلاب را به پیش برد و به بروزی رساند. ایمان داشت و در راه تحقق این آرمان بزرگ مرگ سرخ را نپذیرا گشت. یادش گرامی و راهش جاوید باد!

تصحیح: در یادنامه های رفیق صمدی، وی به تندرست نما بیننده آوارگان ما شهر معرفی شده بود که بدینوسیله تصحیح میشود. رفیق به کارآگاه هرگاه در میان آوارگان جنگ میبدراخت

خاطره رفیق حمید مؤمنی، ★

تئورسین بو جسته جنبش نوین کمونیستی ایران همیشه زنده است.

خاتمین روزیونیمست اکثریت، چگونه بخود جرات میدهند، یکی از هیئت‌آزان نبرد علیه روزیونیمست خروشجفی و پیشگان اعتقاد به احیای سرمایه داری در شوروی را بخود منتسب نمایند.



خاتمین روزیونیمست اکثریت، چگونه به خود جرات میدهند یکی از پیشاران نبرد علیه روزیونیمست خروشجفی و پیشگان اعتقاد به احیای سرمایه داری در شوروی را بخود منتسب نمایند؟

رفیق حمید مؤمنی، تئورسین برجسته جنبش نوین کمونیستی ایران و از اعضای برجسته سازمان جریکهای فدائی خلق در اسفند ۵۴ توسط رژیم شاه خاتمین دستگیر و در زندانهای دژ خندان عاری از مهر جلادیه شهادت رسید، اگر امید داشت خاتمین سرخ رفیق مؤمنی با رکارگران و زحمتکشان ایران نمی سواند بدون ذکری از ایدئولوژی رفیق مومنی باشد و واقعاً قدم از بزرگداشت رفیق مومنی بزرگداشت آن جنبه های سیاسی و انقلابی از ایدئولوژی اوست، در حالیکه روزیونیمستها ابورتونیستها، یعنی بورژوازی و خرده بورژوازی درون جنبش کارگری خاتمین نیست نام انقلابیون بزرگ خود را بنشان میکنند، از آنها نام میبرند آنها را می ستایند و... بی آنکه ذکری از اعتقادات آنها بیاورند، این خاتمین میکوشند از انقلابیون بزرگ بیتی بی زبانی بسازند و آنگاه اعتقادات انقلابی آنها را از مضمون انقلابی تهی ساخته میبندند، آنها برای فریب داده ها این انقلابیون را به خود منتسب میکنند، اما هرگز جرات ندارند، گوشه ای از اعتقادات آنها را برای توده ها با زگوینمایند آنها در حقیقت دشمنان طبقه ای این انقلابیون هستند آنها دشمنان اعتقادات و ایدئولوژی این انقلابیون که آنها خاتمین را در راه آن ایدئولوژی جان باختند هستند، روزیونیمستهای خاتمین اکثریت بخود جرات داده و رفیق مومنی را شهید خود اعلام کرده اند این خاتمین اگر جرات دارند، گوشه ای از مبارزات رفیق مومنی را بر علیه روزیونیمست خروشجفی منعکس سازند آنها که اکنون خود مبلغ روزیونیمست خروشجفی هستند چگونه میتوانند رفیق را بخود منتسب سازند که از پیشگان مان طرح احیای سرمایه داری در شوروی، در جنبش کمونیستی ایران بسود خاتمین اکثریت مزورانه در حالیکه کمونیستها که در حین مرزبندی با روزیونیمست جهان با روزیونیمست خروشجفی و سوسال امیرالیم

روزیونیمست را بورژوازی ارزیابی میکند، او میگوید:

روزیونیمست در جامعه شوروی، ایدئولوژی یک بورژوازی مدرن است که از رشد بقایای بورژوازی در درون نظام سوسیالیستی بوجود می آید و علت پیدایش آن رکود و توقف مبارزه طبقه ای است، این بورژوازی به شکل یک قشر ممتاز از روشنگران (بوروکراتها، تکنوکراتها، هنرمندان دانشمندان و غیره) به اضافه تولیدکنندگان قاجاق و سوء استفاده جی ها در دستگاه اداری حزب و جامعه هر میشود، رشد میکند و سبب بازگشت سرمایه داری میگردد. (کتاب چهار ساله از رفیق مومنی، مقاله ملاحظاتی "درباره ای انقلاب" ص ۲۶) نه تنها رفیق مومنی در این کتاب به افشای نام عیار روزیونیمست خروشجفی می پردازد، بلکه به احیای سرمایه داری در شوروی می پردازد و میگوید:

"احیای بورژوازی در جامعه سوسیالیستی از نظر کل جامعه ناشی از پیروزی بورژوازی بر پرولتاریا و از نظر خود پرولتاریا و حزب او ناشی از نا هوشیاری دیکتاتور پرولتاریا و در نتیجه اعمال در اشکال مختلف مبارزه طبقه ای است" (همانجا)

رفیق مومنی در این کتاب بیان میکند که در دوران سوسیالیسم، سرمایه داری از قدرت سرنگون میشود اما تا بودن میگرد و دورانی طولانی و مبارزه ای سر سخت برای نابودی آن لازم است و در غیر این صورت سرمایه داری احیاء میگردد، رفیق مومنی بورژوازی را به چهار شکل در دوران سوسیالیسم نشان میدهد:

"۱ - تولیدکنندگان کوچک، ۲ - بنکها و تعاونیهایی تولید (که در آن عده ای دهقان یا پیشه ور بعنوان بقایای بورژوازی وجود دارند) ۳ - قشر ممتاز (که بقول رفیق مومنی خطرناک ترین عناصر سرمایه داری هستند) اینها بوروکراتها و تکنوکراتها هستند که چون حزب و دولت را در اختیار دارند و میتوانند با افزایش حقوق و امتیازات خویش سوسیالیسم را آرام و به تدریج به کاپیتالیسم دولتی تبدیل کنند و بورژوازی بوروکراتیک خلق را از طریق حقوقها و امتیازات عالی خویش استعمار نمایند. ۴ - دزدان و سوء استفاده جیان که در نتیجه تسلط قشر ممتاز بر اداره امور حزب و دولت و تضعیف و نابود ساختن سازمانها و پرولتاریا بوجود آمدند و بدینال خویش دزدی، رشوه گیری، سوء استفاده از اموال دولتی و... بهر صورت شکل جدیدی از بورژوازی بوجود می آورند."

رفیق مومنی می افزاید که "بورژوازی در صورتی که بوسیله پرولتاریا درهم کوبیده نشود و بر حزب و دولت تسلط یابد، در سیاست خارجی این دولت شروع به بدویست با امپریالیستها

روس مرزبندی دارند، کینه دشمنی میورزند و با بیای جمهوری اسلامی در سرکوب آنها شرکت میکنند و در حالیکه نام از رفیق مومنی میآورند بزرگترین خیانتها را به راه مومنی انجام داده و حتی بخود جرات میدهند، همفکران و پیروان راهی که مومنی از هیئت آزان آن بود را ضد انقلاب و حتی وابسته به بیگانه میخوانند، آری خاتمین اکثریت کاسیکارانه چون کرکسی از شهید و امثال سود میجویند و در همان راه پیمال میکنند.

بدین ترتیب لازم است خلقهای اینسرا ن بداندند رفیق مومنی و دهها همزمین لاورش که در سازمان جریکهای فدائی خلق تا قبل از غلبه مئی جزئی در سال ۵۵ در سازمان فدائیان می رزمیدند چگونه می اندیشیدند و با کدام ایدئولوژی مبارزه میکردند.

رفیق مومنی از هیئت آزان اعلام و افشای

احیای سرمایه داری در شوروی،

مبارزه با تزه جهان و افشاگر تروتسکیسم

رفیق مومنی نیز مانند رفقا احمدزاده و نابدیل و... دارای مرزبندی قاطعی با روزیونیمست خروشجفی است و بخصوص علیه نظرات بخشش ناپیکر جنبش کمونیستی کنونی ایران ماهیت

میهن پرستان دروغین و مزدوران امپریالیسم را افشا کنیم

با اوگیری مبارزات توده‌های زحمتکش بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم، پس مانده‌های مزدور رژیم تا هشتا می و مرتجعین وابسته به‌ها رودسته‌بخیا رخا شن برای سوء - استفاده از نا رضا پتی توده‌ها نسبت به رژیم حاکم و به انحراف کشا نیدن مبارزات زحمتکشان به تلاشهای مذبحو جان خودافزوده اند. مزدوران دا رودسته‌های خا شن اویسی جلا دویخنا رسا استفاده از انا گنا تکی که امپریالیستیهای غرب برایشان فرا هم مینما بندوبا سودجوئی از تبلیغات فریبا رانه را دیوهای وابسته به امپریالیسم به توطئه علیه انقلاب خلقهای ایران مبردا زند. این مرتجعین سلطنت طلب کسد دستان تنیبا رشان به خون دهها هزار شهید راه آزادی واستقلال ایران رنگین است. مزدوران خیا ل میکنندکه خلقهای میا رزایران جنایت - ها و خیانت های بیشمار آنان را فرا موش کرده - اند. آنان با گذشت ۲ سال از سرنگونی رژیم منفورشا و برقراری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مذبحو جان کوشش مینما یندکه با فریب کاری و تبلیغات خا شنانه و سزک کردن چهره‌های حنا بینکا رخویش در میان مردم رخنه کنند.

این واقعیتی است که توده‌های زحمتکش در ادا مه مبارزات شکوهمند خود بدرستی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و به مبارزه برمیخیزند ولی این نیز واقعیت است که زحمتکشان ما هرگز جنایات رژیم شاه و مزدورانش را فراموش نمی کنند و در کنار مبارزه انقلابی بر علیه جمهوری اسلامی حساب باز -

بقیه در صفحه ۲۵

جنگ...

بقیه از صفحه ۲۲
توانند از شکست بورژوازی "خودی" به وجد نیایند و صدای گامهای انقلاب را با طنین بیشتر احساس نکنند. اما تنها در کمونیست ها چنین احساس نسبت به سرنگشت یک جنگ ارتجاعی بر انگیزخته خواهد شد. رویزیونیست ها و ایورتو - نیستها بدون شک همصدا با بورژوازی، با ظهور چنین شکستی، اشک خواهند ریخت و زوزه خواهند داد

مینگارد.
رفیق علاوه بر مرزبندی با انواع رنگا رنگ رویزیونیسم به افتای تروتسکیسم - اندولوژی خا شنانه بورژوازی بردا خسه و در مقابل شبه تروتسکیستهای وطنی (وحسدت کمونیستی کنونی) به دفاع از رفیق استالین بردا خته و در همین کتاب جها رساله‌ها تان میدهد که رویزیونیسم خروشجفی و تروتسکیسم در حمله به رفیق استالین کدا مینا ستیهای ارتجاعی را دنبال میکنند. در ضمن رفیق مومنی با برخی از انحرافات رفیق استالین سیز مرزبندی می - نماید.

اگرچه رفیق مومنی از بسیاری جهات در جنبش کمونیستی ایران پیشرو است، اما متاسفانه دارای انحرافات نه چندان کوچک است. رفیق مومنی آلوده به مشی غیرولتری جریکی است و در همین کتاب جها رساله‌ها آن کمونیستهای که شعار ریش بسوی ایجا د حزب کمونیست را مطرح میکنند مخالفت میکنند.

رفیق مومنی علیرغم تمامی دستاوردهای درخشانش در مبارزه علیه رویزیونیسم، دچار انحرافات آنارشیستی است و این انحرافات نه تنها موجب میشود که در ایجا دمف مستقر - پرولتاریا خلل وارد آید، بلکه حتی ز برای تقویت بعدی رویزیونیسم در درون جنبش کمونیستی او ز جمله سا زمان جریکها فرا هم مینماید. این انحرافات به مشی بسیار آلوده تر جزئی که شیدا متما یل به رویزیونیسم خروشجفی است امکان میدهد که یک دوران سراسر زحمتکشان فدائیان سوار شود و پس از آن نیز با تعمیق رویزیونیسم در درون فدائیان بخش اعظم این سا زمان به منجذاب رویزیونیسم در غلط.

با اینهمه خاطر رفیق مومنی بعنوان یک تئورسین برجسته جنبش کمونیستی همیشه زنده است. آثار با ارزش او نه تنها در مبارزه علیه رویزیونیسم خروشجفی بیشتا زاست، بلکه آثاری که وی به زبان ساده برای کارگران در زمینه تاریخ و مبارزات ایسمتاریخی نگاشته است (با مضای مستعارم، سیدسرخ) در این زمینه نیز کم نظیر میباشد خاطر رفیق مومنی را با نیردی بیگمیر بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و سرمایه داری و با افشای کامل رویزیونیسم، دشمن مومنی و مومنی ها، گرامی داریم.

پن بست...

بقیه از صفحه ۳۲
میدهد به وبه حاضرین اعلام میکند که شما هم با بستیدن هم تا آخر خواهام بستاد! (روزنامه - انقلاب اسلامی، دوشنبه ۱۸ اسفند).
با این وصف، میتوان دریافت که دور جدید درگیری درونی رژیم، که از گذشته‌ها آغاز شده است، نه تنها فروکش نخواهد کرد، بلکه روبه فزونی خواهد گذاشت اینک سیر این تبادها و درگیریها سراسر آنجا مبه کجا خواهد انجا مید، از پیش قابل پیش بینی نیست، لیکن آنچه که از موضوع

←
و قربانی کردن منافع خلق‌ها می - بردا زد و در داخل نیز روز بروز تراش زنگینی اشرفی تری برای خود فراهم میسازند و زمینه را برای احیای کامل سرمایه داری آماده می - نمایند... با این حیاب روشن است که چه خطر عظیمی از جانب بورژوازی بوروکراتیک کشور - های سوسیالیستی، نظام سوسیالیستی آنان را تهدید میکند. خطری که توده‌های از بندرستان این کشورها را میتواند بدون مقاومت، آرام آرام تبا ه سا زد و دوبا ربه د سرمایه داری بیندازد، همانگونه که شرکت در منافع استعماری بورژوازی خودی پرولتاریای انقلابی اروپا را تبا ه سا خت و لیبیکخت ها، روزا لوکزا مبورگها را از دور خارج نمود. (ص ۷۸ تا ۸۰ کتاب) رفیق مومنی در اثر دیگریش "شورش نه، تدمیهای سنجیده در راه انقلاب" در مورد عملکرد رویزیونیسم خروشجفی در شوروی چنین میگوید:

"رویزیونیسم جدید... در دنا روبا - سود سوسیالیسم را آهسته آهسته میخورد و میوشاند و آنرا کم کم به سوسیال امپریالیسم تبدیل میکند که طبعاً به نیروهای انقلابی کشورهای دیگر هم فقط به صورت یک آلت دست خواهد نگرست و برای معالنه و بندوبست از آنها استفاده خواهد کرد" (تا کیدا زما ست ص ۱۴۵ کتاب)
آری خلقهای قهرمان ایران با بیدار شدن خا شنین اکثریت برخون جه دلورانی تکیه زده - اند و جانبا زبهای کدام رفتار و شیقه شهرت و اعتبار خود میخواهند قرار بدهند، کسانیکه صحبت از احیای سرمایه داری در شوروی میکنند، از حاکمیت رویزیونیسم بر حزب و بورژوازی دولتی بردولت شوروی میکنند و میگویند شوروی کم کم به سوسیال امپریالیسم تبدیل میگردد.

آری اینست ایدئولوژی فدائیان خلیق پیش از حاکمیت مشی لیبرال - ناردنیکی جزئی در سال ۵۵. تمام کسانی که اکنون می - کوشند تا گذشته را بخورند و کاسیبا رانه برخون ش ج فلاورین سا زمان تکیه بزنند، باید در دایل این - نت قرار بگیرند، که تبعیت از شوروی و تا شیر گرفتن از رویزیونیسم خروشجفی خیانت به آرمان شهیدان است و جنبش کسانی هرگز حق ندارند، آن دلاوران را بخود منتسب سازند.

رفیق مومنی تنها به مرزبندی قاطع با رویزیونیسم خروشجفی و شوروی نمی بردا زد، بلکه از پیشروان کمونیست حتی در سطح جهانی است که با تزارتجاعی سه چان مرزبندی میکند رفیق مومنی در اوائل طرح این تزارتجاعی یعنی در سال ۱۳۵۲، گرایش بر است در حزب کمونیست چین را افشا میکند و این انحراف را که موجب حرکت بسوی امپریالیسم آمریکا است محکوم میسازد. اثر برجسته رفیق، گرایش بر است در سیاست خارجی جمهوری خلق چین در حقیقت از اولین آثاری است که جنبش کمونیستی حتی در سطح جهان بر علیه تزارتجاعی سه چان

منافع انقلاب میتوان اظهار کرد این است که تشدید این تعارضات، بطور کلی از توان و نیروی بورژوازی حاکم در سرکوب انقلاب میکاهد و با ایجا دشتت در صفوف آن، امکان سرکوب متمرکز را از رژیم سلب میکند و در این میان جنبش توده - ها شرایط مساعدی را برای گسترش و تعمیق خود مینماید. نیروهای آکا دویبزه کمونیست ها میتوانند این آشفتنکی در قدرت سیاسی را به بستری برای رشد و تعمیق مبارزات توده‌ها، گسترش فعالیت خود جهت کاراکا هرگانه در میان توده‌ها و تا مین بسوند خود با آنها تبدیل کنند.

بن بست تضادهای درونی رژیم و تعرض نوین لبرالها

حادثه روز پنجشنبه ۱۳ اسفند در دانشگاه
نجران را میتوان نقطه عطفی در رشد فسادهای
درونی رژیم و نهادهای حاکم لبرالی در عرصه قدرت به
شمار آورد. در این روز بی مدیران خنثی
عوامفریبانه و حرکات افشاکریهای "حورا" و
خودیر علیه جناح رقیب با حاد شدن رادیکالیتهای
دوجناح رژیم و جنگ قدرت لبرالها با حسیاس
دیگرا آغاز نمود.

با این حادثه و عوارض و آثار سیاسی
آن در درون هیئت حاکمه از یکسو و کل جامعه از
سوی دیگر، اکنون با قطعیت بیشتری میتوان
برای نکتههای فشرده درگیریهای درونی
هیئت حاکمه به بن بست نهائی خود نزدیک
و نیز جناحهای رقیب در جهت حذف یکدیگر از
قدرت حرکت میکنند. پس از این حادثه، موج
تسلیماتی طرفین سرعلیه یکدیگر چنان بسا
گرفته است که دیگر آشکارا طرف مقابل را مورد
حمله قرار میدهند، روزنامهآرکان علنیاً
بنی صدر را "فدائقلابی" خطاب میکند و او را کسی
میداند که اکنون عملاً در محور "فدائقلاب" قرار
گرفته است بنی صدر نیز علناً "حزب" را "گروهی"
می داند که "ستون فقراتش" را جماعتی تشکیل
میدهد، دوجناح اکنون این چنین بر صورت
یکدیگر بیخه میکنند و در برابر هم صف آرا گسی
کرده اند. از تمام ابزارها بر علیه یکدیگر سود
میجویند و هر یک مطابق وضعیت خویش وسیله
خاصی را برای عوامفریبی به نفع خود پویه زبان
جناح رقیب در دست گرفته است.

واقعیت این است که در حادثه پنجشنبه
برای اولین بار دستههای جماعتی از حزب جمهوری
اسلامی، ابتکاراً عمل را در محله جماعتی از
دست دادند و بوسیله کسانی که در سخنرانی گسرد
آمده بودند، تحت فرمان بنی صدر شروع کردند
و مورد ضرب و شتم متقابل در عین حال وسیع قرار
گرفتند. این مسئله، وسیلهای بدست "حزب"
داد تا با مظلوم نمایی بی مانندی "جماعتی"
را محکوم کند و بر "ظلمی" که بر هواداران سازمان
یافته جماعتی را در حقش مرتکب خوانی کند. حزب
جمهوری اسلامی که "ستون فقراتش" را جماعتی
و دستههای تروریستیک تشکیل میدهد، پس از
۲ سال یکتازی در عرصه جماعتی و بدخاک و
خون کشاندن نظایرات، مراسم و ماشهای
سروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست
و حتی اخلال در مراسم ویرانههای لبرالهای

یادداشتهای سیاسی هفته

فدائقلابی، با کارنامه سیاسی از کشتار شرور و
شکنجه و... اکنون که این چنین به ورگمگستگی
کشانده شده است، رباکارانند به تکفیر جماعتی قدرتی
می بردارد و از "سنی" که در روز پنجشنبه سر
آمان وارد شده است، ناله مینماید. متقابلاً
لبرالها، این عوامفریبان رباکار، میکوشند
تا با بنیان شدن در پیش تمایلات دموکراتیک
توده های مردم، لبرالیسم مان تپه و وضد
انقلابی خویش را رنگ و جلاد هند و دستهای خون -
آلود خویش را بسپارند، دستهای که بیسه
همراه جناح دیگر در چهارچوب کل رژیم، در طول
این دو سال، کارگران و زحمتکشان را سرکوب
کرده و حلق کرده اند با خاک و خون کشیده و کمونیستها
و انقلابیون را تیرباران نموده است. لبرالها
در همه این موارد، نه تنها هیچ سخن اعتراضی -
آمیزی به لب نیاورده اند، بلکه خود مستقیماً در
آن دست داشته اند. آزادی دلخواه لبرالها،
نه آزادیهای دموکراتیک سرای توده های تحت -
ستم، بلکه به کف آوردن سهم بیشتر از قدرت
سیاسی، گرفتن مهار قدرت و تفرق شدن بحران
سیاسی و اقتصادی موجود است. این چیزی است
که بورژوازی دموکرات های ما مانند حاکمین خلق
نمی توانند و نمیخواهند آن را درک کنند.

پس از حادثه سفارت، حزب جمهوری اسلامی
با تکیه بر ابزار عوامفریبانه شعاری با اصطلاح
فدائلیسمی است، بتدریج لبرالها را از
مواضع قدرت به عقب رانده و در موضع مغلوب
قرار داده. هرچه "حزب" ابزارهای بیشتری از
قدرت را به تصرف در میآورد، لبرالها هر چه مخالفت
را زیر پوشش "آزادیخواهی" بیشتر بلند کردند
و اکنون که حزب مهمترین نهاد های حکومتی را
تحت تسلط خود درآورد، فریاد لبرالها
از انحنا رطلسی و "از دست رفتن آزادیها" بیسه
هوا بلند شده است. لبرالها دیگر نمیتوانند
فقط با غرولندهای خود نظاره گر "تجاهم حزب"
در عرصه قدرت و بیرون رانده شدن تدریجی خود
باشند این است که فدائلیسم خود را آغاز کرده اند و
میستگ سران چهار نفره لبرالها در روزهای
گذشته، از مسوولهای برجسته این تنها کمونیست
بوده و سخنرانی بنی صدر در دانشگاه این فدائلیسم
و تنها جماعتی را به نقطه اوج خود در طی این
مدت میرساند. بنی صدر پس از این حادثه و در پی
تجاهم تسلیماتی جناح رقیب، فرمان "یاداری"

بقیه در صفحه ۳۱

جنگ ارتجاعی ایران و عراق: بن بست برای رژیم جمهوری اسلامی

هفته گذشته، هیئتی مرکب از سران
دولت های ارتجاعی چند کشور اسلامی، از
جانب کنفرانس ارتجاعی "طائف" برای پایان
دادن به جنگ ایران و عراق و برقراری صلح
به ایران آمده و مذاکراتی را با سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی انجام دادند.

رژیم جمهوری اسلامی پس از تسلیمات
عوامفریبانه تیر ماه کنفرانس ارتجاعی
طائف، وعدم شرکت در آن که صرفاً بدلیل حضور
مدا در این کنفرانس صورت گرفت و نه بدلیل
ماهیت ارتجاعی آن، این "هیئت" را به سرای
"شنیدن پیام ایران" پذیرفت و با آن به مذاکره
نشست. در طول هفته گذشته "هیئت" مزیور، طی
سفرهای متعدد، چندبار با سران رژیم جمهوری
اسلامی و رژیم عراق به مذاکره نشست و در انتهای
این مذاکرات پیشنهادات خود را برای پایان
دادن به جنگ اعلام نمود. نتایج حاصله از این
مذاکرات و نیز اظهارات سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی و رژیم بعث عراق، قبل و بعد
از مذاکرات و از گذشته پیشنهاد "هیئت صلح"
نشان میدهد که علیرغم تمایل هر دو رژیم، بیسه
خاتمه یافتن سریع جنگ، هیچ نشانی از توافق
بر سر یک راه حل مشترک در مقطع کنونی وجود
ندارد. بیانیه اخیر "شورای عالی دفاع" و
نیز سخنان اخیر خاتمه ای در باره پیشنهادات
"هیئت صلح" از یکسو و سخنان صدام حسین در آخرین
مذاکره با هیئت مذکور بخوبی این بن بست
را نشان میدهد. رژیم ایران، خواهان خروج
نیروهای نظامی عراق از سرزمین های اشغال
شده ایران، و سپس اعلام آتش بس و مذاکره است
بعلاوه اینکه پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره
را در مورد شرط العرب منای مذاکره قرار میدهد
و تجدید بحث بر سر آن را قبول نمی کند.
متقابلاً رژیم عراق، خواهان یک آتش بس و شروع
مذاکرات، قبل از خروج نیروها بش از مناطقی
جنوبی و غربی ایران است. رژیم بعث همچنین
خواهان گسستن مسئله شرط العرب و جزا سر
سه گانه مذاکرات صلح، میباشد. پیشنهادات
"هیئت صلح" که پس از مذاکره با طرفین جنگ
اعلام گردید، راه حل مرضی الطرفین متقابل به
مواضع رژیم بعث را داده که مطابق آن، ابتدا
با آتش بس صورت گیرد و مذاکرات آغاز شود
هفت روز بعد از آتش بس تخلیه مناطق اشغال شده

بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست